

## بزه دیدگی بزهدار و جلوه های آن در حقوق کیفری ایران و امارات متحده عربی

نویسندگان		وابستگی سازمانی
جمال بیگی *		دانشیار حقوق جزا و جرم شناسی، رئیس مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
مریم شیریان نسل		استادیار حقوق جزا و جرم شناسی، پژوهشگر مرکز تحقیقات حقوق، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
اطلاعات مقاله		چکیده
نوع مقاله	پژوهشی	مطالعات مربوط به بزه دیده شناسی، طیف گسترده و متنوعی از موضوعات و مباحث از جمله نقش بزه دیده در فرآیند تکوین پدیده مجرمانه، بررسی انواع حمایت های مورد نیاز، عدالت قضایی و عدالت ترمیمی را شامل می شود. یکی از مهمترین ارکان این مطالعات، تعیین جایگاه بزه دیده است. از جمله مباحثی که در بزه دیده شناسی کمتر بدان توجه شده است، امکان بزه دیدگی بزهدار در مراحل دادرسی کیفری ناشی از جرایم علیه عدالت قضایی می باشد و این در قوانین کیفری ایران، نه به صورت منسجم و مشخص بلکه به صورت پراکنده و در مواد مختلف قابل بررسی است. از طرفی بسیاری از کشورها به صورت مشخص و در مبحثی مستقل در قوانین کیفری شان، به این جرایم پرداخته اند. کشور امارات متحده عربی از جمله این کشورها بوده که این مهم را در فصل «الجرایم المخله بسیر العداله» قانون مجازات امارات آورده است. در مقاله حاضر که به روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه ای و با هدف شناسایی و تبیین و تشریح بزه دیدگی بزهدار ناشی از جرایم علیه عدالت قضایی در حقوق کیفری ایران و امارات متحده عربی انجام شده است، در مواد مختلف قانون مجازات اسلامی ایران و کشور امارات به عنوان جرایم علیه عدالت قضایی شناخته شده اند که در این میان، قربانی شدن و بزه دیدگی بزهدار از جمله شاخصه های این جرایم تلقی می شود.
صفحه	۱ - ۱۷	
دوره ۱، شماره ۱		
اطلاعات نویسنده مسئول		
نویسنده مسئول	جمال بیگی	
کد ارکید	۰۰۰۰-۰۰۰۲-۲۳۷۹-۲۳۰۹	
تلفن	۰۹۱۴۳۲۱۰۸۲۷	
ایمیل	jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir	
سابقه مقاله		
تاریخ دریافت	۱۴۰۳/۰۵/۱۰	
تاریخ ویرایش	۱۴۰۳/۰۶/۱۵	
تاریخ پذیرش	۱۴۰۳/۰۶/۲۵	
تاریخ انتشار	۱۴۰۳/۰۷/۰۱	
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی	
واژگان کلیدی		بزه دیده، بزه کار، عدالت قضایی، حقوق کیفری ایران، حقوق کیفری امارات متحده عربی
توضیحات		
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.		
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.		
نحوه استناد	بیگی، جمال؛ شیریان نسل، مریم (۱۴۰۳)، بزه دیدگی بزهدار و جلوه های آن در حقوق کیفری ایران و امارات متحده عربی، فصلنامه علمی پژوهش های نوین در جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱ - ۱۷	
دهی		

**Criminal Victimization & Its Manifestations in The Criminal Law of Iran & The United Arab Emirates**

Authors		Organizational Affiliation
<b>Jamal Beigi*</b>		Associate Professor of Criminal Law & Criminology, Head of the Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
<b>Maryam Shirian Nasel</b>		Assistant Professor of Criminal Law & Criminology, Researcher, Law Research Center, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Article Information		Abstract
<b>Article Type</b>	Research	Studies related to victimology cover a wide and diverse range of topics and issues, including the role of the victim in the process of developing the criminal phenomenon, examining the types of support needed, judicial justice, and restorative justice. One of the most important pillars of these studies is determining the position of the victim. Among the issues that have received less attention in victimology is the possibility of victimization of the offender in the stages of criminal proceedings resulting from crimes against judicial justice, and this can be examined in Iranian criminal laws, not in a coherent and specific manner, but rather in a scattered manner and in different articles. On the other hand, many countries have specifically addressed these crimes in an independent section in their criminal laws. The United Arab Emirates is one of these countries, which has included this issue in the chapter "Crimes that interfere with the course of justice" of the UAE Penal Code. In the present article, which was conducted using a descriptive-analytical method and using library resources, with the aim of identifying, explaining, and explaining the victimization of criminals resulting from crimes against judicial justice in the criminal laws of Iran and the United Arab Emirates, various articles of the Islamic Penal Code of Iran and the UAE have recognized them as crimes against judicial justice, and among these, victimization and victimization of criminals are considered among the characteristics of these crimes.
<b>Pages</b>	1 - 17	
<b>Volume 1, Issue 1</b>		
<b>Corresponding Author's Info</b>		
<b>Corresponding Author's</b>	Jamal Beigi	
<b>ORCID</b>	2309 – 2379 – 0002 - 0000	
<b>Tell</b>	09143210827	
<b>Email</b>	jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir	
<b>Article History</b>		
<b>Received</b>	2024/07/31	
<b>Revised</b>	2024/09/05	
<b>Accepted</b>	2024/09/15	
<b>Published</b>	2024/09/22	
<b>Online:</b>		
<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical	
<b>Keywords</b>	<i>Victim, Offender, Judicial Justice, Iranian Criminal Law, United Arab Emirates Criminal Law</i>	
<b>Description</b>		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
<b>How to Cite This Article</b>	Beigi, Jamal; Shirian Nasel, Maryam (2024), Criminal Victimization & its Manifestations in the Criminal Law of Iran & the United Arab Emirates, Quarterly Journal of New Research in Criminology, Volume 1, Issue 1, Pages 1 - 17	

## ۱- مقدمه

مطالعات مربوط به بزه دیده شناسی، طیف گسترده و متنوعی از موضوعات و مباحث را شامل می‌شود، از نقش بزه دیده در فرآیند تکوین پدیده مجرمانه گرفته تا بررسی انواع حمایت‌های مورد نیاز، از عدالت قضایی تا عدالت ترمیمی. یکی از مهمترین ارکان این مطالعات، تعیین جایگاه بزه دیده و مطالعه اشکال ارتباط بزه‌کار و بزه دیده است. بزه دیده شدن بزه‌کاران، توسط پیشگامان بزه دیده شناسی مورد مطالعه قرار گرفته است. این که بزه‌کار چگونه می‌تواند خود بزه دیده نیز تلقی شود و شرایط و وضعیت‌های مختلفی که از زمان وقوع جرم تا آغاز فرآیند دادرسی کیفری و پس از آن، برای بزه‌کار اتفاق می‌افتد، و منجر به بزه دیدگی بزه‌کار می‌شود، چه مراحل و مراتبی دارد؟ از منظر عدالت قضایی بزه دیدگی بزه‌کار در چه جرایمی در این حوزه قابل بررسی است؟ و این موضوعات در حقوق کیفری ایران در تطابق با حقوق کیفری امارات متحده عربی چه مصادیق و جلوه‌هایی را شامل می‌شود؟ در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لازم به ذکر است، تعریفی که از بزه دیدگی در این نوشتار مورد نظر است، در بردارنده تعریفی است که از سوی سازمان ملل متحد، در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ ارائه شده است: «بزه دیدگان کسانی هستند که به طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده‌اند. این خسارت، به ویژه؛ در زمینه‌های مربوط به آسیب به تمامیت جسمی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد است». به‌طور خلاصه، بزه‌دیدگان ممکن است از خود جرم یا راهی که از رهگذر آن، دیگران به جرم یا به خود آنان پاسخ می‌دهند، اثر بپذیرند. (رایجان، ۱۳۸۴: ۱۰۶) از این رو وقتی درباره بزه دیده صحبت می‌کنیم، تعریف موسع آن مورد نظر است. به ویژه که در این مقاله تلاش می‌شود تا بزه دیدگی بزه‌کار را از منظر جرایم علیه عدالت قضایی مورد مطالعه قرار دهیم و از جمله مصادیق این نوع از بزه دیدگی را می‌توان در بین جرایم علیه عدالت قضایی مشاهده نمود. جرایم علیه عدالت قضایی که تعریف، مفهوم و مصادیق آن در ادامه مورد بررسی قرار خواهد گرفت، طیف مشخصی از جرایم را شامل می‌شود که براساس معیار و ملاک‌های خاصی مورد طبقه‌بندی قرار می‌گیرند. از آنجا که «بزه دیده واقع شدن بزه‌کار» موضوع اصلی مورد مطالعه در این مقاله می‌باشد، از این رو عمدتاً آن دسته از جرایم پیرامون عدالت قضایی، در حقوق کیفری ایران و امارات متحده عربی مورد بحث قرار می‌گیرد که «در حین فرآیند دادرسی و صدور حکم» ممکن است واقع شوند.

## ۲- مفهوم شناسی

در ابتدا لازم است، به تبیین و تشریح مفاهیم اساسی مسئله پردازیم؛ زیرا، شناخت مفاهیم واژه‌ها، در درک و فهم موضوعات، می‌تواند کمک شایانی بنمایند.

### ۲-۱- بزه دیده

بزه دیده واژه‌ای است که در زبان فارسی به معنای گناه و تقصیر آمده است. (دهخدا، ۱۳۸۸: ۳۶۰) در مقررات کیفری، بیشتر از معادل‌های عربی آن مانند مجنی علیه و متضرر از جرم استفاده گردیده است. همچنین، برگردان واژه انگلیسی victim است که در اصطلاح به شخصی گفته می‌شود که به دنبال یک جرم، آسیب، زیان و یا آزار می‌بیند و این آسیب، ممکن است بدنی، عاطفی، مالی و یا آسیب‌های اساسی به حقوق بنیادی او باشد. (رایجان، ۱۳۸۱: ۱۵) در ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴؛ بزه دیده این گونه تعریف شده است: «بزه دیده شخصی است که از وقوع جرم، متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنان چه تعقیب مرتکب را درخواست کند «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.»

این اولین بار است که قانون آیین دادرسی کیفری از اصطلاح «بزه دیده» استفاده و آن را تعریف می کند. هرچند که ممکن است، اشخاص زیادی از وقوع یک جرم، متحمل ضرر و زیان شوند، اما تنها بزه دیده مستقیم؛ یعنی کسی که مستقیماً از وقوع جرم لطمه دیده و قانون گذار، با جرم انگاری یک رفتار مباح، قصد حمایت از او را داشته و یا قائم مقام چنین شخصی محسوب می شود، می تواند، در فرآیند کیفری، به عنوان «شاکی» تقاضای تعقیب متهم را بنماید و بزه دیده غیر مستقیم چنین اختیاری ندارد. چنین شخصی، اعلام کننده جرم محسوب می شود و شرایط آن را دارد. (خالقی، ۱۳۹۳: ۲۹) البته واژه بزه دیده برای نخستین بار در قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ مورد استفاده قرار گرفته است، همچنین فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه «بزه دیده» را در برابر «مجنی علیه» به کار برده است. (خادمیان، ۱۳۹۵: ۱۱) واژه بزه دیده به شخصی اطلاق می شود که از وقوع یک جرم یا بزه متحمل ضرر و زیان می گردد. این مفهوم در قانون آیین دادرسی کیفری ایران به وضوح تعریف شده است. (رایجان، ۱۳۹۰: ۲۵) سازمان ملل متحد نیز، در ۱۱ دسامبر ۱۹۸۵ تعریفی از بزه دیدگان را ارائه نموده است: «بزه دیدگان کسانی هستند که به طور فردی یا گروهی متحمل خسارت شده اند». این خسارت، به ویژه؛ در زمینه های مربوط به آسیب به تمامیت جسمی یا روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه بزرگی به حقوق اساسی افراد است. این خسارت، ناشی از افعال یا ترک افعالی است که قوانین جزایی یک دولت عضو را نقض کرده و نشان دهنده تخلف از مقررات حقوقی است (فلیزولا و لیز، ۱۳۷۹: ۹۶) در تحقیق حاضر این تعریف از بزه دیده مد نظر می باشد. تعاریف دیگری در آثار جرم شناسان از «بزه دیده» وجود دارد که از آن جمله می توان به تعاریف زیر اشاره نمود. ژرار و فیلیزولا، بزه دیده را چنین تعریف کرده اند: «بزه دیده کسی است که یک خسارت قطعی، آسیبی بر تمامیت شخصی او وارد آورده است و اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند.» (فلیزولا و لیز، ۱۳۷۹: ۹۷) به طور کلی بزه دیده یا مجنی علیه عبارت از شخص یا اشخاصی حقیقی یا حقوقی است که دارای حقی است که به خاطر وقوع جرمی، مستقیماً حق یا حقوقشان مورد تعدی قرار گرفته است. (توجهی، ۱۳۹۱: ۳۷)

## ۲-۲- بزهکار

بزهکار در لغت به معنای گناهکار و خطاکار بوده (عمید، ۱۳۸۶: ۸۶) و در اصطلاح اعم، کسی است که مرتکب جنایت یا جناحه یا خلاف می شود و به معنی اخص مرتکب جنایت یا جرم را بزهکار یا مجرم می گویند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۶۱۸) در بینش قانونگذاری ما نیز مفهوم بزهکار با مفهوم بزه پیوندی نزدیک دارد. در ترمینولوژی اصطلاحات جزایی بزهکار به این معنا آورده شده است: «گناهکار، خطاکار، انجام دهنده بزه، مرتکب شونده جرم را گویند و کسی که مرتکب جرم می شود را هم بزهکار می گویند.» (اباذری فومشی، ۱۳۸۷: ۱۸۹) بزهکار یا مجرم در نظام کیفری ما کسی است که فعلی مغایر با اوامر و نواهی قانونگذار مرتکب شود و چون برای تحقق جرم علاوه بر عنصر مادی محتاج به وجود عنصر دیگری به نام عنصر روانی است بنابراین جرم از نظر قانونی هنگامی رخ می دهد که رفتار مادی تشکیل دهنده آن از موجودی با قصد و اراده صادر شده باشد. (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۵۳)

## ۲-۳- عدالت قضایی

عدالت قضایی از شاخصه های مهم عدالت اجتماعی بوده که تاکید بر اجرای آن در سیاست جنایی دستگاه قضایی مورد تاکید می باشد. درک و شناسایی موانع تحقق عدالت قضایی مستلزم دانستن مفهوم «عدالت قضایی» است. (بیگی و آبروش، ۱۳۹۶: ۲۰۵) بدین منظور ابتدا مفهوم لغوی و سپس مفهوم اصطلاحی آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد. «عدالت قضایی» ترکیبی اضافی است که در

دو واژه «عدالت» و «قضایی» تشکیل شده است. از عدالت معانی و تعاریف متعددی ارائه شده است. این گوناگونی تعاریف با اختلاف شرایط حاکم بر جوامع، مناسبت دارد. برخی عدالت را «اعطای حق به ذی حق»، (مطهری، ۱۳۸۰: ۳۷) برخی دیگر آن را «رفتار مطابق قانون» (جعفری، ۱۳۸۵: ۸۸) و برخی نیز عدالت را چیزی می دانند که اکثریت مردم آن را عادلانه بدانند. (نجار زادگان و مسعودیان، ۱۳۸۸: ۲۱) شاید بتوان گفت تمام این تعاریف در جای خود درست است اما جامع‌ترین تعریفی که از عدالت ارائه شده و متناسب موضوع بحث ما نیز هست، تعریف عدالت به «رفتار مطابق قانون» است. بدین معنا که زندگی اجتماعی انسان دارای قوانین و مقرراتی است که برای بهبود آن زندگی وضع شده‌اند. رفتار مطابق آن قوانین، عدالت است و سرپیچی یا بی‌تفاوتی نسبت به آن‌ها ظلم و ستم تلقی می‌شود. اصل واژه‌ی «قضا» به معنای بریدن، جدا کردن و پایان دادن است و داور از آن‌رو که به اختلاف و دعوا با رأی خود پایان می‌دهد، قاضی نامیده می‌شود. این کلمه به معنی حکم و فرمان نیز آمده است. واژه‌ی «قضا» در قرآن در معانی مختلفی همچون خلق و پدید آوردن بوده و در بحث ما نیز همین معنای حکمیت و داوری مدنظر است. در بیان معنای اصطلاحی عدالت قضایی برخی از مجموع تعاریف لغوی برداشت نموده اند که می توان «عدالت قضایی» را رعایت قانون در مقام دادرسی و قضاوت دانست (نجارزادگان و مسعودیان، ۱۳۸۸: ۳۵) عده ای از اندیشمندان حقوقی عدالت قضایی را از مهمترین اهداف هر نظام قضایی دانسته و چنین بیان می کنند که اگر عدالت قضایی محقق نشود، سیستم قضایی آن جامعه دچار آسیب خواهد شد. (بیگی و تیموری، ۱۴۰۱: ۲۳) در اینجا لازم است اصطلاح «عدالت قضایی» از واژگان مشابه و همسوی خود نظیر «عدالت کیفری» و «عدالت حقوقی» تمییز داده شود تا از بکارگیری آنها بجای یکدیگر اجتناب گردد. زیرا هر کدام از آنها مربوط به حوزه‌ای خاص از عدالت هستند و از نظر معنایی با یکدیگر متفاوت هستند. «عدالت کیفری» به «مقایسه زیان‌های وارد بر جامعه، با خطای اخلاقی یا قابل سرزنش مرتکب و تعیین میزان کیفر و اجرای آن» تعریف شده است. (بولک، ۱۳۷۵: ۱۴) در حقیقت هدف «عدالت کیفری» این است که کیفر و مجازات براساس عدالت است، اما هدف عدالت قضایی، پیاده‌سازی عدالت پس از وقوع یک جرم تا مرحله رسیدگی و اجرای حکم است. اما «عدالت حقوقی» اعم از عدالت قضایی است و نمودار تمام واقعیت‌های قانونی، اجتماعی و روانی است که مراحل گوناگون قانون گذاری، تفسیر و اجرای قانون را دربرمی‌گیرد. درواقع، عدالت حقوقی اقسام مختلف عدالت تقنینی، قضایی، کیفری و عدالت در گستره حقوق عمومی را شامل می‌شود. (قربان نیا، ۱۳۸۱: ۱۱) با این توضیحات می‌توان گفت عدالت قضایی، یکی از اقسام عدالت حقوقی و به معنای رعایت قانون در مقام قضاوت و دادرسی است. از این‌رو پس از وقوع جرم یا تضییع حق، هر عملی که به قصد اخلال در روند اجرای عدالت قضایی صورت گرفته و تحقق عدالت قضایی را ناممکن سازد و یا موجب انحراف دادرسی گردد، جرم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود.

### ۳- مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی

در بحث طبقه بندی و بیان مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی نظرات مختلفی وجود دارد و طبقه بندی‌های مختلف بر اساس ملاک و معیارهای متفاوت مطرح شده است که در چهار مینا می توان این طبقه بندی را ملاحظه نمود. در تحقیق حاضر تقسیم بندی موضوعی مد نظر بوده و بیشتر به ماهیت جرایم ارتكابی که علیه عدالت قضایی واقع می شوند توجه شده است.

ردیف	مبنای تقسیم بندی	زیر مجموعه
۱	قانونی	جرایمی که منشأ آن قانون اساسی است
		جرایمی که منشأ آن قانون عادی است

جرایمی که مبنای آن معاهدات بین المللی است		
جرایمی که مبنای آن ترکیبی از دو یا سه دسته از قوانین ومقررات فوق می باشد		
جرایم مقام های قضایی و جرایم ضابطان	مرتكب	۲
جرایم مقام های دولتی		
جرایم مرتبطان پرونده اعم از کارشناسان و شهود مطلعین و مردم دخیل در پرونده		
جرایم ثبوتی	نوع جرم (کوشا، ۱۳۸۱: ۱۹)	۳
جرایم اثباتی		
جرایم نقض کننده اصول حاکم بر تحقیقات مقدماتی	تقسیم بندی موضوعی	۴
جرایم نقض کننده حقوق متهم یا بزه دیده		

#### ۴- جلوه های بزه دیدگی بزهار در حوزه جرایم علیه عدالت قضایی

در خصوص تفکیک و معرفی جداگانه «جرایم علیه عدالت قضایی» رویه یکسانی در بین قانونگذاران کشورهای مختلف وجود ندارد. قانونگذار امارات متحده عربی با اختصاص باب سوم از قانون مجازات امارات، به «الجرایم المخله بسیر العدالة» ضمن معرفی جرایم علیه عدالت قضایی، تلاش نموده است تا با اتخاذ تدابیر لازم و تعیین ضمانت اجراهای مناسب و موثر، مسیر حرکت به سوی تحقق عدالت واقعی را هموار سازد. شهادت کذب، سوگند دروغ، امتناع از ادای شهادت، تأثیرگذاری در امر قضا، ایجاد تأخیر در اقدامات قضایی، امتناع از اعلام جرم، گزارش کذب، شکستن مهر و فرار متهمین و محکومین مهمترین جرایمی هستند که در ۵۳ ماده از قانون مجازات امارات (مواد ۳۵۲ تا ۷۸۲) به آنها پرداخته شده است. (ماده، ۱۳۸۶: ۵۳) اما قانونگذار ایران نه در فصلی خاص و مشخص، بلکه به شکل پراکنده این گونه رفتارها را جرم علیه عدالت قضایی به شمار آورده و جرم انگاری نموده است. البته همانطور که بیان شد در بیان مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی باید توجه داشت که مقنن دو دسته رفتارهای خلاف قانون که اسباب اخلال در امر تحقیقات مقدماتی و جریان دادرسی را فراهم می آورد در قانون مجازات اسلامی و دیگر قوانین ماهوی به شکل پراکنده جرم انگاری نموده است. دسته اول، جرایمی نظیر اخفای جسد مقتول با هدف از بین بردن ادله جرم، مساعدت در خلاصی مجرم از تعقیب و محاکمه و اقرار ناشی از شکنجه از جمله جرایمی هستند که در مرحله تحقیقات مقدماتی قابل تصور بوده و جرم انگاری شده است. دسته دوم نیز شامل جرایمی هستند که روند اجرای عدالت را در مرحله دادرسی و محاکمه مختل نموده و مانع از تکوین دادرسی منصفانه و عادلانه می گردند، نظیر شهادت کذب و سوگند دروغ که انجام آنها از سوی اشخاص عادی و یا مستخدمین و مأمورین دولتی قابل تصور می باشد. (آقای، ۱۳۹۰: ۱)

رویه ای که در این پژوهش اتخاذ شده این است که با بررسی اهم جرایم علیه عدالت قضایی که «بزه دیدگی بزهار» در صورت وقوع این جرایم، در آنها مشهود و بارز می باشد مورد بررسی قرار گیرد. از این رو ۱۰ جرم مهم که تقریباً اغلب پژوهشگران به عنوان مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی، بر روی آن اجماع دارند مورد مطالعه قرار گرفته است. لازم به ذکر است هر چند در دو جرم «اخفای جسد» و «فراری دادن متهمان و محکومین» که در این مقاله بررسی شده است، احتمال بزه دیدگی بزهار کمتر از سایر جرایم می باشد با این حال هم به جهت اینکه در هر حال در این جرایم نیز احتمال وقوع بزه دیدگی بزهار وجود دارد و هم به جهت بررسی جامع و مانع موضوع به این دو جرم نیز پرداخته خواهد شد.

#### ۴-۱- شهادت کذب

شهادت دادن به راستی و درستی، یکی از زیباترین و شجاعانه ترین کارهای بشری بوده و اظهارات شهود به عنوان یکی از مهمترین ادله اثبات دعوا، نقش موثری در جریان دادرسی و تعیین سرنوشت پرونده ایفا می کند. (بیگی، ۱۳۹۶: ۱۴۵) اهمیت و تأثیر بسزای این امر در اجرای عدالت قضایی، سبب شده که در «قانون مجازات امارت متحده عربی» شهادت کذب، انکار حقیقت، کتمان تمام یا بخشی از شرح واقعه، در ردیف جرایم علیه عدالت قضایی به شمار آید. وقوع این جرم هم بر علیه بزهدار و هم بر علیه بزه دیده در فرآیند دادرسی کیفری متصور است. با این حال از آنجا که اصولاً در مراحل تحقیق و تعقیب، طرفین پرونده از نظر امکان و دسترسی به ابزار دفاع از خود در شرایط یکسان قرار ندارند و به اصطلاح برابری سلاح ها برای دو طرف در یک وضعیت مشابه قرار ندارد، لذا شهادت دروغ علیه متهم پرونده، که در این مقاله از او تحت عنوان «بزهدار» نام برده می شود، تا حد بسیاری می تواند عدالت قضایی را در معرض مخاطره قرار دهد. مطابق ماده ۲۵۳ قانون مجازات امارات «هرکس در محضر مقام قضایی یا هیأتی که صلاحیت استماع شهادت شهود را دارد، پس از اتیان سوگند، شهادت دروغ داده یا حقیقت را انکار کند یا بخشی یا تمام اطلاعات خود از اتفاقات قضیه را که در مورد آنها سؤال شده، کتمان نماید، خواه شخصی که شهادت داده، شاهدهی باشد که شهادت او مورد قبول باشد خواه نباشد، یا شهادت او در این امور پذیرفته شده باشد خواه نباشد، به حداقل ۳ ماه حبس مجازات می شود.»

در رابطه با ماده مذکور اشاره به چند نکته ضروری به نظر می رسد:

- عنصر مادی جرم موضوع ماده ۲۵۳ گاه به صورت فعل «بیان شهادت دروغ یا انکار حقیقت» و گاه به صورت ترک فعل «کتمان تمام یا بخشی از اطلاعات» نمایان می شود.
- تحقق این جرم منوط به آن است که مرتکب قبل از ادای شهادت، سوگند یاد نموده باشد.
- مطابق ماده ۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری امارات، اتیان سوگند قبل از ادای شهادت بر افرادی واجب است که ۱۵ سال آنها تمام شده باشد.
- در این ماده برای تحقق جرم کتمان حقیقت، سکوت ابتدایی و عدم بیان حقیقت کافی نیست بلکه کتمان اطلاعات پس از مورد سؤال قرار گرفتن، مراد است.
- قانونگذار امارات در برخی از موارد فردی را که مبادرت به ادای شهادت دروغ یا انکار یا کتمان حقیقت نموده، معاف از مجازات دانسته است. این موارد به استناد مواد ۴۵۲ و ۲۵۵ قانون مجازات امارات، عبارتند از:
  - هرگاه شاهدهی که در جریان تحقیقات جنایی ادای شهادت نموده قبل از اتمام تحقیقات، از شهادت دروغ خود برگردد.
  - هرگاه شاهدهی در هر محاکمه، ادای شهادت نموده ولی قبل از صدور حکم در ماهیت دعوا، ولو حکم غیر نهایی، از شهادت دروغ خود برگردد.
  - شاهدهی که احتمال می دهد که در صورت بیان حقیقت ضرر فاحشی در رابطه با آزادی یا شرف متوجه او یا همسرش، هر چند مطلقه باشد، یا یکی از پدران یا مادران یا فرزندان یا خواهران یا برادران یا بستگان سببی او از این درجات شود.
  - شاهدهی که استماع اظهارات او مانند شاهد، واجب نبوده یا اینکه واجب بوده ولی به وی تذکر داده شود «اگر بخواهد می تواند از ادای شهادت خودداری نماید».

بر اساس ماده ۲۵۶ قانون مجازات امارات، تقلیل مجازات مرتکب به نصف در مورد شخصی پیش‌بینی شده که ادای شهادت دروغ به تحریک او بوده چنانچه شاهد، حقیقت را بیان می‌نمود خود یا یکی از بستگانش بطور قطع به ضرری که در قسمت اول ماده ۲۵۵ توضیح داده شده «ضرر فاحش به آزادی یا شرف» مورد تعرض قرار می‌گرفت. در مقررات جزایی ایران، شهادت دروغ جرم‌انگاری و در ماده ۶۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر گردیده است. شهادت دروغ به معنای ارائه اطلاعات نادرست توسط شاهدان در محضر دادگاه است. این نوع شهادت می‌تواند تأثیرات جدی بر روند دادرسی و صدور احکام قضایی داشته باشد و به همین دلیل قانونگذار آن را جرم‌انگاری کرده است. همچنین به موجب بند دال ماده ۲ قانون تخلفات، جرایم و مجازاتی مربوط به اسناد سجلی و شناسانه مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام، اشخاصی که در مورد ولادت یا وفات، شهادت دروغ بدهند و شهادت آنان در تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات مؤثر واقع شود به حبس از نود و یک روز تا یک سال و یا به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰/۰۰۰ تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند. بر اساس آنچه که در کتب معتبر فقهی آمده چنانچه شهادت دروغ منجر به صدور و اجرای حکمی مانند قصاص نفس یا عضو یا اجرای حد سرقه «قطع ید» شده باشد، اعمال همان مجازات نسبت به شهود امکان‌پذیر می‌باشد. مطابق نظریه شماره ۳۵۳۷/۳-۱۶۳۱/۴/۱۷ اداره حقوقی قوه قضاییه برای کتمان شهادت در قوانین کیفری و جزای اسلامی مجازاتی در نظر گرفته نشده و ظاهراً عمل مذکور جرم محسوب نمی‌گردد. قانونگذار امارات در خصوص کارشناسان و اهل خبره نیز که قضات در امور فنی و تخصصی جهت کشف حقیقت و احراز واقع امر به آنان رجوع می‌نمایند، در ماده ۲۵۷ قانون مجازات امارات چنین مقرر داشته است: «کارشناسی که در دعوی مدنی یا جزایی، توسط مقام قضایی انتخاب شده و به امری مغایر حقیقت اعلام نظر نموده یا با علم به حقیقت، تفسیر و نظر غیر صحیحی را ارائه نماید به حداقل یک سال حبس و ممنوعیت از کارشناسی، مجازات می‌شود». قانونگذار ایران نیز در ماده ۳۷ قانون کارشناسان رسمی دادگستری مصوب ۱۳۸۱ در رابطه با نظرات خلاف واقع کارشناسان چنین مقرر داشته است: «هرگاه کارشناس رسمی با سوء نیت، ضمن اظهار عقیده در امر کارشناسی بر خلاف واقع چیزی بنویسد و یا در اظهار عقیده کتبی خود راجع به امر کیفری و یا حقوقی، تمام ما وقع را ذکر نکند و یا بر خلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌گردد و همچنین هرگاه کارشناس رسمی در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده با سوء نیت تغییر بدهد به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود و اگر گزارش خلاف واقع و اقدامات کارشناسی رسمی در حکم دادگاه مؤثر واقع شده باشد کارشناس مذکور به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد. حکم یاد شده در مورد خبرگان محلی نیز لازم‌الرعایه می‌باشد. (اسدزاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۱۷)

در رابطه با عملکرد پزشکان و ماماها نیز که اظهار نظر آنان به عنوان کارشناس و افراد متخصص و مورد وثوق می‌تواند مستند رأی دادگاه قرار گیرد، در ماده ۲۵۸ قانون مجازات امارات مقرر شده است: «هر پزشک یا مامایی که برای خود یا دیگری هدیه یا امتیاز از هرنوع یا وعده‌ای نظیر این مطالبه یا قبول نموده و در مورد حمل یا تولد یا مرض یا نقض عضو یا فوت، شهادت دروغ دهد یا در اثر وعده یا توصیه یا وساطت، شهادت به این امر دهد به حداکثر پنج سال زندان مجازات می‌شود. صدور گواهی‌های خلاف واقع توسط پزشکان، موضوعی است که قانونگذار ایران نیز در مواد ۵۳۹ و ۵۴۰ قانون مجازات اسلامی به آن پرداخته است. به موجب ماده ۵۳۹ قانون مجازات اسلامی «هرگاه طبیب تصدیق نامه بر خلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظيفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و هرگاه تصدیق نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته، علاوه بر استرداد و

ضبط آن به عنوان جرمیه، به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می‌گردد». قانونگذار امارات در پایان مواد مربوط به شهادت دروغ به افرادی که دیگران را به کتمان حقیقت یا ارائه اطلاعات غیر صحیح دلالت می‌نمایند اشاره نموده و برای کسی که با استفاده از شکنجه یا زور یا تهدید یا تقدیم هدیه یا امتیاز از هرنوع، دیگری را به کتمان امری از امور یا دلایل یا ارائه اطلاعات غلط در هر مرجع قضایی سوق دهد، مجازات حبس تا یک سال و جزای نقدی تا پانصد در هم در نظر گرفته است. (آماده، ۱۳۸۶: ۵۸)

#### ۴-۲- قسم دروغ

مطابق ماده ۲۶۰ قانون مجازات امارات: «هریک از طرفین پرونده که در دعوی مدنی ملزم به ادای سوگند شده یا سوگند به او رد شده باشد، قسم دروغ یاد کند به حبس تا دو سال یا جزای نقدی تا ده هزار در هم مجازات می‌شود». در قسمت اخیر ماده مذکور اضافه شده که چنانچه مرتکب پس از اتیان سوگند کذب و قبل از صدور حکم در خصوص دعوی که سوگند در جریان آن ادا گردیده، به حقیقت رجوع نماید از مجازات معاف می‌شود. قانونگذار ایران نیز در ماده ۶۴۹ قانون مجازات اسلامی برای ادای سوگند دروغ مجازات حبس پیش‌بینی نموده است با این تفاوت که توجه قسم به مرتکب علاوه بر دعوی حقوقی در دعوی جزایی هم لحاظ شده است. تصریح به دعوی جزایی در ماده ۶۴۹ این قانون به این جهت است که مطابق مقررات جزایی ایران سوگند نیز در برخی موارد در تعیین سرنوشت پرونده و رأی دادگاه ایفای نقش می‌کند. ماده ۲۰۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ در تعریف سوگند بیان داشته: «سوگند عبارت از گواه قراردادن خداوند بر درستی گفتار ادا کننده سوگند است». قانون مذکور از مواد ۲۰۱ تا ۲۱۰ مقررات مربوطه در خصوص سوگند را تعیین نموده است. همچنین ماده ۱۶۰ قانون مجازات اسلامی ۹۲ از جمله ادله اثبات دعوی را «قسامه» معرفی کرده و در مواد ۳۱۲ تا ۳۴۶ نیز مقررات پیرامون قسامه را تشریح نموده است. (بیگدلی و اسدی کوه آباد، ۱۴۰۳: ۱۰)

#### ۴-۳- امتناع از اتیان سوگند یا ادای شهادت

موضوع «امتناع از اتیان سوگند و یا ادای شهادت» نیز همانند شهادت دروغ، هم حقوق متهم و هم حقوق شاکی را ممکن است تحت الشعاع خود قرار دهد. با این حال صرفنظر از اینکه این موضوع در حقوق کیفری ایران جرم انگاری نشده است؛ اما این عمل قطعاً منافی عدالت قضایی خواهد بود. به ویژه اگر این ترک فعل، موجب تضییع حقوق متهم شده و وی را در موضع ضعیف تری قرار دهد، شاهد نوعی از بزه دیدگی وی خواهیم بود که حقوق اساسی فرد را هدف قرار می‌دهد. به لحاظ اهمیت اظهارات شهود در جهت کشف جرم و احراز واقعیت، خودداری اشخاص از اتیان سوگند یا ادای شهادت به عنوان مانعی در مسیر اجرای عدالت، توسط قانونگذار امارات جرم‌انگاری و مقرر گردیده که هرکس موظف به ادای شهادت در محضر یکی از مراجع قضایی بوده لکن بدون عذر موجه از ادای سوگند یا اظهار شهادت امتناع ورزد به حبس تا یک سال و جزای نقدی تا پنج هزار در هم یا به یکی از این دو کیفر، مجازات می‌شود. چنانچه مرتکب، قبل از صدور حکم در موضوع دعوا، از امتناع خود عدول کند از مجازات معاف خواهد شد. (آماده، ۱۳۸۶: ۵۹) در مقررات جزایی ایران، استنکاف از اتیان سوگند یا ادای شهادت فاقد ضمانت اجراست. گاه در توضیح علت عدم جرم‌انگاری امتناع از اتیان سوگند یا ادای شهادت به اصل سی و هشتم قانون اساسی ایران استناد می‌شود که به موجب آن «هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون، مجازات می‌شود». اگر چه استناد به اصل ۳۸ جهت منع

قانونگذار از تعیین کیفر برای شاهی که با امتناع از ادای شهادت روند اجرای عدالت را کند و مخدوش می‌نماید محل تأمل است لکن در حال حاضر می‌توان گفت که چون با توجه به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم است و تاکنون برای امتناع شهود از ادای شهادت مجازاتی تعیین نشده لذا عمل مذکور فاقد وصف جزایی است. نظریه شماره ۱۵۲۶/۷-۱۸۳۱-۱/۰۷۱/۰۱ اداره حقوقی قوه قضاییه نیز مؤید همین موضوع می‌باشد. در رابطه با امتناع شاهد از اتیان سوگند در تبصره ماده ۳۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ ایران مقرر شده: «در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت باشد و شاهد از اتیان سوگند خودداری کند، بدون سوگند، شهادت وی استماع میشود و در مورد مطلع، اظهارات وی برای اطلاع بیشتر استماع می‌شود». اگرچه به تجویز ماده ماده ۳۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ شاهد یا مطلع برای حضور در دادگاه احضار می‌شود. چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه در صورت وجود ضرورت حضور جلب می‌شود لکن همانگونه که اشاره شد، در صورت حضور و امتناع از ادای شهادت هیچ ضمانت اجرا و مجوزی برای الزام وی وجود ندارد. این در حالی است که در مقررات جزایی امارات نه تنها در مورد خودداری از ادای شهادت مجازات تعیین شده بلکه به موجب ماده ۱۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری امارات در صورت عدم حضور شاهد پس از اولین مرتبه احضار، دادگاه برای صدور حکم به پرداخت جزای نقدی تا هزار در هم و در صورت عدم حضور پس از دومین مرتبه احضار به صدور حکم محکومیت شاهد به پرداخت حداکثر میزان مذکور، مجاز شناخته شده است. (محمدی، ۱۳۸۹: ۴۱۶)

#### ۴-۴- تأثیر گذاری در امر قضا

بی‌تردید آسایش و آرامش روحی و روانی مقامات قضایی و عدم بروز هرگونه جو سازی و ایجاد ذهنیت منفی، سبب خواهد شد که قضات با استقلال کامل و فارغ از مسائل انحرافی و حاشیه‌ای نسبت به انجام تحقیقات لازم و صدور رأی عادلانه اقدام نمایند. لذا هرگونه اقدام در جهت تأثیر گذاری بر روند رسیدگی به پرونده و تحت تأثیر قرار دادن افراد مرتبط با امر قضا را می‌توان مانعی در مسیر اجرای عدالت تلقی نمود. به خصوص هر گاه جهت تأثیر گذاری، سمت و سوی خاصی گرفته و متهم، هدف این تأثیر گذاری باشد، بی شک بزه دیدگی بزهکار را در این وضعیت شاهد خواهیم بود. قانونگذار امارات با چنین نگرش و اندیشه‌ای در ماده ۲۶۳ قانون مجازات مقرر داشته: «هرکس به یکی از طرق علنی اموری را به قصد تأثیر گذاری در قضات یا در اعضای هیأت منصفه یا در غیر از آنها از مأمورین تحقیق یا در شهودی که برای ادای شهادت دعوت شده‌اند، منتشر نماید به حبس یا جزای نقدی مجازات می‌شود.» همچنین در ماده ۲۶۴ قانون مجازات امارات برای انتشار علنی موارد ذیل مجازات حبس حداکثر یک سال یا جزای نقدی حداکثر ده هزار در هم در نظر گرفته شده است:

- انتشار اخبار پیرامون تحقیقات انجام شده در خصوص جرم یا مدرکی از مدارک تحقیق که مقام قضایی انتشار آن را ممنوع نموده است.
- انتشار اخبار راجع به تحقیقات یا اقدامات انجام شده در خصوص دعوی نسب یا زوجیت یا حضانت یا طلاق یا نفقه یا جدایی یا زنا یا قذف یا افشای اسرار.
- انتشار اسامی یا تصاویر متهمین نوجوان.
- انتشار اسامی یا تصاویر بزه دیدگان در جرایم علیه عرض و ناموس.

بر اساس ماده ۲۶۵ قانون مجازات امارات، هر کس بدون رعایت امانت و با سوءنیت، آنچه را که در جلسات علنی گذشته به یکی از طرق علنی منتشر نماید به کیفر مذکور در ماده قبل مجازات می‌شود. در بررسی مقررات جزایی ایران و در بحث لزوم رعایت اصل بی طرفی و ممانعت از اختلال در روند دادرسی ماده ۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر داشته: «مراجع قضائی باید با بی طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاهترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری میشود، جلوگیری کنند». در خصوص منع انتشار اطلاعات مربوط به پرونده های در جریان رسیدگی نیز ماده ۹۶ قانون آیین دادرسی کیفری ۹۲ اشعار داشته: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضائی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان.

الف) متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره نگاری آنان منتشر می شود.

ب) متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده‌اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه‌دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود».

این موارد اخیر هر چند به طور مستقیم بر روند امر قضا تأثیر نمی گذارند. اما تبعات افشا و انتشار اطلاعات مذکور بدون شک دادرسی عادلانه و عدالت قضایی را از مسیر اصلی خود منحرف خواهد کرد. از جمله نمونه های بزه دیدگی بزهکار در مرحله رسیدگی، که ممکن است متأثر از این موضوع باشد، سرزنش کردن متهم بواسطه اتهام توسط قاضی و نحوه رفتار او با متهم است که از ملاک های عدالت تقابلی در تعیین ایجاد بزه دیدگی در فرآیند دادرسی است. نتیجه این معیار نشان می دهد که چنانچه قضات در رفتار خود نوعی پیش داوری را اعمال کنند باعث نوعی بزه دیدگی بر متهمان خواهد شد. (آشوری، ۱۳۸۸: ۱۰۰)

#### ۴-۵- معطل کردن اقدامات قضایی و اختلال در اجرای احکام

اهمیت آثار و ادوات برجای مانده در صحنه جرم و نقش حفظ صحنه و بررسی دقیق و فنی آن در کشف جرم و شناسایی جرم همواره مورد تأکید قانونگذار، قضات، پزشکان قانونی و مأمورین کشف جرایم بوده است. بر اساس نظریه مبادله یا انتقال که توسط «ادموند لوکارد» رئیس موسسه جرم‌شناسی دانشگاه لیون فرانسه ارائه شده «شخصی که مرتکب جنایت می‌شوند تقریباً و بطور قهری آثاری از خود در صحنه جنایت یا نزد مجنلی علیه یا هردو به جای می‌گذارند و بطور متقابل آثاری از صحنه جنایت یا مجنلی علیه یا هردو نزد آنها به جای می‌ماند». (نجابتی، ۱۳۸۶: ۸۱۱) یکی از نتایج حاصله از این نظریه آن است که «چنانچه در بررسی صحنه جرمی دلیل و مدرکی به دست نیامد یا امکان ربط دادن جرمی به متهم مورد نظر مقدور نبود، قبل از اینکه این امر به حساب فقدان دلیل گذاشته شود باید آن را به حساب نقص آموزش یا کمبود امکانات فنی کشف جرایم یا کم تجربگی گذاشت». به همان اندازه که حفظ صحنه و وجود آثار و علایم و آلات و ادوات جرم در کشف جرم نقش آفرین است، بر هم زدن صحنه و از بین بردن آثار و مدارک جرم در ایجاد وقفه در کشف جرم و عدم شناسایی مرتکب موثر می‌باشد. به همین مناسبت قانونگذار امارات هرگونه اقدام در جهت تغییر صحنه جرم، از بین بردن یا اخفای ادله جرم را به عنوان جرم علیه عدالت قضایی مستوجب کیفر دانسته است. مطابق ماده

۶۶۲ قانون مجازات امارات، هرکس به قصد گمراه کردن امر قضا، وضعیت اشخاص یا اماکن یا اشیاء را تغییر داده یا دلایل جرم را مخفی نموده یا در ارتباط با جرم اطلاعات دروغ که به نادرستی آنها آگاه است، ارائه نماید به کیفر حبس مجازات می‌شود.

در رابطه با ماده مذکور اشاره به دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:

- اگرچه میزان مجازات حبس در این ماده مشخص نگردیده لکن همانگونه که در مقدمه تحقیق توضیح داده شد مدت حبس در این مورد یک ماه تا سه سال است.
- عنصر معنوی جرم شامل سوء نیت عام و خاص است. «سوء نیت عام» یعنی مرتکب با علم به اینکه صحنه یا اشیاء یا دلایل مربوط به جرم است عمدا نسبت به انجام تغییرات در صحنه یا اخفاء دلایل و نیز ارائه اطلاعات غلط اقدام می‌نماید. «سوء نیت خاص» یعنی قصد وی از انجام چنین اعمالی منحرف کردن امر قضاوت و دور کردن دستگاه قضایی از کشف حقیقت و اجرای عدالت است.

مطابق ماده ۲۶۷ قانون مجازات امارات، تا یک سال حبس یا تا پنج هزار در هم جزای نقدی، مجازاتی است که برای افراد ذیل در نظر گرفته شده است: «کسانی که نوشته یا سند یا چیز دیگر ارائه شده به یکی از مقامات تحقیق، یا در دعوی مطرح شده در یکی از مراجع قضایی، مخفی یا تلف نموده یا بر آن دست یابند.» ترک فعلی که در ماده ۲۶۸ قانون مجازات امارات به آن پرداخته شده عبارتست از خودداری از ارائه اسناد، نوشته‌جات و دیگر مدارک مؤثر در کشف واقعیت. از دیدگاه قانونگذار امارات، ایجاد اختلال در جریان اجرای حکم قضایی نیز جرم علیه عدالت قضایی محسوب می‌شود. به موجب ۲۶۹ قانون مجازات امارات هرکس با سوء نیت، مرتکب عملی شود که عملیات اجرایی نسبت به مالی که بر اساس حکم قضایی توقیف شده را با مشکل مواجه نماید، خواه این عمل با جابجایی یا مخفی نمودن یا تصرف در آن مال صورت گیرد یا با تلف کردن یا تغییر نشانه آن انجام شود، به حبس تا دو سال و جزای نقدی تا ده هزار در هم یا به یکی از این دو مجازات، محکوم می‌شود. این مجازات در موردی نیز که عمل توسط مالک یا نگهبان مال صورت گرفته باشد، اعمال می‌گردد. مشابه حکم این ماده را می‌توان در ماده ۶۶۳ قانون مجازات اسلامی ایران نیز ملاحظه نمود. در ماده مذکور مقرر شده «هرکس عالماً در اشیاء و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده است و بدون اجازه، دخالت یا تصرفی نماید که منافعی یا توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف، مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». مطابق ماده ۲۷۰ قانون مجازات امارات، مجازات مذکور در ماده ۲۶۹ در مورد هر مأمور عمومی یا مکلف به خدمت عمومی که عمداً و به ناحق از اجرای حکم یا دستور حکم شده توسط یکی از دادگاهها پس از گذشت هشت روز از اخطار رسمی به او جهت اجرا امتناع ورزد، در حالی که اجرای حکم یا دستور جزء وظایف خاص وی می‌باشد، اعمال می‌گردد. سوء استفاده از مقام، جهت جلوگیری از اجرای اوامر مقامات قضایی موضوعی است که مورد عنایت قانونگذار ایران نیز قرار گرفته است. بر اساس ماده ۵۷۶ قانون مجازات اسلامی ایران «چنانچه هر یک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداریها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد، جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد». در بررسی چگونگی بزه دیده واقع شدن بزهکار در صورت بروز رفتارهای مذکور در بحث معطل کردن اقدامات قضایی و اختلال در اجرای احکام، هر چند شاید در بادی امر این موضوع به ذهن متبادر گردد که در این شرایط معمولاً شاکی یا بزه دیده از این رهگذر بیشتر متضرر می‌گردد؛ اما باید توجه

داشت که وقوع جرایم پیش گفته قطعاً می تواند بر علیه متهم نیز صورت پذیرفته و موجب بزه دیدگی بزهکار گردد. چرا که در بسیاری از موارد ممکن است شاکی و یا اطرافیان وی با انجام اقداماتی موجب معطلی و اخلال در فرایند رسیدگی و اجرای احکام شده و عدالت قضایی را با مشکل مواجه کرده و به نوعی بزه دیدگی بزهکار را فراهم آورند. (اشنایدر، ۱۳۷۱: ۱۱)

#### ۴-۶- امتناع از اعلام جرم

گزارش مأمورین دولت و همچنین اعلام جرم توسط سایر اشخاص، از مهمترین طرق اطلاع پلیس و دستگاه قضایی از وقوع جرایم و شروع به تحقیقات و رسیدگی است. قانونگذار امارات با رویکردی مشارکتی به سیاست جنایی و با قرار دادن امتناع از وقوع جرایم در زمره جرایم علیه عدالت قضایی، سعی در رفع یکی دیگر از موانع موجود در مسیر احقاق حق و اجرای عدالت نموده است. مطابق ماده ۲۷۲ قانون مجازات امارات: «هرمأمور عمومی که مکلف به تحقیق در مورد جرم یا گزارش آن است چنانچه در گزارش نمودن جرمی که به آگاهی او رسیده اهمال یا تأخیر کنند به حبس یا جزای نقدی مجازات می شود». قسمت دوم از ماده ۲۷۲ به سایر مأمورین اختصاص یافته و مقرر داشته: «هرمأموری که وظیفه ای در امر تحقیق در مورد جرم یا گزارش آن ندارد چنانچه در اعلام جرمی که در جریان یا به سبب انجام وظیفه، از آن مطلع گردیده اهمال یا تأخیر نماید به جزای نقدی مجازات می شود». به دلالت ماده مذکور، جرم بودن «امتناع از اعلام جرم» مربوط به جرایمی است که بدون شکایت شاکی خصوصاً قابل تعقیب می باشند. لذا عدم اعلام جرایمی که تعقیب آنها منوط به شکایت شاکی خصوصی است، مجازاتی را در پی نخواهد داشت. در مورد سایر مأمورین که در قسمت دوم ماده ۲۷۲ به آنها اشاره شد، به استناد قسمت اخیر این ماده، هرگاه مأمور «همسر مرتکب جرم» یا از «پدران یا مادران یا فرزندان یا برادران یا خواهران او یا از بستگان سببی هم رتبه آنها باشد» اعمال معافیت از مجازات جایز می باشد. مرتبطين با مشاغل پزشکی و درمانی نیز در جریان انجام وظیفه ممکن است نسبت به وقوع جرایم علیه اشخاص آگاهی یابند که در این صورت مکلفند مراتب را به مقامات ذیصلاح اطلاع دهند. در مقررات جزایی ایران، شهروندان تکلیفی برای اعلام جرایمی که از وقوع آنها مطلع می شوند، ندارند لکن برخی از مقامات با توجه به وظیفه و مسئولیتی که بر عهده دارند مکلف به اعلام برخی از جرایم خاص می باشند. تبصره ۲ ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ نیز مسئول یا مسئولین ذیربط اعم از مدیران و بازرسان را که به نحوی از انجام تمام یا قسمتی از اقدامات مجرمانه موضوع این قانون مطلع شوند، مکلف نموده که در زمینه جلوگیری یا آگاه ساختن مقامات ذیصلاح اقدام فوری و مؤثری انجام دهند در غیر این صورت معادن جرم محسوب شده و به مجازات مقرر برای معاون جرم محکوم می شوند. از آنجا که هر بزهکار در مرحله وقوع جرم ممکن است هم زمان بزه دیده نیز تلقی گردد، وقوع این جرم علیه شخص بزهکار نیز متصور است زیرا همانطور که در بند بعد نیز به آن پرداخته خواهد شد. امکان جانبداری و امتناع از اعلام جرمی که در زمان وقوع جرم بر علیه بزهکار واقع شده است از سوی اشخاص مسئول و ضابطان وجود دارد. (سیفی قره یتاق و اسلامی نیا، ۱۴۰۳: ۱)

#### ۴-۷- گزارش خلاف واقع

گزارش خلاف واقع یا گزارش دروغ، نیز یکی از جرایم علیه عدالت قضایی تلقی می شود. همانگونه که عدم اعلام جرم می تواند در جریان اجرای عدالت، اخلال و تأخیر ایجاد نماید، گزارش خلاف واقع مبنی بر وقوع جرم یا پیرامون وقوع جرم، نیز می تواند موجب گمراهی دستگاه عدالت و دور نمودن آن از انجام وظیفه واقعی شود. به ویژه اگر در مرحله کشف جرم ضابطین دادگستری بر اثر

عوامل غیر حقوقی، و یا به شکل جانبدارانه ای گزارش ابتدایی جرم را تحریف نموده و به شکلی تنظیم کنند که موجبات تضییع حقوق یکی از اصحاب دعوی را فراهم آورد، بدون شک عدالت قضایی به انحراف خواهد رفت. در بحث حاضر این موضوع اگر به ضرر بزهکار اتفاق بیافتد می تواند موجب تشدید مجازات یا عدم برخورداری از امکان تخفیف یا معافیت از مجازات و یا سایر تضررات حقوقی وی در مسیر دادرسی عادلانه گردد، که در این صورت نتیجه عمل، از مصادیق بزه دیدگی بزهکار خواهد بود. در بررسی تطبیقی این موضوع می بینیم که قانونگذار امارات، گزارش کذب را جرمی علیه عدالت قضایی به شمار آورده و در ماده ۲۷۵ قانون مجازات امارات مقرر داشته: «هرکس در مورد حوادث یا خطراتی که وجود خارجی ندارد یا در مورد جرمی که از عدم وقوع آن مطلع است، به مقامات قضایی یا مراجع اداری گزارش دهد به حد اکثر شش ماه حبس و سه هزار در هم جزای نقدی یا به یکی از این دو کیفر، مجازات می شود». گاه اقدام مرتکب از صرف گزارش کذب فراتر رفته و با فراهم نمودن دلایل خلاف واقع، ارتکاب جرایمی را به اشخاص نسبت می دهد. در این رابطه ماده ۲۷۶ قانون مجازات امارات مقرر می دارد: «هرکس به دروغ و با سوء نیت به مقامات قضایی یا مراجع اداری اعلام کند که شخصی مرتکب امری گردیده که موجب مجازات جنایی یا اداری است، هر چند بر این اعلام، اقامه دعوی جنایی یا تأدیبی مترتب نباشد و همچنین هرکس بر خلاف واقع دلایل مادی بر ارتکاب جرم توسط شخصی، بسازد یا با علم به بیگناهی فردی، سبب اتخاذ اقدامات قانونی علیه او شود به حبس یا جزای نقدی یا یکی از این دو کیفر، مجازات می شود». در انتهای ماده ۲۷۶ اضافه شده که چنانچه نسبت دادن جرم، منجر به صدور کیفر به مجازات جنایی شود، شخص مفتری به همان کیفر مورد حکم مجازات می شود. هماهنگونه که اشاره گردید، اظهارات خلاف واقع آن است که شخص پس از ادای سوگند و التزام به حقیقت گویی، در مرجع قضایی به عمد و نه از روی سهو یا اشتباه، در امر مهمی دروغ بگوید. **(بیگی و موسوی، ۱۴۰۲: ۴۱)** در قانون مجازات اسلامی ایران نیز نسبت دادن اعمال مجرمانه به اشخاص، بر خلاف واقع و نیز صحنه سازی جهت مجرم معرفی کردن دیگران، جرم انگاری شده است. مطابق ماده ۶۹۷ قانون مجازات اسلامی: «هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحاً نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد». همچنین در ماده ۶۹۹ قانون مجازات اسلامی مقرر گردیده: «هرکس عالماً عمداً به قصد متهم نمودن دیگری، آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام برائت قطعی آن شخص، مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا ۴۷ ضربه شلاق محکوم می شود». **(قربانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱)**

#### ۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

وقوع بزه دیدگی بزهکار در بسیاری از جرایم علیه عدالت قضایی نه تنها قابل وقوع است بلکه وجه بارز برخی از این جرایم، وقوع بزه دیدگی بزهکاران یا متهمان پرونده های مطروحه در دستگاه قضایی می باشد. از دیدگاه تطبیقی وقوع جرایم مذکور در حقوق کیفری امارات متحده عربی نیز پیش بینی شده و این پیش بینی حتی منسجم تر و مشخص تر از رویه قانونگذار ایران است. اهمیت و ضرورت احقاق حق و آرای عدالت ایجاب می کند که جهت رفع موانعی که به اشکال و طرق مختلف، موجبات اختلال و تاخیر در

کشف حقیقت و اجرای عدالت را فراهم می‌آورند، تدابیر لازم اتخاذ گردد. در این رابطه، شناسایی احصاء جرایمی با عنوان «جرایم علیه عدالت قضائی» در کشورهایی مانند فرانسه و امارات متحده عربی گامی موثر در جهت نیل به هدف متعالی و مقدس اجرای عدالت، ارزیابی می‌شود. قانونگذار ایران نیز برخی از اقدامات علیه عدالت قضائی را بطور پراکنده، جرم انگاری کرده است. در مقررات جزایی ایران برخی از اعمال محل اجرای عدالت قضایی نیز فاقد ضمانت اجرای کیفری است که برای مثال می‌توان به استتکاف از ادای سوگند یا ادای شهادت اشاره نمود. به هرتقدیر به لحاظ اهمیت ویژه موضوع و لزوم مقابله جدی با هرگونه اختلال در جریان اجرای عدالت شایسته است که قانونگذار ایران نیز با جرم‌انگاری دقیق‌تر و تفکیک اقدامات علیه عدالت قضائی، بر ضرورت رفع موانع اجرای عدالت، بیش از پیش تاکید نماید. در این راستا لازم است تا ضمن اصلاح و بازنگری در قوانین و مقررات جزایی که شرح آن بیان شد، به موضوع آموزش ضابطان و مقامات قضایی از منظر لزوم رعایت حقوق متهمین در فرآیند دادرسی کیفری نیز پردازیم. پیشنهاد دیگر استفاده از فن آوری های نوین و به روز در فرایند دادرسی کیفری به منظور کاهش اصطکاک مقامات دخیل در عدالت قضایی، با متهمین، نظیر بهره گیری از روش های نوین و علمی در جرم یابی، حفظ صحنه جرم و دادرسی الکترونیکی می باشد.

### منابع

- ۱) ابادری فومشی، منصور (۱۳۸۷)، *مبسوط در ترمینولوژی اصطلاحات کیفری*، تهران: انتشارات اندیشه عصر
- ۲) اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۳)، *حقوق جزای عمومی*، جلد دوم، تهران: انتشارات میزان
- ۳) اسدزاده، سعید؛ احدیف فاطمه؛ کنجوری، مجتبی (۱۴۰۱)، *جرم انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران*، فصلنامه تمدن حقوقی، دوره ۵، شماره ۱۲
- ۴) آشوری، محمد (۱۳۸۸)، *آیین دادرسی کیفری*، تهران: انتشارات سمت
- ۵) آقایی، قاسم (۱۳۹۰)، *جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله دادرسی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری قوه قضاییه.
- ۶) آماده، غلامحسین (۱۳۸۶)، *جرایم علیه عدالت قضائی در قانون مجازات امارات متحده عربی و جمهوری اسلامی ایران*، عدالت آرا، شماره ۸
- ۷) بولک، برنار (۱۳۷۵)، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین نجفی ایرند آبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد
- ۸) بیگدلی، محمود؛ اسدی کوه آباد، هرمز (۱۴۰۳)، *شهادت کذب و قسم دروغ در فقه و حقوق ایران*، چهاردهمین کنفرانس بین المللی دستاوردهای نوین پژوهشی در فقه، حقوق و علوم انسانی: تهران
- ۹) بیگی، جمال (۱۳۹۶)، *جرم انگاری کتمان شهادت و چالش های آن در حقوق ایران*، آموزه های حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۱۴
- ۱۰) بیگی، جمال؛ آبروش، هیرو (۱۳۹۶)، *رویکرد سیاست جنایی ایران به جرایم علیه عدالت قضایی*، فصلنامه حقوق ملل، دوره ۷، شماره ۲۶
- ۱۱) بیگی، جمال؛ تیموری، مهرداد (۱۴۰۱)، *آسیب شناسی قوانین کیفری ایران در حوزه جرایم بر ضد عدالت قضایی*، دوره ۳، شماره ۴

- ۱۲) بیگی، جمال؛ موسوی، سید رضا (۱۴۰۲)، جرم‌انگاری اظهار خلاف واقع مطلع در حقوق ایران، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۷۱
- ۱۳) توچی، عبدالعلی (۱۳۹۱)، جایگاه بزه دیده در سیاست جنایی ایران، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۴) جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۷)، ترمینولوژی حقوق، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات گنج دانش
- ۱۵) جعفری، محمد تقی (۱۳۸۵)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، جلو سوم، چاپ اول، تهران: انتشارات حیدری
- ۱۶) خادیمان، محمد مهدی (۱۳۹۵)، بزه دیدگی دومین در مرحله تحقیقات پلیسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- ۱۷) خالقی، علی (۱۳۹۳)، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ دوم
- ۱۸) خانبان مهر آبادی، مهدیه (۱۳۹۱)، نقش بزه دیده در اصلاح و درمان مجرم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم
- ۱۹) دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۸)، لغت‌نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۰) راجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، بزه دیدگان و نظام عدالت جنایی، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۶۲، شماره ۵۹
- ۲۱) راسل، برتراند (۱۳۶۴)، اخلاق و سیاست در جامعه، ترجمه محمود حیدریان، چاپ اول، تهران: نشر وحید
- ۲۲) رایجیان اصلی مهرداد، (۱۳۹۰)، بزه دیده شناسی (تحولات بزه دیده شناسی و علوم جنایی)، جلد اول، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش
- ۲۳) رایجیان اصلی مهرداد (۱۳۸۱)، بزه دیده در فرآیند کیفری، تهران: انتشارات خط سوم
- ۲۴) ژینا ولیز، ژوار (۱۳۷۹)، بزه دیده و بزه دیده شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند، تهران: انتشارات مجد
- ۲۵) سیفی قره‌یتاق، داود؛ اسلامی نیا، قاسم (۱۴۰۳)، مطالعه تطبیقی عناصر جرم خودداری از اعلام جرایم و کیفر آن در حقوق ایران و آمریکا، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۱۱، شماره ۳
- ۲۶) شنایدر، لی موین (۱۳۷۱)، پی‌جویی قتل، ترجمه یحیی افتخارزاده، تهران: انتشارات زوار
- ۲۷) طارمی، محمد حسین (۱۳۹۰)، عدالت قضایی و جرایم بیرامونی آن، پایگاه اینترنتی راسخون
- ۲۸) طباطبایی محمد حسین (۱۳۸۶)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد اول، چاپ بیست و دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی
- ۲۹) عمید، حسن (۱۳۸۶)، فرهنگ عمید، چاپ بیست و هشتم، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۳۰) قربان نیا، ناصر (۱۳۸۱)، عدالت حقوقی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- ۳۱) قربانی، ابراهیم؛ بیگی، جمال؛ رسولی، ولی (۱۳۹۲)، جرایم علیه عدالت قضایی در پرتو اسناد بین‌المللی، کنفرانس بین‌المللی و مطالعات رفتاری: تهران
- ۳۲) کوشا، جعفر (۱۳۸۱)، جرایم علیه عدالت قضایی، تهران: نشر میزان
- ۳۳) گودرزی، فرامرز (۱۳۹۰)، پزشکی قانونی، تهران: انتشارات پلیس قضایی
- ۳۴) محمدی، پژمان (۱۳۸۹)، محدودیت‌های موضوعی سوگند در دعاوی مدنی، پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۲، شماره ۲۹



- ۳۵) مطهری، مرتضی (۱۳۸۶)، *اسلام و مقتضیات زمان*، جلد اول، تهران: انتشارات صدرا
- ۳۶) نجابتی، مهدی (۱۳۸۶)، *پلیس علمی*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت
- ۳۷) نجار زادگان، فتح‌الله؛ موسویان، مصطفی (۱۳۸۸)، *بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری*، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، دوره ۱، شماره ۳



## حمایت کیفری از سقط جنین آزمایشگاهی از منظر حقوق جزای ایران و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی

نویسندگان	وابستگی سازمانی
محمد رضا ساکی	عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز
حسنعلی موذن زادگان	دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
محمد غفاری*	مربی، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله	قانونگذار ایرانی پس از طرح نظرات فقهی و حقوقی مختلف، سقط جنین، پس از ولوج روح را حرام و غیر قانونی اعلام و قبل از ولوج روح را با شرایط خاص ماده واحده قانون سقط درمانی، پذیرفته و با این اقدام گامی رو به جلو و مؤثر در قانونمند کردن مسأله سقط جنین برداشته است. سقط درمانی راهکاری است که مقنن برای پیشگیری از بروز مشکلات آتی برای مادر، جنین یا اجتماع، آن را مجاز شناخته است؛ اما با رفع محدودیت‌های مندرج در این قانون و تسری آن به امکان سقط درمانی حاصل از زنا و تجاوز به عنف قبل از ولوج روح در جنین می‌توان زمینه خروج قوانین سقط جنین را از حوزه جرم و جنایت و انتقال آن به حوزه رفاه و سلامت، فراهم نمود. هدف از طرح موضوع سقط درمانی این است که با استفاده از روش کتابخانه‌ای و تحلیلی و استفاده از منابع مجازی و توجه به حقوق سایر کشورها و اسناد بین‌المللی به بررسی سقط درمانی از منظر اخلاق و فقه پزشکی بپردازیم. نتیجه تحقیق حاکی از این مطلب است که سیاست ترکیبی در برخورد با موارد سقط جنین مستلزم آن است که مفاهیم بر اساس نیازها تعریف و نظام قضایی و سلامت، با همکاری یکدیگر از موارد مشروع و قانونی سقط جنین حمایت کنند.
پژوهشی	
صفحه	
دوره ۱، شماره ۱	
اطلاعات نویسنده مسئول	
نویسنده مسئول	محمد غفاری
کد ارکید	.....
تلفن	۰۹۱۴۱۵۲۰۴۵۶
ایمیل	mohammad_ghaffari@pnu.ac.ir
سابقه مقاله	
تاریخ دریافت	۱۴۰۳/۰۵/۱۰
تاریخ ویرایش	۱۴۰۳/۰۶/۱۵
تاریخ پذیرش	۱۴۰۳/۰۶/۲۵
تاریخ انتشار	۱۴۰۳/۰۷/۰۱
روش پژوهش	توصیفی تحلیلی
واژگان کلیدی	سقط جنین، سقط درمانی، جنین آزمایشگاهی، حقوق جزای پزشکی

### توضیحات

کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد ساکی، محمدرضا؛ موذن زادگان، حسنعلی؛ غفاری، محمد؛ (۱۴۰۳)، حمایت کیفری از سقط جنین آزمایشگاهی از منظر حقوق جزای ایران و اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین در جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۱۸ - ۳۲

**Criminal Protection of Laboratory Abortion from the Perspective of Iranian Criminal Law & International Documents & Conventions**

Authors		Organizational Affiliation
Mohammad Reza Saki		Member of the Faculty of Islamic Azad University, Tehran Branch
Hasan Ali Moazzenzadegan		Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
Mohammad Ghaffari*		Instructor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Payam Noor University, Tehran, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	<p>After proposing various jurisprudential and legal opinions, the Iranian legislator declared abortion after the soul has entered the body forbidden and illegal, and accepted abortion before the soul has entered the body under the specific conditions of the single article of the law on therapeutic abortion, and with this action, has taken a step forward and effective in legalizing the issue of abortion. Therapeutic abortion is a solution that the legislator has allowed to prevent future problems for the mother, fetus, or society; however, by removing the restrictions contained in this law and extending it to the possibility of therapeutic abortion resulting from adultery and rape before the soul enters the body, we can prepare the ground for the removal of abortion laws from the field of crime and crime and transferring it to the field of welfare and health. The purpose of proposing the topic of therapeutic abortion is to examine therapeutic abortion from the perspective of ethics and medical jurisprudence by using library and analytical methods, using virtual resources, and paying attention to the laws of other countries and international documents. The research results indicate that a mixed policy approach to abortion requires that concepts be defined based on needs and that the justice and health systems work together to support legitimate and legal abortion cases.</p>
Pages	18 - 32	
Volume 1, Issue 1		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Mohammad Ghaffari	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09141520456	
Email	mohammad_ghaffari@pnu.ac.ir	
Article History		
Received	2024/07/31	
Revised	2024/09/05	
Accepted	2024/09/15	
Published	2024/09/22	
Online:		
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords	<i>Abortion, abortion therapy, laboratory embryos, medical criminal law</i>	

**Description**

*All rights to this article belong to the authors.*

*Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.*

**How to Cite This Article** Saki, Mohammad Reza; Moazzenzadegan, Hassan Ali; Ghafari, Mohammad (1403), Criminal Protection of Laboratory Abortion from the Perspective of Iranian Criminal Law & International Documents & Conventions, Scientific Quarterly of Modern Researches in Criminology, Volume 1, Number 1, Pages 18-32

## ۱- مقدمه

تولید نسل یکی از مهمترین اهداف خلقت بشر محسوب می‌شود در همین راستا بدلیل اهمیت این امر در دین اسلام شارع مقدس احکام بسیار دقیقی در خصوص توالد وضع نموده است. قانونگذار نیز در راستای تحقق اصل ۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و لزوم تطابق قوانین مدون با شرع مقدس اسلام در تدوین قوانین مرتبط با توالد حساسیت ویژه‌ای به خرج داده است. بطوریکه در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران با پذیرش قاعده فراش و سایر اصول و قواعد فقهی و حقوقی تلاش نموده اساس خانواده را به هر بهانه‌ای در معرض خطر قرار ندهد. در حوزه کیفری نیز با جرم‌انگاری کوچکترین ارتباط بین دختر و پسر نامحرم که بین شان علقه زوجیت وجود نداشته باشد تلاش نموده از شیوع ناهنجاریهای جنسی خودداری نماید. در همین راستا با جرم‌انگاری سقط جنین از قدیمیترین قانون مدون کیفری تا به امروز دغدغه خود را بر لزوم حفظ دماء و جلوگیری از سقط جنین بی مورد به رخ شهروندان کشیده است. البته قانونگذار در این حوزه نیز مثل سایر حوزه‌ها خود را از مسایل روز که بنا بر پیشرفتهای تکنولوژیکی در حوزه ژنتیک رخ داده کنار نکشیده و تلاش نموده از خاصیت پویایی فقه شیعه برای توجیه و بومی سازی این پدیده‌ها استفاده نماید. در این تحقیق تلاش شده ضمن تبیین مفهوم جنین آزمایشگاهی و تلقیح مصنوعی به حمایت‌های کیفری که در قوانین ایران در این خصوص وجود دارد پرداخته شود. آنچه بررسی موضوع حاضر را پر اهمیت جلوه می‌دهد افزایش توالد از طریق آزمایشگاهی در راستای تلاش خانواده‌ها برای برخورداری از نعمت فرزند و از سوی دیگر افزایش سقط جنین در جامعه بنا به دلایل مختلف می‌باشد بدیهی است بی توجهی به این نهاد و بسنده نمودن به مقررات شرعی نمی‌تواند ذهن محققین و یا مردم عادی را که دغدغه شرعی و دینی دارند را برآورده سازد. امروزه معضل بچه دار نشدن برخی زوجین بنا به دلایل پزشکی دغدغه اصلی برخی خانواده‌ها را تشکیل می‌دهد. در همین راستا علم پزشکی موفق شده با استفاده از راهکاری به نام تلقیح مصنوعی و در قالبی به نام جنین آزمایشگاهی این خانواده را از مشکل بی‌فرزندی نجات دهد. ولی در کنار این مساله امکان سقط جنینی که دارای بیماریهای خاص و صعب‌العلاج بوده و ادامه زندگی برای خود طفل و خانواده اش مشکلات زیادی را فراهم می‌سازد به یکی دیگر از سوالات خانواده‌ها مخصوصاً خانواده‌هایی که دغدغه دینی قوی دارند تبدیل شده است. لذا در این تحقیق تلاش شده اصول فقهی مرتبط با سقط جنین آزمایشگاهی را با رویکردی به ماده واحده قانون سقط درمانی بررسی نموده و این امکان را سنجید.

## ۲- مفهوم شناسی

در ابتدا لازم است، به تبیین و تشریح مفاهیم اساسی مسئله بپردازیم؛ زیرا، شناخت مفاهیم واژه‌ها، در درک و فهم موضوعات، می‌تواند کمک شایانی بنمایند.

## ۲-۱- سقط جنین

جنین در لغت عبارت است از «هر چیز پوشیده و مستور» است و به نطفه تا زمانی که در شکم مادر است و به بچه‌ای که زهدان مادر آن را پوشانیده است و از دید پنهان است، اطلاق می‌شود و به همین دلیل است که در بعضی از کتب فقهی از جنین به تعبیر «جنّ فی الرحم» نام برده شده است. رویه کشورهای مختلف در قبال سقط جنین و نحوه برخورد با آن یکسان نیست. طرفداران آزادی مطلق سقط جنین از جمله اسپیرال، لوفرید تاردیو، ادوارد فون لیبست، استوارتمیل، مالتوس، ریکاردو و کارل مارکس معتقد به لغو کلیه محدودیت‌ها در سقط جنین می‌باشند (رزم‌ساز، ۱۳۷۹: ۲۹). «سقراط نیز، سقط را با میل مادر جایز می‌دانسته و

ارسطو با این کار، در صورتی که مادر اولاد زیادی داشت موافق بود» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۷: ۵۱). با شکل گیری جریان های لیبرال در دوره های مدرن، حمایت از به رسمیت شناختن سقط جنین به عنوان یکی از حداقل های فراگیر این جریان های لیبرال مورد توجه بوده است؛ به طوری که «از تلقی زن به عنوان یک شیئی یا ظرفی که جنین در آن قرار می گیرد، فاصله گرفته شده و زن به عنوان یک انسان و موجود صاحب حق که می تواند در مورد وضعیت حاملگی خود تصمیم بگیرد، مورد توجه قرار گرفته است» (جعفری، ۱۳۹۲: ۲۸۸). در حالی که در کشورهای مخالف آزادی سقط جنین، جرم انگاری سقط جنین تحت فشار افکار عمومی یا گروه های خاص یا ایدئولوژی حاکم یا موافقت و همسویی با قوانین مذهبی و باورهای مردم صورت گرفته است؛ بالتبع جرم زدایی از آن نیز همچون برخی از کشورها در فاصله زمانی ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۵ بر اساس تغییر در باورها و اعتقادات مردمی بوده است (محمودی جانکی، ۱۳۸۷: ۳۳۱). از منظر مخالفین آزادی سقط جنین، اگر جنین را دارای شکل کاملاً انتولوژیک بشناسیم؛ سقط جنین به معنای تکذیب حق حیات جنین است که متولد شده و از بین بردن آن در هر مرحله ای از مراحل زندگی جنین ممنوع است؛ زیرا سقط جنین از بین بردن موجود زنده ای است که آغازگر انسانیت است (نصیری زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۸). دین اسلام نیز ضمن این که مادر را شایسته بهترین مقام می داند، با تبعیت از دیدگاه ممنوعیت سقط جنین، اقدام به جرم انگاری آن نموده است. مطابق نظریه مورد قبول مخالفین آزادی سقط جنین موسوم به نظریه هستی شناسی، والدین تا قبل از لقاح می توانند از داشتن فرزند جلوگیری کنند؛ ولی پس از آن حق ساقط کردن را ندارند؛ زیرا جنین موجودی زنده و مستقل است و از بین بردن آن جنایتی در حق جامعه محسوب می شود (نصیری زاده، ۱۳۷۷: ۱۰۸). به تبع همین امر در قوانین کیفری بعد از انقلاب سقط جنین بعنوان جرم محسوب شده و برای مرتکب، قابل و افرادی که به نوعی در این فرایند دخالت داشته باشند حسب مورد مجازات در نظر گرفته شده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در موارد ۶۲۲ به بعد قانون مقنن سقط جنین را جرم انگاری نموده و برای سقط جنین از بابت صدمه وارده بر جنین مجازات حبس و برای صدمات وارده بر مادر دیه یا قصاص تعیین شده بود. جالب اینکه در قانون اخیر الذکر هیچ تفاوتی بین جنین دارای روح و جنین فاقد روح بعمل نیامده بود بلکه در هر صورت دیه جنین بر مجازات های فوق الذکر افزوده شده بود. ولی در این قانون در خصوص قصاص فردی که جنین دارای روح را سقط کرده بود شبهه وجود داشت با این توضیح که برخی از فقها و حقوقدانان در این مورد مجازات سقط کننده را قصاص می دانستند ولی برخی دیگر به لحاظ لزوم حفظ دماء و اعمال قاعده درء مجازاتی غیر از قصاص می دانستند. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ شبهه موجود در خصوص امکان قصاص در خصوص سقط جنین دارای روح با صراحت قانونی از بین برده لذا طبق قانون جدید مجازات سقط جنین حتی در صورت حلول روح نیز مستوجب مجازاتی غیر از قصاص نفس می باشد در این امر به نظر می رسد مقنن بر مشکلات موجود و وضعیت وخیم سقط های غیر بهداشتی که چه بسا به مرگ مادر و جنین می انجامید توجه داشته است. (اکرمی، ۱۳۸۹: ۶۸) مقنن ضمن بذل توجه به این موضوع در قانون ۱۳۸۴ به بحث تبعات منفی بقاء جنین ناقص الخلقه نیز توجه داشت. لذا سقط جنین ناقص الخلقه و عقب مانده که پیش از این نظر به فتاوی برخی آیات عظام به ویژه مقام معظم رهبری مجوز شرعی داشت، مجوز قانونی نیز یافت و سرانجام در سال ۱۳۸۴ قانون سقط درمانی به تصویب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۴/۳/۱۰) رسید و با تأیید شورای نگهبان (۱۳۸۴/۳/۲۵) این روند تکمیل گردید. متن واحده قانون سقط درمانی به شرح ذیل است: «سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشک قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقص الخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد، قبل از ولوج روح (چهار ماه) با رضایت زن مجاز می باشد و مجازات و مسئولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود.» متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازات های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. قانون فوق، مشتمل بر ماده واحده در

جلسه علنی روز سه شنبه ۱۳۸۴/۳/۱۰ مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۳/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. جنین آزمایشگاهی نیز از این حمایت حقوق کیفری بی‌نصیب نمانده و هم‌چون جنین طبیعی سقط آن جرم و مستوجب کیفر می‌باشد (بیگی، ۱۴۰۱: ۱). طرفداران جرم زدایی از سقط جنین معتقدند، با وجود مبنای فقهی برای جرم‌انگاری سقط جنین، از آن‌جایی که امروزه با وجود جرم‌انگاری سقط جنین در ایران، تعداد مادرانی که به هر دلیل اقدام به سقط جنین خویش می‌نمایند، آن هم در مراکز غیر بهداشتی کم نیستند و از سوی دیگر، نتایج تحقیقات صورت‌گرفته در برخی از کشورها هم‌چون اروگوئه در راستای مصونیت مادران از خطرات جانی ناشی از سقط غیر بهداشتی، در فاصله زمانی ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۵ تحت کش و قوس‌های زیادی که از سال ۱۹۹۰ شروع شده بوده و هم‌چنین به این خاطر که، تصمیم در این خصوص از حقوق مادران محسوب می‌شود، از این عمل جرم‌زدایی گردیده است (Briozza, 2016: 53). در این کشور هم‌چنین به مطالعه تاثیر جرم‌زدایی از سقط جنین در افزایش یا کاهش باروری مادران نوجوان در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ پرداخته شده و نتیجه چنین بوده، که جرم‌زدایی تاثیر در افزایش سقط جنین نداشته و وضعیت تغییر پیدا نکرده است (Ignacio Anton & et all, 2016, 27). بر این اساس، جرم‌زدایی از سقط جنین در ایران نیز می‌تواند از حیث حفظ حیات مادرانی که به لحاظ جرم‌بودن این عمل به طور غیربهداشتی و مخفیانه با پرداخت وجه هنگفتی تن به این کار می‌زنند را تضمین نماید، می‌تواند معقول و منطقی باشد. در حالی که طرفداران جرم‌انگاری سقط جنین معتقدند، جنین دارای حیات مستقل بوده و حمایت از آن هم‌چون حمایت از یک انسان خارج از رحم جزو ضروریات محسوب می‌شود و بر این اساس در ایران سقط جنین به جز برخی موارد اضطراری جرم تلقی می‌شود.

### ۳- مبانی حقوقی سقط جنین آزمایشگاهی از منظر اسناد و کنوانسیون های بین المللی

لقاح مصنوعی به معنی باردارشدن زن به وسیله آلات پزشکی بدون انجام عمل مقاربت و نزدیکی جنسی می‌باشد. تلقیح مصنوعی برای اولین بار برای اصلاح نژاد و تکثیر نسل حیوانات مورد استفاده قرار گرفت و اولین آزمایش را در این مورد یک دانشمند آلمانی به نام لودویگ ژاکوب<sup>۱</sup> در سال ۱۷۶۵م، روی ماهی‌ها انجام داد. در نیمه اول قرن نوزدهم تلقیح مصنوعی روی مادیان، گاو و گوسفند انجام داد و نتیجه مثبت حاصل گردید. در اواخر قرن نوزدهم یکی از دانشمندان روسی به نام الی ایونوف<sup>۲</sup> تلقیح مصنوعی را در چهارپایان با روشی خاص معمول نهاد که بعدها آن روش به طور گسترده مورد عمل قرار گرفت. (اله قلی و رحمانی، ۱۳۸۷: ۱۰۶). در دو سطح ملی و بین‌المللی در خصوص انجام تحقیقات بر روی جنین انسانی ضوابط ویژه ای وضع گردیده است که عمدتاً با تاکید بر کرامت انسانی و عدم نقض حقوق بشر محدودیت‌هایی مقرر می‌دارند. این محدودیت‌ها شامل منع همانند سازی، منع تعیین جنسیت، منع استثمار زنان، ممنوعیت شکنجه احتمالی، عدم سلب حیات انسانی، لحاظ ضرورت‌های دیگر زیستی در تامین اعتبارات تحقیقات مزبور، رعایت استانداردهای علمی بالا و رعایت ضوابط اخلاقی در هر یک از مراحل رشد و نمو جنینی است. لحاظ این محدودیت‌ها و رویکرد انتقادی به آن می‌تواند تعادل هر چه بیشتر مضامین حقوقی و اخلاقی را با مقتضیات علمی برقرار نموده نهایتاً تقنین ملی را در این خصوص غنا بخشد. البته رعایت موازین شرعی و فقهی هم‌چنین مبانی و اصول حقوق داخلی که خارج از محدوده بحث حاضر است در تقنین ملی مورد لحاظ قرار می‌گیرد. از لحاظ شکلی نیز تطبیق مفاهیم علمی موضوع بحث با مضامین حقوقی کارآیی هر چه بیشتر سازمان حقوقی مذکور را تضمین می‌نماید. یکی از مباحث بحث برانگیز در عالم حقوق تنظیم

<sup>1</sup> Lud Wig Jacob

<sup>2</sup> Elie Ivanoff

مقررات مربوط به جنین آزمایشگاهی در مفهوم عام و وسیع کلمه است. از سلول های مقدماتی لقاح گرفته تا جنین کامل در داخل شکم مادر و پس از آن انطباق وضعیت حقوقی فرد محصول با مقررات موجود همیشه اختلاف برانگیز بوده و مبانی آن همانطور که خواهد آمد بر خورد اقتضانات علمی و پزشکی با مسائل اخلاقی و اجتماعی می باشد. در این مورد قانونگذاران دو رویکرد متفاوت در دو مرحله متفاوت اتخاذ نموده اند که نتیجه سیستم حقوقی و ظرفیت های اجتماعی متفاوت آنهاست. برخی با تلقی موضوع جدید بعنوان امر مستحدث تاسیس سازمان حقوقی خاص برای آن نموده اند و نتیجه این امر (شخص محصول) را در سیستم حقوقی موجود با شگردهای تفسیری هضم نموده اند و برخی دیگر خود امر مستحدث و نتیجه آن را با تفسیر حقوق موجود هضم در آن نموده اند. رویکرد سازمان ملل همچنین رویکرد فقهی در حقوق اسلام از نوع دوم بوده و حقوق ملی اکثر کشورهای درگیر با موضوع از نوع اول می باشد. کشورهای غربی که اکثر مقررات ملی مربوط به موضوع متعلق به آنها می باشد سه استراتژی در این خصوص اتخاذ نموده اند: برخی مثل اتریش، فرانسه، آلمان، نروژ، اسپانیا و آمریکا از حیث قانونگذاری خویشتن دارانه با موضوع برخورد نموده اند و محدودیت ها و ممنوعیت های بسیاری در سازمان سازی برای موضوع جنین آزمایشگاهی مقرر داشته اند، برخی دیگر مانند انگلستان، دانمارک، فنلاند و سوئد مقررات موسع و با قید و بند بسیار کم در این خصوص وضع نموده اند و برخی همانند ایتالیا، کانادا و لوکزامبورگ راه میانه را در پیش گرفته اند. (نصرتی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۰۱)

### ۳-۱- مبانی حقوقی مباحث مربوط به جنین آزمایشگاهی

همانگونه که توسط علمای حقوق مطرح گردیده شخص اعم از حقیقی و حقوقی موضوع علم حقوق قرار می گیرد و شخص است که می تواند موضوع قواعد حقوقی بعنوان یک طرف روابط حقوقی باشد. عمده بحث در تحلیل وضعیت حقوقی جنین آزمایشگاهی در مفهوم عام آن از اینجا ناشی می شود که آیا جنین حاصل خود بعنوان انسان موضوع علم حقوق قرار می گیرد یا اینکه بواسطه ارتباط با یک انسان که موضوع علم حقوق است بررسی می شود؟ پاسخ به این امر نهایتاً منجر به تعیین اهلیت و شخصیت قانونی توسط قانونگذار می شود. عنایت به ویژگیهای خاص این موضوع نیاز به تفکیک مراحل مختلف رشد از حیث ماهیت حقوقی را روشن می کند. در واقع اگر ارزش ذاتی جنین در تمام مراحل به رسمیت شناخته شود صرف نظر از آزمایشگاهی بودن یا طبیعی بودن آن، خود جنین موضوع حمایت قانون قرار می گیرد. (قاسم زاده و صنعتگر، ۱۳۹۵: ۱۱۲) اما اگر به دلیل وابستگی به شخص دیگر باشد حقوق و ویژگیهای آن شخص، مولد ضوابط قانونی برای جنین می گردد. شایان ذکر است که با توجه به حمایت بسیار اندک قانونگذاران ملی از برخی مراحل جنینی به نظر می رسد اکثراً قایل به قول دوم در این مراحل هستند. نکته دوم در باب مبانی حقوقی بحث برخورد مبانی اخلاقی و اجتماعی که در عالم حقوق به نمایندگی کرامت انسانی مطرح می شود همچنین برخی اصول حقوقی همچون عدم استثمار زن ممنوعیت موضوع انحصار قرار دادن، مغایرت با نظم عمومی و ابطال معاملات مربوطه عدم تضمین ایمنی موضوع و عدم مطلوبیت آن از یکطرف و ضروریات و اقتضانات علمی بهداشتی و پزشکی از سوی دیگر است که در این خصوص نیز ظرفیت های خاص اجتماعی، حقوقی و ملاحظات منطقی اخلاقی، تعیین کننده نحوه برخورد با این موضوع می باشد. این موضوع در خصوص جنین آزمایشگاهی نیز مطرح می شود و می توان با استدلال به اینکه؛ ۱- کشتن هر انسان بیگانه ای اخلاقاً نادرست است. ۲- هر انسانی در دوران حاملگی وجود پیدا می کند. ۳- جنین آزمایشگاهی نیز یک انسان است. ۴- بنابراین کشتن و تخریب جنین آزمایشگاهی نادرست است، از لروم حمایت کیفری از این موجود حمایت نمود. (شیروی، ۱۳۸۹: ۱۳۷)

### ۳-۱-۱- کیفیت طرح حقوقی موضوع در کلیت آن

موضوع جنین آزمایشگاهی ویژگی های خاص خود را دارد چرا که به دلایل فنی و علمی مراحل و دوران های خاصی را طی می نماید که از نظر حقوقی آثار خاصی به هر یک از این مراحل بار می شود. بنابراین تفکیک این مراحل بصورت مجزا و نتیجتاً تعیین یک تقویم حقوقی برای این موضوع که بتوان حکم حاصل از مباحث کیفی را بر آن بار نمود اجتناب ناپذیر می نماید. از طرف دیگر اصطلاحات علمی و فنی علوم زیستی که از حیث دقت از زاویه ای غیر از زاویه دید حقوق به موضوع می نگرد نمی تواند نیازهای حقوقی این مباحث را با دقت لازم در این امور بر طرف نماید. فلذا ارائه تعریف حقوقی از اصطلاحات و مراحل مختلف جنینی مذکور در فوق از ضروریات تقنین در باب موضوع ما نحن فیه است. آنچه از بررسی تطبیقی حقوق ملی و بین المللی (جهانی و منطقه ای) حاصل شد تعیین تقویم حقوقی موضوع را بدین صورت بیان می دارد:

**الف) مرحله تحصیل سلول اعم از جنسی یا سوماتیک:** در این مرحله سلول بعنوان عضو متعلق به یک انسان مورد تدقیق حقوقی قرار می گیرد و بدین جهت اکثراً ضوابط تنظیم شده در این مورد، مربوط به حقوق شخص صاحب این سلول ها می باشد البته مختصات اخلاقی خاص عمدتاً درگیر با نظم عمومی نیز در این میان مطرح می باشد. اکثر مباحث مربوط به این مرحله شامل مالیت و عدم مالیت، کیفیت تحصیل این سلول ها از نظر شکلی و ماهوی و ممنوعیت یا عدم ممنوعیت دستکاری ژنتیک انسانی می باشد.

**ب) مرحله لقاح و ایجاد رویان:** جدی ترین مباحث مربوط به جنین آزمایشگاهی در این مرحله از روند تحقیقات یا درمان مطرح می شود چرا که صرف نظر از رویکرد قانونگذاران مختلف در مورد شروع حالت جنینی یا قابلیت بقا، عمدتاً تلقی عمومی کارشناسان اجتماعی و حقوقی و حتی علوم زیستی از این مرحله، شروع یک انسان با مختصات انسانی است. فلذا در این مرحله مباحث مربوط به جواز یا عدم جواز، شرایط آن، کیفیت ایجاد سلول تخم (طبیعی یا بصورت انتقال هسته سلول سوماتیک به یک سلول تخم بدون هسته)، غرض از انجام لقاح که می تواند مشروعیت یا عدم مشروعیت آن را در پی داشته باشد (برای مقاصد تحقیقاتی یا همانند سازی انسان و در صورت دوم برای مقاصد درمانی یا تناسلی). در روشهای لقاح خارج از رحم، لقاح بین اسپرم و تخمک در خارج از رحم و در محیط آزمایشگاه صورت می گیرد. تخمک های مورد نیاز بطریق لاپاروسکوپی از تخمدان یا واژن بدست آمده با مقداری اسپرم بارور می شوند. سپس توسط سوزنهای هدایت شونده به لوله های رحم منتقل می شوند. (نایب زاده، ۱۳۸۰: ۴۵۹)

**پ) مرحله جنینی در مفهوم خاص آن (بعد از جایگذاری در رحم):** در این مرحله دو موضوع بیشتر نمود پیدا می کند و آن انجام تحقیقات بر روی جنین و شخصیت حقوقی آن است که البته معمولاً به دور از چالش عمده مطرح شده در خصوص آزمایشات از این دست می باشد.

**ت) مرحله بعد از تولد:** همانگونه که در مقدمه ذکر گردید رویکرد اکثر کشورها هضم مسئله در مقررات موضوعه موجود است و نهایتاً مشکل چندان در این مرحله بروز نمی کند.

در خصوص تعاریف به نظر می رسد رویکرد کشورها به تدریج عملگرایانه تر شده و ناشی از تجربیات آنان در طی مراحل مختلف پیشرفتهای علمی و محدودیتهای قانونی می باشد. برای روشن شدن مطلب در این مورد تعاریف ارائه شده در قوانین بعضی کشورها بیان می شود. در ماده ۱ قانون رویان هلند رویان بدین صورت تعریف گردیده است: «سلول یا توده سلولی متصل با قابلیت نمو به یک انسان». از دید علمی و فنی شاید تعریف مذکور دارای ایراد نباشد ولی از حیث حقوقی این تعریف شامل سلول هایی که قبل از لقاح نیز وجود دارند و می توانند تبدیل به موجود انسانی گردند (اسپرم و تخمک) نیز می شود. بنابراین نمی توان از آن بعنوان

تعرفی مانع اغیار نام برد. از طرفی این تعریف جامع تمام آحاد نیست چرا که بسیاری از انواع مصنوعه رویان قابلیت بقا و تبدیل شدن به انسان را ندارند و در واقع از حیث جامع و مانع بودن دچار مشکل است. جالب تر این که تعاریف بعدی نیز بر همین بنیان ایراد گردیده اند. برابر همین قانون جنین نیز به رویان داخل در بدن انسان تعریف شده که نمی تواند جوابگوی نیازهای حقوقی چه در دفاع از حقوق افراد مرتبط با موضوع و چه حمایت از رویان و نهایتاً تعیین مسئولیتها باشد. (آقابابایی بنی، ۱۴۰۳: ۱۵۳)

#### ۴- محدودیتهای تحقیقاتی در مورد جنین آزمایشگاهی در مفهوم عام آن

همانگونه که گفته شد این ممنوعیت ها در حقوق موضوعه در دو سطح بررسی می شود. سطح اول مربوط به ممنوعیت ها در حقوق بین الملل بوده و سطح دوم مربوط به ممنوعیت ها در حقوق ملی کشورهاست. با توجه به آثار خاص هر یک از این دو سطح، بصورت جداگانه به هر یک پرداخته می شود.

##### ۴-۱- محدودیتهای موجود در سطح بین المللی

در این خصوص دو نکته را باید متذکر شد اول اینکه ضمانت اجرای این مقررات در حد ضمانت اجرای معمول در حقوق بین الملل در مورد قطعنامه ها و معاهدات می باشد. بنابراین نمی توانند در حد مقررات ملی برای کشورها لازم الاجرا باشند. دوم اینکه در حدود بررسی نگارنده قطع نامه شماره ۲۸۰ سازمان ملل مصوب مجمع عمومی بوده و دیگری کنوانسیون یا سند با ارتباط مستقیم در موضوع یافت گردیده که یکی قطعنامه شماره ۵۹ حقوق بشر و زیست داروی اتحادیه اروپا می باشد بر همین مبنا ما نیز در دو سطح جهانی و منطقه ای به بررسی مختصر این مقررات می پردازیم:

##### ۴-۱-۱- محدودیتهای جهانی

قطعنامه شماره ۲۸۰ سازمان ملل با یادآوری مصوبه یونسکو در خصوص ممنوعیت همانند سازی تناسلی انسان طبق ماده ۱۱ آن مصوبه یا قطعنامه شماره ۵۹ و نگرانی از کاربردهای خاص فناوری علوم زیستی در رابطه با کرامت انسانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی افراد و ضرورت این علوم برای بهبود سلامت افراد همچنین نفع عمومی آن و یادآوری خطرات ناشی از این علوم اعلام می دارد کشورهای عضو تشویق می شوند تا:

- تمامی معیار های ضروری برای حمایت کافی از زندگی انسان در کاربرد علوم زیستی را بپذیرند.
- تمامی اشکال همانند سازی انسان را تا جائیکه ناهماهنگ با کرامت انسانی و حمایت از زندگی انسان است ممنوع نمایند.
- معیارهای ضروری برای ممنوعیت کاربرد تکنیکهای مهندسی ژنتیک که ممکن است مغایر با کرامت انسان باشد را بپذیرند.
- معیارهای لازم برای جلوگیری از استثمار زنان در کاربرد علوم زیستی را اتخاذ نمایند.
- قوانین ملی را در موارد فوق وضع و اجرا نمایند.
- موضوعات جهانی همچون ایدز و مالاریا و سل مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه را در تامین اعتبار برای تحقیقات پزشکی شامل علوم زیستی مد نظر قرار دهند.

با توجه به متن قطعنامه حاضر چند نکته شایان ذکر است؛ اول اینکه این قطعنامه عمدتاً به صورت کلی محدودیت هایی را وضع نموده و اجرایی نمودن و عملی کردن جزئیات را به عهده کشورها گذاشته است. دوم اینکه هدف از ممنوعیتهای فوق که به نظر می رسد اهداف گسترده و نسبتاً جامعی را شامل می شود بدین صورت بیان شده است: «حمایت از کرامت انسانی و زندگی انسان»

جلوگیری از استثمار زنان، توزیع متناسب اعتبارات بهداشتی در سطح جهانی با رعایت اولویت های موجود، لحاظ خطرات و ریسک های تحقیقات مربوطه با توجه به نقص نسبی دانش بشری، رعایت نفع عموم بشریت و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی افراد.» همانگونه که بیان گردید این اهداف بسیار گسترده تر از اهداف مذکور در مقررات ملی کشورهای جهان است و از این حیث که موجه آرمانهای تمامی نوع بشر است قابل تحسین به نظر می رسد. (رشید پورایی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۹۳)

#### ۴-۱-۲- محدودیتهای منطقه ای

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و زیست دارو به صورت نسبتاً جزئی تر به مساله جنین آزمایشگاهی و مسائل حاشیه ای آن پرداخته است و ممنوعیت ها و محدودیت ها در تحقیقات مربوط به این مسایل را بیان می دارد برابر این کنوانسیون که برای کشورهای اتحادیه پس از طی مراحل لازم الاجراست (البته با لحاظ حق رزرو در برخی مسایل) اصولی شامل عدم تعیین جنسیت، عدم مداخله در ژنوم انسانی، تحقیقات روی رویان تولید شده در آزمایشگاه و عدم همانند سازی انسان بیان گردیده که البته هر یک مقررات ویژه خود را دارد. تعیین جنسیت به منظور جلوگیری از بیماریهای وابسته به جنس جدی مجاز شمرده شده و البته میزان جدیت بیماری ها تعیین نگردیده که از نظر حقوقی ضعف به حساب می آید. همچنین دخالت در ژنوم انسانی برای تشخیص و درمان مجاز است. در این مورد نیز قانون فقط دخالت در ژنوم هسته را بیان نموده و مواد ژنتیکی میتوکندریایی را بلا تکلیف گذارده است هر چند میتوان ملاک را سرایت داده اصل منع مداخله در این مورد را استنباط نموده و دخالت را منوط به درمان بیماریهای میتوکندری نمود.

#### ۴-۱-۳- محدودیتهای ملی

همانگونه که قبلاً بیان گردید این محدودیت ها در کشورهای مختلف تلورانس وسیعی دارد؛ کشوری مثل آلمان تمامی تحقیقات را ممنوع اعلام می کند و کشوری مثل انگلستان میدان بسیار وسیعی برای مانور دادن باز می نماید آنچه در این مجال کوتاه قابل ذکر است سرفصل این محدودیت ها می باشد که با توجه به تقویم پیش تعریف شده ارائه می گردد.

#### ۵- کیفیت تحصیل سلول های مورد نیاز برای ایجاد رویان

ایجاد رویان برای هر منظوری از دو طریق ممکن است. یکی از طریق انتقال هسته سلولهای سوماتیک به سلول تخمک انسان یا حیوان و دیگری از طریق لقاح سلولهای جنسی در آزمایشگاه. بنابراین سلول های مینا برای ایجاد رویان می تواند شامل سلول های سوماتیک یا جنسی باشد. در قوانین اکثر کشورها تحصیل سلول سوماتیک ممنوعیتی ندارد اما دستکاری آن و انتقال هسته آن با شرایطی مجاز شمرده می شود. اما سلولهای جنسی معمولاً از طریق قانون مشمول محدودیتهای هستند. ماده ۱۹ قانون اساسی سوییس اعلام می دارد که این قانون از اشخاص علیه سوء استفاده در رابطه با باروری دستکاری شده و فناوری ژنتیک حمایت می کند و دخالت در مواد ژنتیکی سلولهای تناسلی را منع می نماید. بنابراین تحصیل و انجام عملیات روی سلولهای جنسی را محدود می کند. برخی کشورها مانند هلند تحصیل این سلول ها را ممنوع نکرده است ولی شرایطی برای آن مقرر داشته اند برابر قوانین هلند افراد کبیر که قابلیت تشخیص منافع خود در این مورد را دارند با مقاصد زیر می توانند سلولهای جنسی را اهدا نمایند:

- اهدا برای باروری دوم برای کشت سلول های جنینی برای مقاصد مشروع و سوم برای اجرای تحقیقات پزشکی. صرف نظر از اغراض، اهدا باید شرایط دیگری را نیز دارا باشد. این اهدا باید با تنظیم سند (رضایت مکتوب) انجام گیرد. همچنین

همانگونه که از عنوان آن بر می آید باید مجانی باشد و اصل غیر تجاری بودن رعایت گردد. اشخاصی که اهداء سلولهای جنسی برای ایجاد لقاح می کنند باید اختلاف عقیده نداشته باشند و اعلام دارند که در سرنوشت سلول اعطا شده دخالتی نخواهند داشت.

- اهداء جنین نیز بعنوان یکی از جدیدترین شکل‌های تشکیل خانواده است که به سرعت به یکی از انتخاب‌های مناسب برای زوج‌های نابارور در ایالات متحده تبدیل شده است. بسیاری از ایالتها قانون موضوعه ای در رابطه با اهداء تخمک ندارند.

(نایب زاده، ۱۳۸۰: ۴۶۰)

برابر قوانین ژاپن تحقیقاتی که بر روی تخمک‌های اضافی از درمان‌های باروری و آن‌هایی که با جراحی از تخمدان بیرون آورده شده اند مجاز است و استفاده از تخمک زوج سالم بصورت اختیاری ممنوع است. در فرانسه نیز قانونگذار با تصویب قانونی در سال ۱۹۹۴ در دو ماده ۱۹-۳۱۱ و ۲۰-۳۱۱ مقرراتی در این خصوص به تصویب رسانیده است. قانون اساسی انگلستان نیز مقررات نسبتاً جامعی در رابطه با آن پیش بینی نموده است. با تدقیق در قوانین مختلف می توان نتیجه گرفت که تحصیل سلول‌ها با توجه به اینکه حیثیتی مستقل از دارنده خود بر آنها بار نمی شود، منوط به شرایطی است که حقوق دارنده را حفظ می نماید و این می تواند مبنای حقوقی مشترک قوانین یاد شده باشد. در استرالیا نیز قانون اصلاح وضعیت کودکان در ماه می ۱۹۸۴ در ایالت ویکتوریا مقرراتی در این خصوص پیش بینی نموده است. (نایب زاده، ۱۳۸۰: ۴۷۰) در قانون ایران نیز با عنایت به اینکه گامت مال محسوب می شود طبق مواد ۲۱۴ تا ۲۱۶ ق.م می توان وضعیت اسپرم و جنین مصنوعی را مورد تحلیل قرار داد.

## ۵-۱- لقاح برای ایجاد رویان

مهمترین مرحله از فرایند تحقیقات روی جنین آزمایشگاهی از حیث حقوقی مربوط به لقاح برای ایجاد رویان می باشد. محل نزاع در این مرحله این است که شروع یک موجود انسانی که قابلیت اعطای شخصیت از باب حقوقی را داشته باشد کجاست و آیا لقاح لزوماً به موجود انسانی تبدیل می شود یا خیر؟ برخی کشورها مانند هند، شروع رشد سیستم عصبی را ملاک قرار داده و معمولاً ۱۴ روز پس از لقاح را مرزی جدی برای ممنوعیت‌های تحقیقاتی روی رویان می دانند. برخی دیگر مانند ژاپن، تا زمانی که رویان تبدیل به جنین نشده یعنی در بدن کاشته نشده است و جفت شکل نگرفته است را حیطة امن برای تحقیقات به حساب می آورند. زیرا هنوز آن را موجودی مستقل به حساب نمی آورند. مهمترین نکته در این باب تعامل سازنده بین متخصصین علوم زیستی و حقوقدانان است که می تواند مرزهای شفاف که هم از نظر علمی کارآیی متخصصان را حفظ نماید و هم از نظر اخلاقی و اجتماعی حیثیت و کرامت انسانی را مخدوش نگرداند و از حیث حقوق بشر بیشترین احتیاط را به بار آورد را ترسیم کند. چه بسا تعیین این گستره موجب نقض مرزهای حقوقی در خصوص شکنجه بگردد. پاسخ به این سوال که آیا رویان ایجاد شده لزوماً منجر به موجود انسانی می گردد یا نه موضوع مناقشه قانونگذاران مختلف بوده است. برابر مقررات هلند در موضوع حاضر ایجاد رویان صرفاً بخاطر تحقیقات ممنوع است اما منتقدان قانون با عنایت به این نکته که لزوماً رویان ایجاد شده منجر به فرد انسانی نمی شود منع موجود را مورد حمله قرار داده اند مخصوصاً وقتی که از سلول بدون هسته حیوان برای ایجاد رویان استفاده می شود و این سلول قابلیت بقا و تبدیل شدن به انسان را ندارد. دومین بحث در ایجاد رویان مربوط به غرض ایجاد کننده رویان می باشد که می تواند موجه اخلاقی و اجتماعی موضوع و نهایتاً تأمین و تضمین حقوقی آن گردد. برابر مقررات و ضوابط کشورهای مختلف این اغراض می تواند شامل ایجاد رویان برای مقاصد زیر گردد:

- ایجاد حاملگی
- انجام تحقیقات
- همانند سازی که خود می تواند برای درمان یا تناسل انسان باشد. (نایب زاده، ۱۳۸۰: ۴۶۲)

می توان گفت که اکثر کشورهای دنیا ایجاد رویان برای حاملگی را قبول نموده اند و آنرا غرضی مشروع برای این کار تلقی می کنند که البته ضوابطی برای آن قائلند در فقه اسلامی نیز با رعایت موازین شرعی همچون وجود زوجیت بین اهداء کنندگان سلول های جنسی و ... انجام این کار حرمت و ممنوعیتی ندارد. فلذا این نکته یکی از نقاط اتفاق عامه در موضوعات متشنت مساله می تواند تلقی گردد. اما ایجاد رویان صرفاً برای تحقیقات از نظر ضوابط اکثر کشورهای دنیا ممنوع می باشد و دلیل آن اجماع نسبی بر نقض موازین اخلاقی از این طریق می باشد و این همان نقطه تلاقی عریان بین مقتضیات علمی و مباحث اخلاقی می باشد. قانون تحقیقات شامل رویان انسانی استرالیا مصوب ۲۰۰۲ ایجاد رویان تنها به خاطر سلول بنیادی محصول را ممنوع می دارد. هلند نیز ایجاد رویان صرفاً به خاطر تحقیقات را ممنوع می نماید و تنها استفاده از رویان باقی مانده از فرایند های ایجاد باروری را با وجود شرایطی برای تحقیقات مجاز می شمرد. خود این تحقیقات نیز محدودیت ها و ممنوعیت هایی دارد و تنها قبل از کاشت در رحم و فقط برای تشخیص بیماری های ژنتیکی می توان تحقیقات لازم را انجام داد و تحقیقات غیر درمانی ممنوع است. همانند سازی به دو شیوه انجام می پذیرد؛ یکی توسط سلول های سوماتیک که عمدتاً کاربرد درمانی دارد و دیگری از طریق لقاح سلول های جنسی که البته در هر دو حالت رویان حاصل یا سلول های مبنای آن می تواند مورد دستکاری قرار گیرد. در روش اول سلول انسان بزرگسال برای کشت و ایجاد بافت هایی که معمولاً منجر به یک انسان کامل نمی شود به کار می رود که این بافت ها می تواند بعنوان اعضای پیوندی داخل بدن انسان قرار گیرند. با توجه به منفعت عقلایی و غرض مشروع آن مقاومت چندانی از سوی جوامع انسانی در برابر آن مشاهده نمی شود. در روش دوم با توجه به اینکه لقاح از طریق سلول های جنسی برای ایجاد موجود انسانی و معمولاً همراه با تغییرات و دستکاری در ماده ژنتیکی به منظور ایجاد موجودی با هویت خاص ژنتیکی صورت می گیرد هر چند موضوع آن انسان، حیوان و یا موجودات هیبرید از انسان و حیوان باشد ممنوع است.

این تفکیک عمده ترین تفکیکی است که تقریباً در تمامی قوانین مربوطه یافت می شود و مهمتری بحث و جدال بر سر حرمت یا جواز هر کدام است و آثار و ضوابط حاکم بر قضیه را در حاشیه قرار می دهد. برابر ماده ۲۴ قانون رویان هلند همانند سازی انسان ممنوع است. همچنین ایجاد سلول های هیبریدی از انسان و حیوان ممنوع میباشد. قانون همانند سازی انسان و سایر آزمایشات ممنوع سنگاپور نیز با تفکیک همانند سازی به دو نوع مزبور همانند سازی تناسلی را ممنوع و همانند سازی درمانی را حمایت می کند. قانون زیست اخلاق و زیست ایمنی کره جنوبی با اعلام بدوی ممنوعیت هر دو نوع همانند سازی سلولهای انسانی در ماده ۲۲ استفاده از روش انتقال هسته یک سلول سوماتیک انسانی به یک تخمک انسانی یا حیوانی که هسته آن برداشته شده و جهت هدایت تحقیقات به منظور درمان بیماری های نادر و غیر قابل درمان را مجاز می شمارد. تا سال ۲۰۰۵ میلادی قوانین استرالیا هر دو نوع همانند سازی را مردود اعلام نموده بودند اما در بازنگری سال ۲۰۰۵ همانند سازی درمانی با رعایت مقررات سخت علمی و اخلاقی که بوسیله کمیته بازنگری در نظر گرفته شد مجاز اعلام گردید و همانند سازی تناسلی همچنان ممنوع باقی ماند. قانون مربوط به فرایند توالد انسان و تحقیقات مربوطه هر گونه همانند سازی را ممنوع اعلام می نماید. حتی پیشنهاد یا تبلیغات برای چنین فعالیتهایی را جرم انگاشته است و گستره وسیعی برای این ممنوعیت در نظر گرفته که شامل ایجاد یک همانند انسانی با استفاده از هر تکنیک یا پیوند یک همانند انسانی به یک موجود انسانی یا غیر انسانی یا ابزار مصنوعی را شامل می شود. در فرانسه مقررات

بسیار سختی در این مورد حکمفرماست و هر دو نوع همانند سازی را ممنوع و همانند سازی تناسلی را بعنوان جرم علیه نژاد انسانی قابل تعقیب می داند هر چند اکثریت اعضای کمیته مشورتی اخلاقی ملی فرانسه اعتقاد دارند بوسیله استفاده از جنین سقط شده یا جایگزینی هسته سلول سوماتیک تحت شرایط کنترل شده می توان تحقیقات در همانند سازی درمانی را انجام داد. (آذین، ۱۳۹۳: ۵۵)

### ۵-۲- مرحله جنینی

در این مرحله تقریباً شکی برای حقوقدانان در حیثیت حقوقی جنین وجود ندارد و بنابراین موضوع است که در اکثر کشورهای دنیا سقط جنین ممنوع است. اکثر قریب به اتفاق قوانین ملی جنینی را به دوران بعد از کاشت در بدن انسان یا حیوان تعبیر می کنند و با وجود ممنوعیت نمو جنین خارج از رحم مادر اگر در آزمایشگاه این امر صورت گیرد بعد از مرحله ۱۴ روزگی (بعضاً بیشتر مثل کانادا که ۵۶ روزگی را ملاک میداند) از تقسیم هسته تخم را آغاز مرحله جنینی تلقی می کنند. اصل بر عدم انجام تحقیقات بر روی جنین به دلیل مغایرت با کرامت وی و حمایت قانون از آن می باشد. قوانین هلند تحقیقات قبل از تولد را ممنوع اعلام می کند البته با این توضیح که غرض از انجام تحقیقات را معیار قرار داده و چنانچه تحقیقات برای مقاصد غیر درمانی باشد، آن را به طور کلی ممنوع اعلام می دارد و چنانچه برای مقاصد درمانی (جلوگیری از بیماری های جدی که نمی تواند برای بعد از تولد موکول شود) باشد با اخذ رضایت کتبی از زن حامل جنین و وجود توجیهی برای گسترش چشم انداز جدید در علم پزشکی که از سایر طرق ممکن نباشد مجاز می شمرد. (شاکری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴)

### ۵-۳- بعد از تولد

عموماً مسایلی که بعد از تولد مطرح می شود مربوط به نسب طفل می باشد که در کشورهای غربی رویکرد غالب شامل ربط نسب به زن حامل جنین و شریک زندگی وی می باشد هر چند همجنس باشند که طبیعی است در کشور ما نمی تواند ملاک عمل قرار گیرد و مباحث فقهی و اخلاقی و عقلمانی موجود در بحث عمدتاً گرایش به مشروعیت منشا طفل و انتساب به ابوی مشروع دارد. فرضی که در حقوق کشورهای غربی در این مورد مطرح می شود مربوط به عدم بقای اهداکننده سلول منشاء می باشد. در این فرض اگر قبل از کاشت اهداکننده از دنیا رفت سلول نابود می شود مگر اینکه رضایت کتبی بر بقا داده باشد. در فرض بعد از کاشت و بقای جنین تولد دو ریکرد وجود دارد. در برخی کشورها مثل آمریکا و استرالیا طفل وارث شخص اهداکننده که از دنیا رفته می شود و در برخی دیگر مثل آلمان طفل وارث محسوب نمی شود. با بررسی مفهوم نسب در ایران و فرانسه می توان به عدم انطباق کامل مفهوم نسب در این دو نظام حقوقی پی برد. در خصوص طفل متولد از تلقیح مصنوعی نیز دلیل قاطعی بر حرمت یا ممنوعیت این گونه اعمال از لحاظ مشروعیت نسب وجود ندارد و با قاعده احتیاط نیز نمی توان اشکالی در این خصوص مطرح نمود بنابراین اقوی است که نتوان به نامشروع بودن کودکانی که از این قسم روابط بوجود آمده اند حکم کرد. (نور محمدی، ۱۳۸۸: ۵۹)

### ۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

در زمان حاضر، بسیاری از والدین، تحمل نوزاد ناقص یا معلول را ندارند و در صورت آگاهی از این مسئله، به طور غیر قانونی اقدام به سقط جنین در اماکن غیر بهداشتی می کنند که این امر خطرات و هزینه های گزافی را بر مادران تحمیل می کند. در مورد جنین مبتلا به بیماری های خاص، لیست تجویز انجام سقط درمانی قانونی، به ۵۱ بیماری اشاره نموده است، اما مبتلایان به بیماری های

مذکور، به طور طبیعی چند روز پس از زایمان می میرند و سقط آنها تأثیری در کاهش معلولیت های مادرزاد ندارد؛ اما معلولیت های زیادی مثل نابینایی، ناشنوایی، ناتوانایی های عضلانی، منگولیسم و ... وجود دارد که خانواده و نوزاد متولد شده را تا آخر عمر درگیر می کند، در حالی که این بیماری ها در لیست ارائه شده برای سقط وجود ندارد. این در حالی است که می توان با امکانات پزشکی موجود در ایران، بسیاری از بیماری ها را قبل از ۴ ماهگی تشخیص و با سقط درمانی از تولدهای با معلولیت های حاد و سنگین، جلوگیری کرد؛ در واقع، رهیافت توسعه و دقت در ارائه لیست موارد مجاز سقط درمانی، جهت کاهش تولد نوزادان معلول ضروری است. چالش حل نشده دیگر قانونی سقط درمانی، توقف آن در حصار و محدوده بیماری های جنینی و مادری است؛ علی رغم اینکه بسیاری از فقهای معاصر شیعه قائل به جواز سقط جنین ناشی از زنا و تجاوز به عنف، قبل از ولوج روح در جنین هستند، اما محل تعجب، عدم التفات به این استفتائات در ماده واحده سقط درمانی است؛ حال آنکه سقط درمانی حاصل از زنا و تجاوز به عنف؛ از نظر روحی و روانی، واجد اثر درمانی بوده و می تواند از مصادیق بارز عسر و حرج قلمداد و با وسعت نظر بیشتری آنها را جزو موارد محصور در قانون گنجانند. اصولاً رمز جاودانگی دین اسلام، همگامی دستورات آن با شرایط اجتماعی ویژه و اعتماد به یافته های علمی روز بوده است. بنابراین قانون سقط درمانی، فاقد جامعیت کافی است و تدوین این قانون در پاره ای موارد سبب کاهش اختیار سقط در ضرورت ها شده است و در عین حال که، در بسیاری از موارد عاملی برای پیشگیری از تولد کودکان معلول است، اما به موازات آن سبب افزایش سقط های غیر قانونی شده است. سیاست ترکیبی در برخورد با موارد سقط جنین مستلزم آن است که مفاهیم بر اساس نیازها تعریف و نظام قضایی و سلامت، با همکاری یکدیگر از موارد مشروع و قانونی سقط جنین حمایت کنند؛ در این خصوص بازنگری و اصلاح قوانین و سیاست ها پیرامون خدمات حمایتی مرتبط با سقط درمانی ضروری است. اکثر محدودیت ها و ممنوعیت های قوانین ملی و بین المللی در خصوص تحقیقات بر روی جنین آزمایشگاهی با غرض انجام این تحقیقات رابطه مستقیم دارد و این غرض انجام فعل است که توجیه کننده مشروعیت و یا حتی ضرورت آن می باشد. این غرض ممکن است عملگرایانه باشد و این شرایط اجتماعی حاکم بر جامعه مورد نظر است که تبیین می نماید چه هدفی از انجام تحقیقات به آن مشروعیت می بخشد. از این زاویه دید قطعنامه سازمان ملل در خصوص موضوع هر چند اجمال فراوان دارد از حیث شمول اغراض متفاوت انسانی قابل تحسین به نظر میرسد.

آنچه از برخورد حقوقی حقوقدانان در سطح بین المللی و داخلی با مساله اصطکاک مبانی اخلاقی، اجتماعی و حقوقی تحقیقات بر روی جنین آزمایشگاهی در مفهوم عام آن با مقتضیات علمی و انسان دوستانه رخ می نماید ایجاد تعادلی منطقی بین کرامت انسانی، رعایت حقوق بشر و آزادی های اساسی افراد از طرفی و پیشبرد اهداف علمی از طرف دیگر می باشد. آنچه مسلم است جایی که ضرورتی برای درمان یا ایجاد چشم انداز علمی جدید وجود دارد، ممنوعیت ها و محدودیت ها با تساهل و تسامح به نفع ضروریات به حداقل می رسند و جایی که چنین ضرورتی مشاهده نمی شود، اصل بر رعایت موازین حقوقی بوده هر چند قیودی در باب تحقیقات علمی ایجاد گردد. با لحاظ استدالات مذکور در نوشته حاضر لزوم تدوین تقویم حقوقی مراحل مختلف رشد و نمو جنین و تفکیک هر یک از مراحل جهت بار نمودن حکم منطبق با کیفیات اجتماعی جامعه و سیستم حقوقی ملی هر کشور ضروری می نماید. از طرف دیگر ارائه تعاریف اقناع کننده حقوقی از اصطلاحات و مبانی علوم زیستی برای رفع نیازهای حقوقی نیز از ضروریات تقنین در این خصوص می باشد. در نهایت می توان گفت در قوانین اغلب کشورهای دنیا، پدیده جنین آزمایشگاهی با تغییراتی ایدئولوژیک مورد پذیرش واقع شده است و با توجه به مفهوم نسب مشروع در دین اسلام و بالتبع قوانین جمهوری اسلامی ایران در قالب مال این نهاد را مورد پذیرش قرار داده و در قالب ماده واحده مصوب ۱۳۸۴ با سقط جنین آزمایشگاهی مثل جنین غیر

آزمایشگاهی موافقت نمود. نهایتاً می توان اذعان نمود نباید به بهانه های واهی خود را در سقط جنین دارای بیماریهای خاص محدود به موازین دست و پاگیری نمود که تا بحال کسی نتوانسته فلسفه تقنین آن را از حیث شرعی بطور گویا برای مردم بیان نماید. لذا میتوان با مجاز دانستن سقط این چنین جنین هایی هم هزینه های پزشکی جامعه را کاست و هم خانواده ها را از عسر و حرج و ابتلا به مشکلات مضاعف نگهداری اطفال مشکل دار نجات داد.

### منابع

- ۱) آقابابایی بنی، اسماعیل (۱۴۰۳)، «مسئولیت پزشک در پرداخت دیه سقط جنین»، نشریه فقه، شماره ۱۱۸
- ۲) آذین، سید محمد؛ آذین، سید علی (۱۳۹۳)، «مالیت و قابلیت انتقال رویان، نشریه خانواده پژوهی»، دوره ۱۰، شماره ۳۷
- ۳) اکرمی، محمد؛ ساتانی، امیر؛ اوسطی، زهرا (۱۳۸۹)، «پرهیز از خطای پزشکی در سقط درمانی، چقدر باید مراقب باشیم؟»، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره سوم، شماره ۴
- ۴) اله قلی، لیلا؛ رحمانی، اعظم (۱۳۸۷)، اعظم، «وضعیت حقوقی باروری مصنوعی، فصلنامه حقوق پزشکی»، سال دوم، شماره هفتم
- ۵) بیگی، جمال (۱۴۰۱)، «امکان سنجی جرم انگاری سقط جنین آزمایشگاهی در حقوق کیفری ایران»، آموزه های فقه و حقوق جزا، دوره اول، شماره اول
- ۶) جعفری، مجتبی (۱۳۹۲)، «جامعه شناسی حقوق کیفری (رویکرد انتقادی به حقوق کیفری)»، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- ۷) رزم ساز، بابک (۱۳۷۹)، «بررسی فقهی حقوقی سقط جنین»، انتشارات خط سوم، چاپ اول.
- ۸) رشید پورایی، رویا؛ شریفی، محمد نادر؛ رشید پورایی، مینا (۱۳۹۹)، «بررسی قوانین و مقررات سقط جنین در ایران و اروپا در همه گیری کووید ۱۹»، مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک، دوره ۲۳، شماره ۵
- ۹) شاکری، طاهره؛ جوکار، آسیه؛ صیامیان، حسن؛ خلعتبری، علیرضا (۱۳۹۷)، «بررسی مراحل تکوین جنین در منابع دینی و طب ایرانی و نقش قوا در رشد و نمو جنین»، مجله دین و سلامت، دوره ۶، شماره ۲
- ۱۰) شیروی، مهسا (۱۳۸۹)، «لزوم حفظ کرامت زیستی جنین آزمایشگاهی در پرتو اسناد اخلاق زیستی»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال چهارم، شماره ۱۱
- ۱۱) قاسم زاده، سید مرتضی؛ صنعتگر، فاطمه (۱۳۹۵)، «ماهیت حقوقی جنین آزمایشگاهی»، نشریه حقوق خصوصی، دوره ۵، شماره ۱۷
- ۱۲) محمودی جانکی، فیروز (۱۳۸۷)، «جرم زدایی به منزله یک تغییر»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی، دوره ۳۸، شماره ۱
- ۱۳) نصیری زاده،
- ۱۴) نایب زاده، عباس (۱۳۸۰)، «بررسی حقوقی روش های نوین باروری مصنوعی»، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد
- ۱۵) نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۹۷)، «الزامات کارآمدی آموزش و پژوهش جرم شناسی»، مجموعه چکیده مقالات سومین همایش ملی آسیب های اجتماعی ایران، انتشارات آگاه، تهران، چاپ اول.
- ۱۶) نصرتی، سیده فاطمه؛ کریمی، فاطمه زهرا؛ عافیت، ملیحه؛ امامی مقدم، زهرا (۱۴۰۰)، «مروری بر ابعاد مختلف سقط جنین در اسناد بین المللی حقوق بشر»، نشریه نوید نو، دوره ۲۴، شماره ۷۷

۱۷) نورمحمدی، غلامرضا (۱۳۸۸)، «جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن، واکاوی مرحله نخست رشد و تکامل»، پژوهش

های میان رشته ای قرآن کریم، دوره ۱، شماره ۳

- 18) Brizzo, Leonel (2016). From risk and harm reduction to decriminalizing abortion: the Uruguayan model for women sights, international journal of Gynecology and obstetrics, 53-57
- 19) Ignacio Anton, Jose, Friezelike, Trunfio, Patricia, (2016). Evolution of adolescent fertility after decriminalization of abortion in Montevideo, Uruguay, international journal of Gynecology and Obstetrics, 134, 24-27



## حمایت کیفری از بهداشت عمومی و بهداشت محیط در قانون مجازات اسلامی: ابهام ها و چالش ها

وابستگی سازمانی	نویسندگان	
استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، مرکز تسوج، تسوج، ایران	محمد محمد زاده اصل *	
چکیده	اطلاعات مقاله	
<p>حمایت کیفری در قالب جرم انگاری و تعیین مجازات، هم چنان یکی از مهم ترین روش های مقابله با هنجارشکنی است. مقنن، مداخله کیفری را در راستای بهسازی محیط زندگی اجتماعی، انسانی و طبیعی لازم دانسته است. این الزام از دغدغه برقراری «حق محیط زیست سالم» و «بهداشت عمومی» ناشی میشود که از آغاز زندگی اجتماعی بشر وجود داشته، و به عنوان یکی از اهداف تشکیل دولت ها و تعهدات ایجابی آن ها نیز به شمار می رود. آنچه امروزه به جرایم محیط زیستی و تهدید علیه بهداشت عمومی مشهور شده است، متضمن لطمه شدید به محیط زندگی طبیعی و اجتماعی است. قانون گذار در راستای حمایت از زندگی سالم انسانی، جرایم محیط زیستی و اقدامات علیه بهداشت عمومی را در قوانین مختلفی به ویژه در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی به عنوان یک قانون عام جرم انگاری کرده است. هدف پژوهش حاضر روشن کردن نحوه حمایت کیفری از بهداشت عمومی و محیط در حقوق جزای ایران و بررسی ابهام ها و چالش های ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی با استفاده از روش کتابخانه ای و مطالعه منابع و مآخذ مربوطه و قوانین و مقررات مختلف است.</p>	<p>نوع مقاله پژوهشی</p> <p>صفحه ۳۳ - ۵۴</p> <p>دوره ۱، شماره ۱</p>	
	اطلاعات نویسنده مسئول	نویسنده مسئول
	محمد محمد زاده اصل	محمد محمد زاده اصل
	.....	کد ارکید
۰۹۱۲۲۲۵۳۳۸۳	تلفن	
mmz.asl.t@gmail.com	ایمیل	
سابقه مقاله	سابقه مقاله	
۱۴۰۳/۰۵/۱۰	تاریخ دریافت	
۱۴۰۳/۰۶/۱۵	تاریخ ویرایش	
۱۴۰۳/۰۶/۲۵	تاریخ پذیرش	
۱۴۰۳/۰۷/۰۱	تاریخ انتشار	
توصیفی تحلیلی	روش پژوهش	
جرم، بهداشت عمومی، بهداشت محیط، آلودگی، جرم شناسی	واژگان کلیدی	
توضیحات	توضیحات	
<p>کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.</p> <p>خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.</p>		
نحوه استناد	نحوه استناد	
محمد زاده اصل، محمد (۱۴۰۳)، حمایت کیفری از بهداشت عمومی و بهداشت محیط در قانون مجازات اسلامی: ابهام ها و چالش ها، فصلنامه علمی پژوهش های نوین در جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۳۳ - ۵۴	محمد زاده اصل، محمد (۱۴۰۳)، حمایت کیفری از بهداشت عمومی و بهداشت محیط در قانون مجازات اسلامی: ابهام ها و چالش ها، فصلنامه علمی پژوهش های نوین در جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۳۳ - ۵۴	

**Criminal Protection of Public Health & Environmental Health in the Islamic Penal Code: Ambiguities & Challenges**

Authors		Organizational Affiliation
Mohammad Mohammadzadeh Asl*		Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Tasouj Center, Tasouj, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	Criminal protection in the form of criminalization and determination of punishment is still one of the most important methods of dealing with breaking norms. The legislator has considered criminal intervention as necessary in order to improve the social, human and natural living environment. This requirement stems from the concern of establishing the "right to a healthy environment" and "public health" that has existed since the beginning of human social life, and is also considered as one of the goals of the formation of governments and their positive obligations. What is known today as environmental crimes and threats to public health implies severe damage to the natural and social living environment. In order to protect healthy human life, the legislator has criminalized environmental crimes and actions against public health in various laws, especially in Article 688 of the Islamic Penal Code as a general law. The purpose of this research is to clarify the way of criminal protection of public health and the environment in Iranian criminal law and to investigate the ambiguities and challenges arising from the implementation of Article 688 of the Islamic Penal Code by using the library method and studying relevant sources and sources and various laws and regulations.
Pages	33 - 54	
Volume 1, Issue 1		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Mohammad Mohammadzadeh Asl	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09122253383	
Email	mmz.asl.t@gmail.com	
Article History		
Received	2024/07/31	
Revised	2024/09/05	
Accepted	2024/09/15	
Published	2024/09/22	
Online:		
Research Method	Descriptive Analytical	
Keywords		<i>Crime, Public Health, Environmental Health, Pollution, Criminology</i>
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Mohammadzadeh Asl, Mohammad (1403), Criminal Protection of Public Health & Environmental Health in the Islamic Penal Code: Ambiguities & Challenges, Scientific Quarterly of Modern Researches in Criminology, Volume 1, Number 1, Pages 33- 54	

## ۱- مقدمه

جرایم علیه محیط زیست به اقداماتی اطلاق می شود که تحت شرایطی خاص، به آلودگی یا از بین رفتن و یا آسیب به مظاهر محیط زیست منتج می شود. اهمیت پیشگیری از این جرایم از این جهت است که با سلامتی «انسان ها» به صورت مستقیم ارتباط دارد (حیدرزاده و مظفری زاده، ۱۳۹۲: ۱۶۳). نقش سلامت در توسعه کشور و محوریت انسان سالم در توسعه پایدار سبب شده است تا در تدوین و تصویب قوانین، موضوع سلامت و بهداشت اهمیت ویژه ای یابد. در میثاق ملی سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران از جمله ویژگی های جامعه مطلوب به تصویر کشیده شده، برخورداری از سلامت با کیفیت زندگی مطلوب و بهره مند از محیط زیست سالم است. هریک از کشورهای جهان برای تحقق کیفیت زندگی مطلوب دارای تعهدات و نظام بهداشتی خاص خود می باشد. دولت جمهوری اسلامی ایران با عضویت در سازمان جهانی بهداشت و پذیرش اسناد بین المللی مختلف و به ویژه میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) در زمینه ارتقاء بهداشت و سلامت تعهدات مختلفی را پذیرا شده است (ICESCR, 1966). در سطح بین المللی همکاری بین المللی با سایر دولت ها و سازمان های بین المللی تعهد حداقلی هر دولت به شمار می آید. در سطح داخلی نیز درمورد ارتقاء وضعیت بهداشت و تحقق محیط زیست سالم، دولت باید نسبت به قانون گذاری، اقدامات اجرایی و اتخاذ تدابیر حمایتی پیشقدم باشد. حمایت کیفری در راستای بهبود وضعیت بهداشت و حمایت از محیط زیست سالم، به ویژه در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی تجلی پیدا کرده است.

با وجود این، ابهام هایی در حمایت کیفری از بهداشت عمومی و محیط زیست در قانون مجازات اسلامی به عنوان قانون عام وجود دارد. در نگاه اول به ماده ۶۸۸ ممکن است این نتیجه حاصل شود که بزه تهدید علیه بهداشت عمومی ماهیتی مستقل از جرایم علیه محیط زیست دارد. اما مقنن در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی زیست محیطی را در کنار هم آورده است (کوشکی، ۱۳۸۸: ۹۱). این تقارن مکانی این پرسش را مطرح می سازد که آیا تهدید علیه بهداشت عمومی همان جرم عام آلودگی محیط زیست است و مقنن خواسته است که بر مبنای این ماده، از محیط زیست حمایت کند یا ماهیت تهدید علیه بهداشت عمومی با جرم عام آلودگی محیط زیست متفاوت بوده و محیط زیست انسان نمی تواند تحت حمایت کیفری این جرم انگاری قرار گیرد. از سوی دیگر اگر ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی را یک ماده حمایتی از محیط زیست بدانیم علاوه بر ابهام در گستره جرم انگاری و پیام اصلی ماده ۶۸۸ با چالش های متفاوت از جمله تعارض عام و خاص بر حسب زمان، معیار تشخیص و ارزیابی، محورها و مصادیق، عدم تناسب در مجازات و بازدارنده نبودن مجازات موجود و چالش تعیین مجرم در آلودگی های محیط زیستی روبرو می شویم. لذا این تحقیق ضمن بررسی نحوه حمایت کیفری از بهداشت عمومی و محیط به ابهام ها و چالش های اجرای ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی می پردازد.

## ۲- مفهوم شناسی

برخی از واژه های اساسی تحقیق نظیر جرم زیست محیطی به دلیل سطوح مختلف آسیب ها و خطرهای زیست محیطی و طیف مجرمان، مبهم و پیچیده هستند. از سوی دیگر تبصره یک ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی تهدید علیه «بهداشت عمومی» و «آلودگی محیط زیست» را در کنار هم آورده است و در واقع این دو مفهوم را مترادف یکدیگر قلمداد کرده است که باید این دو عنوان مجرمانه مورد تعریف واقع شوند. لذا ابتدا مفاهیم اساسی تحقیق تعریف و تبیین می شوند.

## ۲-۱- جرم

جرم یکی از مفاهیم انتزاعی و پیچیده است که اکثر علوم انسانی سعی در شناخت واقعی آن داشته و دارند و اگر این گفته کارل منینجر، جرم شناس آمریکایی که: «بدترین جرم ما جهلمان نسبت به جرم است» (Fattah, 1997: 3)، اغراق آمیز توصیف شود، باید اعتراف کرد که هنوز ماهیت جرم در پس پرده تحلیل های حقوقی صرف و امانده است. جرم در لغت به معنای تعدی، تجاوز، گناه و بزه به کار رفته است (عمید، ۱۳۶۱: ۳۷۲). معادل های انگلیسی این واژه شامل Crime, Felony, Offence بوده و معادل فرانسوی واژه جرم Infraction است. در اصطلاح دکترین حقوقی از جرم صدها تعریف ارائه شده است. زیرا جرم به لحاظ مصداقی نسبی است و از زمانی تا زمان دیگر و از جامعه ای تا جامعه دیگر مختلف می شود (زراعت، ۱۳۹۲: ۳۹).

در تعاریف ارائه شده عمدتاً «قرارداد اجتماعی»، «عدالت و اخلاق»، «حق» به عنوان ارزش مورد هدف جرم مورد توجه قرار گرفته است. به نظر اکثر حقوقدانان جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که مخل نظام اجتماعی بوده و جامعه برای آن مجازات در نظر گرفته باشد (فیض، ۱۳۶۹: ۶۶) ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ جرم را به ارتکاب هر فعل یا ترک فعلی می داند که برای آن در قانون، مجازات تعیین شده باشد. مطابق ماده ۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود». نوآوری این ماده نسبت به ماده مشابه در قانون مجازات اسلامی سابق آن است که قانونگذار کلمه رفتار را برای تحقق عنصر مادی به کار برده است که اصطلاحی جامع بر فعل و ترک فعل و حتی فعل ناشی از ترک فعل می باشد.

## ۲-۲- جرایم زیست محیطی

جرم محیط زیستی رفتاری است که باعث ورود آسیب و صدمه شدید به محیط زیست و به خطر افتادن جدی سلامت بشر می شود (باباخانی، ۱۳۹۸: ۲۹). جرائم محیط زیستی موجب ایجاد آسیب جدی برای سلامتی، ایمنی و زندگی افراد و حیات وحش و هم چنین آلودگی شدید زیستگاه، تنوع زیستی و تغییر آب و هوا می شود. ارتکاب جرم محیط زیستی سطوح مختلفی دارد. گاهی یک جرم زیست محیطی به دلیل بروز «آلودگی» محقق می شود اما شدیدترین وضعیت جرم محیط زیستی مرحله «تخریب و انهدام» است. ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، تعریف ذیل را از آلودگی «زیست محیطی» ارائه می دهد: «منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب، هوا، خاک یا زمین، به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد». در مورد تخریب نیز ماده «۱» آیین نامه اجرایی بند (ج) ماده (۱۰۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹ مقرر می دارد: «منظور از تخریب هرگونه تغییر در منابع طبیعی است که تعادل طبیعت و تنوع زیستی را به طور جدی در معرض خطر قرار دهد». به عبارتی به دگرگونی های زیانبار در منابع طبیعی که موجب برهم زدن تعادل تعادل موجود در طبیعت و نیز تنوع زیستی آن می گردد تخریب محیط زیستی گفته می شود (قاسمی، ۱۳۸۶: ۴۹-۵۸). ماده ۶۷۷ قانون تعزیرات درباره تخریب محیط زیستی مقرر می دارد: «هر کس عمداً اشیاء منقول و یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلاً یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد».

## ۲-۳- بهداشت عمومی

به تمام اقدامات پیشگیرانه جهت ارتقای سلامت بشر «بهداشت» می گویند (Aielo, Larson & Sedlak, 2008: 65) بهداشت و سلامت در اسناد بین المللی از جمله اساسنامه سازمان جهانی بهداشت و ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی که به «مسئولیت های خاص دولت ها در ارتباط با بهداشت و سلامت» اشاره می کند، مورد شناسایی قرار گرفته است. (Mann & et al, 1994: 19). حق بر بهداشت پس از آنکه در بند یک ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شد، در میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) مورد تصریح قرار گرفت. بر اساس ماده ۱۲، دولت های عضو حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می شناسند (ICESCR, 1966: 12). اگرچه هنوز یک تعریف مورد توافق جهانی از این حق وجود ندارد، تعریف ارائه شده توسط سازمان بهداشت جهانی یک نقطه شروع خوبی است. این تعریف که توسط «آندریجا استامپار» محقق برجسته کرواسی در زمینه علوم پزشکی و بهداشت عمومی و یکی از بنیانگذاران سازمان بهداشت جهانی سلامت ارائه شده است، بعدها توسط سایر محققان و نویسندگان نظیر فلاویا بوسترتو، پل هانت، سوفیا گراسکین و دیگران مورد توجه قرار گرفته است (Bustreo & et al, 2013: 20) حالت کامل رفاه جسمی، روحی، اجتماعی و نه فقط عدم بیماری یا ناتوانی جامع ترین تعریف ارائه شده از سوی سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۸ برای سلامتی و بهداشت است. بهداشت در بعد فردی اشاره به فعالیت های پیشگیرانه خود مراقبتی دارد (Department of Health, 2001) اما زمانی که بهداشت متصف به واژه «عمومی» می گردد اشاره به فعالیت های پیشگیرانه دگر مراقبتی داشته (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱) و به این معنی است که هیچ گاه یک فرد نمی تواند از محیط اطراف خود و دیگر مردم دنیای بیرون، به طور کامل خود را جدا سازد. هر فردی جزئی از محیط است و سلامت تک تک افراد بر سلامت کل محیط تاثیر دارد. علاوه بر ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی ماده ۲ آیین نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱ اصطلاح بهداشت عمومی را بکار برده و در ماده ۲ مقرر داشته: «هر اقدامی که تهدیدی برای بهداشت عمومی شناخته شود، ممنوع می باشد». اما در ماده ۱ و در بخش مربوط به تعاریف به جای کاربرد واژه عمومی از واژه محیط استفاده شده است. ماده ۱ آیین نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱/۵/۶ بهداشت محیط را به کنترل عواملی از محیط زندگی تعریف کرده است (دبیری، ۱۳۸۳: ۵۷۹) لذا زمانی که از جرایم علیه بهداشت عمومی صحبت می شود منظور کلیه جرایمی است که در روند کنترل این عوامل ایجاد اختلال می نماید. در چنین دیدگاهی هدف از جرم انگاری اقدام علیه بهداشت عمومی، علاوه بر انسان شامل محیط زندگی انسان نیز است. حقوقدانان نیز اقدام به تعریف بهداشت عمومی نموده اند.

«وینسلو» در تعریف بهداشت عمومی می گوید: «بهداشت عمومی علم و هنر پیشگیری از بیماری ها، افزایش طول عمر و ارتقای سلامتی افراد با کوشش های سازمان یافته جامعه می باشد (Winslow, 1920: 183). بهداشت عمومی عبارتست از مجموعه دانش و هنر پیشگیری از بیماری و تامین، حفظ و ارتقای تندرستی و توانمندی بشر با استفاده از تلاش دسته جمعی که منجر به توسعه جامعه شود. این مفهوم در حوزه زندگی انسان گسترش یافته و به طریقی ضامن سلامت فرد و جامعه به شمار می رود (حاتمی و همکاران، ۱۳۸۷: ۴). به طور کلی، در بهداشت عمومی اساسا بیشتر تأکید بر جنبه های اجتماعی تندرستی می باشد که هدف کلی آن تأمین شرایط لازم جهت رفاه فردی و اجتماعی می باشد. بهداشت خوب، پایه و اساسی است که بر مبنای آن پیشرفت های اجتماعی شکل می گیرد (اسلامی تبار و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۷۴).

## ۲-۴- آلودگی محیط زیست

آلودگی از مصدر آلوده بوده و در فرهنگ لغت فارسی به معنای عمل و فعل آلوده، لوث، گناه، جرم، کثیفی آمده است (معین، ۱۳۶۰: ۸۴). در لغت نامه های عربی نیز واژه «التلوث» و در لغت نامه های انگلیسی واژه Pollution مشتق از کلمه یونانی Pollutes اشاره به واژه آلودگی داشته و به معنای ناپاکی و کثیفی می باشد. از نظر حقوقدانان «هرگونه تغییر نامرغوب در خواص طبیعی انسانی یا جانوری و یا گیاهی که توأم با ضرر باشد، آلودگی نام دارد» (بوتکین، ۱۳۸۱: ۹۴۴). در تعریف دیگری آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد (فرید و روزبه، ۱۳۹۵: ۵۲). در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی آمده است، منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب، هوا، خاک و زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان، سایر موجودات زنده، گیاهان، آثار و ابنیه مضر باشد را تغییر دهد. آلودگی زیست محیطی، انواعی دارند که مهم ترین آن ها عبارتند از: آلودگی های هوا، آب، خاک، صوت، شیمیایی و هسته ای (قوام، ۱۳۷۵: ۵).

## ۳- ویژگی های اساسی جرائم تهدید علیه بهداشت عمومی و بهداشت محیط

اولین مشخصه جرائم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط این هست که از لحاظ اینکه بزه دیده یا بزه دیدگان در صحنه جرم حضور ندارند از جمله جرائم نوین محسوب می شود. جرائم نوین در مقابل جرائم سنتی و کلاسیک نظیر، قتل، تجاوز، سرقت، ضرب و جرح و سایر جرائم خیابانی و معمولاً خشونت آمیز محسوب می شود (دارابی، ۱۳۹۵: ۲۰۲). جرائم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط برخلاف جرائم خشونت آمیز، ویژگی های خاص خود را دارد. برخی از ویژگی ها، هم جنبه ذهنی و عینی و برخی دیگر صرفاً جنبه عینی دارند. بدین ترتیب، خصوصیات جرائم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط در قالب ۴ بند قابل بررسی است.

## ۳-۱- ترکیبی از جرائم علیه اشخاص و اموال

جرائم تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط را می توان ترکیبی از جرائم علیه اشخاص و اموال دانست. زمانی که از جرائم علیه بهداشت عمومی و محیط صحبت می شود جرم ارتكابی یک جرم خصوصی نیز به شمار می رود، زیرا می تواند سلامتی تک تک افراد جامعه را تهدید کند. لذا این پرسش مطرح می شود که اگر جرائم علیه بهداشت عمومی و محیط یک جرم خصوصی محسوب شوند در این صورت آیا اشخاص خصوصی می توانند به عنوان شاکی شکایت کنند. با توجه به تصریح تبصره یک ذیل ماده ۶۸۸ کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) قانون مجازات اسلامی، تشخیص و اعلام وقوع جرم تهدید علیه بهداشت عمومی بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گرفته است. اما نظریه شماره ۷/۵۶۷۳-۱۳۸۵.۷.۲۵ مقرر می دارد: «هرکس از جرم تهدید علیه بهداشت عمومی ضرری دیده است می تواند شکایت کند. قبول شکایت این اشخاص منوط به اعلام جرم اداره بهداشت نیست. اما مرجع قضایی برای احراز جرم تهدید علیه بهداشت عمومی نظر اداره بهداشت را استعلام می کند.» در صورت جلسه نشست قضائی شهر گلوگاه استان مازندران به شماره ۱۳۹۹-۷۷۰۰ در مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۳۱ نیز آمده است: با توجه به اصول حقوق کیفری، اعلام جرم و تعقیب آن از سوی سایر اشخاص حقیقی و حقوقی نیز امکان پذیر می باشد. در پرونده ۹۹۰۹۸۲۱۲۱۱۰۰۵۶۹ نیز شعبه ۵ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب تهران در مقام رسیدگی به شکایت دو وکیل دادگستری از رییس کانون وکلا بابت برگزاری

جلسه در زمان شیوع بیماری کرونا بدو با این استدلال که جرم تهدید علیه بهداشت عمومی فاقد جنبه خصوصی است و شکات در مقام شاکی خصوصی قرار ندارند نسبت به شکایت ایشان قرار موقوفی تعقیب صادر کرد (قرار شماره ۹۹۰۹۹۷۲۱۱۰۱۱۰۶ به تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۶ شعبه ۵ بازپرسی دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲۶ تهران). اما در ادامه رسیدگی، شعبه ۱۰۰۴ دادگاه کیفری دوم مجتمع قضایی ولیعصر (عج) تهران با تلقی شکایت این دو وکیل دادگستری به عنوان گزارش وقوع جرم و با توجه به تصریح تبصره یک ذیل ماده ۶۸۸ کتاب پنجم (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) قانون مجازات اسلامی، که تشخیص و اعلام وقوع جرم تهدید علیه بهداشت عمومی را بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار داده است، نظر این وزارتخانه را نسبت به موضوع گزارش شده جلب کرده و نظر وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را برای این امر که چنین اقدامی تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست و ... شناخته می شود یا خیر خواستار شد. اما شعبه ۳۱ دادگاه تجدید نظر استان تهران در رای نهایی خود به شماره ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۳۱۰۱۰۳۱ به تاریخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۷ مقرر می دارد: «شخص عادی از حیث شکایت و اعتراض به این جرم، ستمی ندارد.» لذا می توان چنین نتیجه گرفت که قبول شکایت اشخاص خصوصی منوط به تشخیص مراجع تشخیص می باشد (دادنامه شماره ۹۹۰۹۹۷۲۱۸۵۴۰۱۸۱۴ به تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۱۷). لذا همان طور که در صورت جلسه نشست قضائی شهر گلگاه استان مازندران به شماره ۱۳۹۹-۷۷۰۰ در مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۳۱ آمده است صرف گزارش یا اعلام جرم اشخاص خصوصی برای احراز مجرمیت کافی نیست اما صرف گزارش یا اعلام جرم مراجع ذی ربط برای احراز مجرمیت کافی به نظر می رسد. مگر اینکه قرائن و اماراتی دال بر خلاف واقع بودن گزارش وجود داشته باشد یا در مدافعات متهم دلایلی باشد که اعلام جرم مراجع ذی ربط را مخدوش سازد که در چنین شرایطی کشف حقیقت به طریق مقتضی بر عهده قاضی رسیدگی کننده به چنین اعلام جرمی است. هم چنین جرم تهدید علیه بهداشت عمومی از جمله جرائم عمومی به شمار می رود، که می تواند اموال عمومی و محیط زیست را تحت تاثیر قرار دهد.

### ۳-۲- مصدق از جرایم عمدی و غیر قابل گذشت

هرگاه مرتکب عمدا کاری انجام دهد که باعث وقوع جرم شود، فعل رخ داده جرم عمدی محسوب می شود. عمد به عنوان ارتکاب ارادی و آگاهانه عمل مجرمانه، متشکل از علم و قصد تعریف شده است (خالقی و محمدعلی، ۱۳۹۲: ۱۲۱). مرتکب اگر آگاه باشد که عمل او نوعا به گونه ای است که باعث وقوع پیوستن جرم می شود، این نوع جرم عمدی محسوب می شود. مثلا وقتی فردی، مواد شیمیایی را عمدا وارد آب می کند، البته این نوع جرایم ممکن از روی غفلت و سهل انگاری نیز ارتکاب یابد. اگر تخریب محیط زیست عمدی باشد مطابق عمل مجرمانه با آن برخورد می شود. این در حالی است که اگر غیرعمدی باشد بر اساس قانون مسئولیت مدنی با آن برخورد می شود و مسئولیت تامین ضرر و زیان بر عهده شخص است؛ البته این موضوع که شخص، توان پرداخت زیان را داشته باشد نیز بررسی می شود. جرایم محیط زیستی از جمله جرایم عمدی محسوب می شود که اگر سوءنیت در آن وجود داشته باشد در قانون مشمول مجازات شدیدی است؛ البته مجازات در جرایم با وسعت بیشتر، بسیار شدیدتر می شود، به عنوان مثال اگر مواد شیمیایی در آب وارد شود، به طوری که مردم شهر یا روستایی از این آب استفاده کنند و موجب قتل یک نفر شود بر این اساس مجازات قصاص مطرح می شود. نهایت این که تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط همان طور که شعبه ۴۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در رای به شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۴۲۰۱۳۸۳ به تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۷ مقرر داشته غیرقابل گذشت بوده و مراجع تشخیص صرفاً اعلام کننده جرم بوده و حقی برای گذشت ندارد.

### ۳-۳- مصادیقی از جرایم مقید

از حیث نتیجه مجرمانه، جرائم به مطلق و مقید تقسیم می شوند. امروزه با توجه به گسترش جرائم در حوزه های مختلف توجه ویژه ای به این مسائل شده و مسئولین با تقسیم بندی جرائم به مطلق و مقید میان انواع جرائم تفاوت قائل شده اند. به طور کلی در حقوق کیفری هر جرمی به صورت جداگانه تعریف و عناصر و شرایط تشکیل دهنده آن بررسی می شود که این امر سبب تمییز و تفکیک جرایم از یکدیگر می شود. حقوقدانان غالباً در تقسیم بندی های خود از جرایم، به آثار زیان بار فعل مجرمانه توجه کرده، جرایمی را که خسارات حاصل از آن ها به طور کلی دارای جهت مشترکی است، در یک گروه جای داده اند. ضابطه تشخیص جرایم مطلق و مقید در نیاز داشتن و عدم نیاز جرایم به نتیجه است یعنی اگر جرمی نیاز به نتیجه داشته باشد مقید نامیده می شود و اگر نیاز به نتیجه نداشته باشد مطلق خواهد بود. جرم مقید از اصطلاحات حقوق جزا بوده و به این معنا است که تحقق جرم، مقید به ایجاد نتیجه ای باشد، و این در صورتی است که قانون گذار، حصول نتیجه ای را جزو عناصر تشکیل دهنده جرم منظور کرده باشد **(علی نژادی و علی نژادی، ۱۳۹۷: ۶۱)**. مثلاً کسی که اراده و قصد می کند که آب آشامیدنی آلوده توزیع کند، اگر عمل او منجر به آثار زیانبار نشود عمل او از جرایم علیه بهداشت محسوب نمی شود. جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی جرمی مقید است بنابراین اگر عملی که صلاحیت تهدید علیه بهداشت عمومی را داشته باشد لکن منجر به آلودگی و اخلاص در بهداشت نشود، قابل تعقیب نخواهد بود **(زراعت، ۱۳۸۲: ۲۷۷)** مقررات کیفری فرانسه در این باره، این جرم را مقید به نتیجه ساخته اند. عبارت دیگر تا زمانی که تخلیه مواد آلوده به محیط زیست آبی، زبانی جمعی و یا فردی به دنبال نداشته، این جرم را محقق نمی دانند **(انصاری، ۱۳۸۳: ۱۲۷)** به تعبیر دیگر با تحقق صرف فعل آلودگی، جرم تهدید علیه بهداشت عمومی محقق نمی گردد چرا که جرم تهدید علیه بهداشت عمومی با تأثیر بر سلامت جسم، روان و اجتماع انسانی محقق می گردد ولی هر آلودگی نمی تواند وسعت تهدید علیه بهداشت عمومی را شامل شود.

### ۳-۴- جلوه ای از جرایم پنهان دولت ها

نقض اعتماد عمومی از ویژگی های جرائم علیه بهداشت عمومی است. دکترین اعتماد عمومی ریشه در مفهوم «مالکیت میراث مشترک» حقوق روم دارد. میراث مشترک اموالی هستند که به لحاظ ماهیت خود نظیر آب و هوا به مالکیت خصوصی قابل تصرف نبوده و به همه بشریت تعلق دارند و مالکیت این منابع طبیعی مشترک به عنوان امانت عمومی به دولت واگذار شده است و وقتی مسئله آلودگی محیط مطرح می شود به این معنی هست که دولت در حفاظت این میراث مشترک کوتاهی کرده و «اعتماد عمومی» را نقض کرده است. اکثر دادخواهی های اعتماد عمومی مربوط به محیط زیست در ایالات متحده آمریکا مطرح شده است. یکی از اولین پرونده ها کانک علیه آلاسکا بود. شاکیان، ادعا کردند که ایالت آلاسکا طبق قانون اساسی آلاسکا (ماده VIII) دکترین اعتماد عمومی را نقض کرده است و نتوانسته است قدم هایی برای محافظت از اتمسفر بردارد. دادگاه ادعاهای شاکیان را تأیید کرد که اتمسفر یک «میراث مشترک» است **(Preston, 2018:137)**. پرونده جولیان و همکاران در مقابل ایالات متحده آمریکا، یک دادخواست مرتبط با آلودگی محیط زیست بر پایه دکترین اعتماد عمومی است که در سال ۲۰۱۵ توسط ۲۱ شاکی جوان علیه ایالات متحده مطرح شده است. شاکیان در این دادخواست ادعا کردند که دولت آمریکا با تشویق و اجازه فعالیت های مربوط به انتشار گازهای گلخانه ای به میزان قابل توجهی حق حیات آن ها را نقض کرده است **(Preston, 2018:138)** دادگاه استیناف حوزه نهم ایالات متحده آمریکا اذعان داشت که احتراق سوخت های فسیلی در صورت عدم توقف، باعث تغییر آب و هوای کره زمین خواهد شد **(United**

(Nations Environment Programmed, 2017: 24). ملاحظه می شود که احتمال ارتکاب جرایم مقرر در ماده ۶۸۸ توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و یا عمومی و خصوصی وجود دارد. بسیاری از آسیب های محیط زیستی می تواند ناشی از اقدامات سازمان ها و شرکت های دولتی یا عمومی باشد که در عرصه صنایع و تامین انرژی کلان کشور متصدی هستند و فقدان هرگونه ضمانت اجرای قابل اعمال در خصوص این دسته از اشخاص حقوقی بسیار قابل تأمل است (زاهدیان تجنکی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۵). از این جهت، هر چند اعمال برخی از ضمانت اجراها مانند انحلال و یا مصادره اموال، مغایر با ماهیت اشخاص حقوقی دولتی است، اما اعمال برخی از ضمانت اجراهای موثر نظیر انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه ها می تواند بازدارنده و جلوه ای از مسئولیت دولت در قبال جرائم زیست محیطی باشد (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۷۳). علیرغم شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ و پیش بینی مجازات های قابل تحسین در ماده ۲۰، اما متأسفانه تبصره همین ماده، مجازات اشخاص حقوقی دولتی و غیردولتی که اعمال حاکمیت می کنند از شمول ضمانت اجرای ماده ۲۰ مستثناء کرده است. در واقع دولت ها را می توان به وسیله فعالیت های زاینبار خود و یا به جهت حمایت از بنگاه های اقتصادی آلاینده اما پرسود، از بزرگ ترین مجرمین زیست محیطی به حساب آورد. حوزه محیط زیست از جمله بخش هایی است که جرم دولتی در آن به بسیار وقوع می پیوندد اما کم تر نمایان می گردد. اما چرا اینگونه است. در پاسخ باید گفت که در عرصه زیست محیطی به جهت دست داشتن قدرت قانون گذاری و نیاز دولت ها به ادامه فعالیت های بنگاه های قدرتمند اقتصادی موجب مسکوت ماندن و نوعی مصونیت کیفری نسبت به آسیب های ناشی از این رفتار دولت ها در نظام عدالت کیفری شده است (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۵: ۳۴۹). به عقیده راب وایت می توان این نتیجه را گرفت که از یک سو، عمده جرایم زیست محیطی فرامرزی توسط دولت ها ارتکاب می یابد و از سوی دیگر، آنها خود مسئول نظام جرم انگاری اند. این ویژگی اجتماع مجرم و قاضی از ویژگی بارز جرائم علیه بهداشت عمومی و محیط به عنوان جلوه ای از جرائم پنهان دولت ها است. جمع آوری دیرهنگام زباله توسط شهرداری ها به اندازه ریختن زباله به خیابان خطرناک و تهدید علیه بهداشت عمومی است. همه ما شاهد انباشت زباله در مخازن زباله ها در محل های تعیین شده در خیابان ها با بوی تعفن و شیرابه روبرو بوده ایم. بنا به نظر کارشناسان در هر میلی گرم شیرابه زباله ها بیش از ۱۰۰ میلیون باکتری مضر موجود است که عامل انتقال بیش از ۱۱۸ نوع بیماری حاد است که سلامت انسان و محیط زیست را به شدت تهدید می کند. نتایج آزمایشات شیرابه زباله حاکی از آن است که در فصل گرما غلظت پارامترهای اندازه گیری شده نسبت به فصل بهار بالاتر می باشد که نتیجه غلیظ بودن شیرابه در اثر گرمی هوا و دیگر عوامل محیطی است (اوریا و فارسی جانی، ۱۳۹۷: ۱۰۸۱). علیرغم اهمیت موضوع در ماده ۶۸۸ از جاری شدن شیرابه زباله به دلیل عدم جمع آوری یا جمع آوری دیرهنگام زباله توسط شهرداری ها به عنوان نمونه بارز جرائم علیه بهداشت عمومی و به عنوان جلوه ای از جرائم پنهان دولت ها ذکر می شود. طبیعی است که در این حالت، دولت رفتارهای ناشایست خود را جرم تلقی نکند؛ زیرا جرم انگاری رفتارهای دولت، علاوه بر آن که انتقادات بسیاری را متوجه آن می کند، به تدریج پایه های حکومت را سست می کند. در این بستر نظام جرم انگاری ابزاری در دست دولت است که به جای تحقق عدالت، به تداوم نظام سیاسی کمک می کند. از جمله مداخلات مخرب دولت ها بر محیط زیست را می توان حمایت و پشتیبانی دولت ها از شرکت ها و بنگاه های اقتصادی نام برد که میزان اقدامات ویرانگر این دسته از مجرمان محیط زیست گسترده می باشد. بی تردید در کشور ایران رفتار دست اندرکاران نظام عدالت کیفری هم در بخش تقنین و هم در بخش اجرای چالش های اساسی است، در وهله اول از آنجایی که نظام عدالت کیفری توان مقابله با مجرمین پر قدرت و پرنفوذ جرایم زیست محیطی را ندارد صرفاً به اصلاح و انباشت قوانین در این حوزه دست می زند، در این ارتباط نجفی توانا تاکید می کند نتیجه اجتناب ناپذیر این برخورد غیر اصولی،

تدوین قوانینی است که از سر تعجیل و شتاب زدگی و بدون تامل کارشناسی به تصویب رسیده و نابسامانی بسیاری را در دستگاه عدالت موجب گشته و حقوق شهروندان را به انحای مختلف در معرض تهدید و تعرض قرار داده است.

#### ۴- ابهام های ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی

ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها و زیاله در خیابان ها، کشتار غیر مجاز دام، استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد». تبصره ۱ در ادامه مقرر می دارد: «تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می شود و نیز غیر مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد برعهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود». تبصره ۲ نیز مقرر می دارد: «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد». با وجود مفید بودن ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و پر نمودن خلاء های جرم انگاری با توجه به معنای عام خود در حوزه محیط زیست و بهداشت عمومی، موجب ابهامات و تحلیل های مختلفی از سوی حقوقدانان شده است که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

#### ۴-۱- ابهام در هدف و پیام ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی

یکی از ابهام های ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی گنجاندن چند پیام در یک ماده قانونی است. اگر چه گنجاندن چند پیام در یک ماده قانونی موجب کاهش شمارگان مواد قانونی می شود، اما حجیم شدن مواد، پیچیدگی و دشواری فهم و تکرار پیام آن را در پی خواهد داشت. قانون گذار در ماده ۶۸۸ مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی را بیان نموده و سپس در تبصره نخست تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست را به عنوان دو مقوله مترادف همدیگر در نظر گرفته و به دنبال آن نیز در تبصره دوم به تعریف آلودگی محیط زیست پرداخته است. باتوجه به مراجع متعدد تشخیص و اعلام جرم در تبصره یک می توان گفت که مقنن موضوعات تهدید بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست را عناوین مجرمانه جداگانه تلقی کرده و آن ها را در چند مرحله بیان داشته و در هر مرحله هدفی را دنبال می کرده است. برخی صرف نظر از ذکر جداگانه کلمه تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط هدف نهایی مقنن را حمایت از محیط زیست عنوان کرده اند (رضوانیان، ۱۳۹۸: ۳). برخی معتقدند که می توان دلیل ذکر جداگانه کلمه تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط را تلاش در جهت پیوند مقررات پراکنده دانست (قلی پور، ۱۳۹۲: ۱۲۷). برخی نیز معتقدند که ماده فوق فقط صحبت از جرم تهدید علیه بهداشت عمومی نموده است، چراکه قانون گذار زمانی که یک جرم را رفتار فیزیکی جرم دیگر در نظر می گیرد قصدش جرم مهم تر بوده است (خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۴). برخی نیز معتقدند مقنن هم در پی حمایت از بهداشت عمومی و هم در پی حمایت از محیط زیست بوده است (افشاری، ۱۳۹۷: ۴۲). نگارنده نیز معتقد است که مقنن هم در پی حمایت کیفری از بهداشت عمومی و هم در پی حمایت از محیط زیست بوده است.

#### ۴-۲- ابهام در گستره جرم انگاری: حمایت از انسان یا محیط

نیازی به توضیح نیست که ماده ۶۸۸ جرم علیه بهداشت عمومی را تعریف به مصداق کرده و بیشتر درصدد بیان مصادیق بوده است اما در تبصره یک همین ماده با استفاده از واو عطف میان «تهدید علیه بهداشت عمومی» و «آلودگی محیط زیست»، مقنن اقدام به جمع دو عبارت کرده است و به نوعی بزه تهدید بهداشت عمومی را به جرم محیط زیستی پیوند زده است. این اجتماع عناوین مجرمانه، بر ابهامات افزوده است از جمله اینکه آیا منظور مقنن تعریف اکوسیستمی از جرائم علیه بهداشت عمومی است یا این اجتماع عناوین مجرمانه، کاملاً تصادفی بوده است. اگر منظور مقنن تعریف اکوسیستمی از جرائم علیه بهداشت عمومی باشد صرف آلوده کردن هوا یا آب یا خاک رفتاری مجرمانه خواهد بود، بدون آن که حمایت از محیط زیست را زمانی قابل اجرا بدانیم که به منفعت انسان خدشه ای وارد شود. اما اگر منظور مقنن از جرم انگاری «تهدید علیه بهداشت عمومی» صرفاً حمایت از منفعت انسان ها بدون در نظر گرفتن روابط متقابل میان اجزای محیط زیست باشد باید گفت که گستره جرم انگاری قانون گذار نمی تواند محیط زیست را پوشش دهد. اما تبصره ۲ ماده ۶۸۸ این ائده را تقویت می کند که جرم علیه بهداشت عمومی به نوعی از جرائم زیست محیطی به شمار می رود زیرا با دقت در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی که دقیقاً تعریف مشابهی از آلودگی محیط زیست مندرج در ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست را ارائه کرده است این گونه استنباط می شود که آلودگی زمانی محقق می گردد که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد. لذا رویکرد نتیجه محور مقنن این ائده را تقویت می کند هدف نهایی جرم انگاری تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست، محیط اعم از محیط زنده (گیاهان، جانوران، انسان) و غیر زنده (آب، هوا، خاک) است. لذا بی جهت نیست که در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی پس از جرم انگاری تهدید علیه بهداشت، جرم آلودگی محیط زیست ذکر شده است توالی این عناوین نشان می دهد که مقنن خواسته است که بر مبنای این ماده، از محیط زیست نیز حمایت کند. به عبارت دیگر هدف از شناسایی بزه تهدید علیه بهداشت صرفاً سلامتی انسان جدا از سایر عناصر محیط زیست نبوده و این برجستگی صرفاً به این خاطر است که انسان در آن واحد مخلوق و شکل دهنده محیط زیست خود است. تبصره ۲ محورهای آلودگی را حول ۳ عنصر آب، هوا و خاک یا زمین پیش بینی کرده است. تبصره ۱ نیز از مصادیقی نام برده که دقیقاً این سه محور را هدف گرفته اند. به عبارتی مصادیق تهدید علیه بهداشت به طور صریح با جرایم علیه محیط زیست منطبق است. به همین دلیل بسیاری از متون مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی در ماده مذکور را با جرم آلودگی یکی دانسته اند. اما برخی این دو را متفاوت دانسته و معتقدند تعاریف بهداشت و آلودگی محیط زیست متفاوت از یکدیگر می باشد. در صورتی که این دو مفهوم در یک ماده در کنار هم آمده اند. منحصر کردن بهداشت عمومی صرفاً به تندرستی انسان به نظر می رسد چندان صحیح نباشد. کما اینکه ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳، آلودگی «زیست محیطی» را زبان آور «به حال انسان» نیز می داند (قوام، ۱۳۷۵: ۵). چگونه است که مفهوم «آلودگی زیست محیطی»، محیطی را مدنظر قرار دهد که فرایند حیات را فراگرفته و با آن برهم کنش دارد، اما مفهوم «تهدید علیه بهداشت عمومی» صرفاً اشاره به محیطی داشته باشد که تنها وجود و استمرار حیات انسان مهم است. برجسته کردن سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان در ماده یک آیین نامه بهداشت محیط مصوب ۱۳۷۱/۵/۶ هیات وزیران نیز هرگز نمی تواند به این مفهوم باشد که تعریف تهدید علیه بهداشت عمومی صرفاً در سه شق سلامتی جسم انسان، روان انسان و اجتماع انسان خلاصه می شود. این برجستگی به خاطر اهمیتی است که انسان به عنوان یکی از عناصر زیست محیطی دارد، و گرنه محیط زندگی اشاره به همه عناصر جاندار یا بی جان که پیرامون انسان را فرا گرفته اند، دارد. عناصر طبیعی و انسانی هر دو برای رفاه و بهره برداری کامل از حقوق وی ضروری است. نامه وزارت بهداشت و درمان به شماره

۱۳۹۹/۲/۸ در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۸ نیز نشان داد که تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست باهم پیوند مفهومی دارند و هم چنین مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی جنبه تمثیلی داشته و منحصر در موارد مندرج در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی نیستند. نامه وزارت بهداشت و درمان به شماره ۱۳۹۹/۲/۸ در تاریخ ۱۳۹۹/۲/۸ از آلوده کردن محیط توسط افراد مبتلا به ویروس کرونا به عنوان جرمی علیه بهداشت یاد کرده است. جالب اینکه در این دستورالعمل از واژه محیط صراحتاً استفاده شده است. دقت در مصادیق نیز پیوند مفهومی تهدید علیه بهداشت عمومی با مفهوم آلودگی را تایید می‌کند. در آلوده کردن آب آشامیدنی آن چه که مدنظر است سلامتی انسان است اما در ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها ممکن است هیچ گونه اثری بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی انسان نداشته باشد. اما کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آب رودخانه را به گونه‌ای تغییر دهد که زیان آور به حال سایر موجودات زنده یا گیاهان باشد. (قوام، ۱۳۷۵: ۵).

### ۴-۳- ابهام در تمثیلی یا حصری بودن جرایم علیه بهداشت عمومی و بهداشت محیط

نکته مهمی که نباید از یاد برد این است که آیا جرائم علیه بهداشت حصری هستند یا تمثیلی؟ به عبارت دیگر موارد مندرج در ماده ۶۸۸ تنها نمونه‌ای از تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته می‌شوند و از باب تمثیل است یا تهدید علیه بهداشت عمومی محصور در موارد مذکور است. برخی حقوقدانان معتقدند که در این ماده مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی احصاء شده که مشتمل بر «ممنوعیت آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله، در خیابان‌ها کشتار غیر مجاز دام و استفاده غیر مجاز از فاضلاب خام یا پساب تصفیه‌خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی» می‌باشد همان طوری که ملاحظه می‌گردد تمثیل‌های مورد اشاره در حول محور آلودگی آب، آلودگی خاک، پسماند، کشتار غیر مجاز دام و آلودگی محصولات کشاورزی به واسطه استفاده غیر مجاز از فاضلاب می‌باشد لذا تمام افعال مجرمانه‌ای که قابلیت انتساب به ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی را خواهند داشت، می‌بایست مصادیقی از محورهای مذکور باشند. به عبارت دیگر جرم آلودگی صوتی و آلودگی اشعه و ... را نمی‌توان از مصادیق این ماده دانست. لذا اقدام علیه بهداشت دارای مصادیق احصائی بوده و هر گونه اقدامی نمی‌تواند جرائم علیه بهداشت عمومی تلقی گردد (نجات و دبیری، ۱۳۹۴: ۱۷۷). اما نحوه نگارش ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و کاربرد «از قبیل» ویژگی جرائم علیه بهداشت عمومی را از منظر تمثیلی یا حصری تاحدی مشخص و رفع ابهام می‌کند. در کلیه فرهنگ‌های فارسی عبارت «از قبیل» به معنای یک جور، شبیه، گونه، مانند، مثل، نظیر، نوع، جنس، دسته، گروه آمده است که نشان می‌دهد مصادیق آلودگی محیط زیست یا تهدید علیه بهداشت عمومی جنبه تمثیلی دارد. پذیرش احصائی بودن جرایم علیه بهداشت عمومی و محیط به این معناست که اگر صدمه و آسیب به سلامت جسم، روان و اجتماع با طرقی به غیرطریق مقرر در قانون حاصل گردد از جرایم علیه بهداشت عمومی و محیط نیست و این نقض غرض مقنن خواهد بود. از سوی دیگر در تبصره ۱ ماده ۶۸۸ از عبارت تشخیص جرایم علیه بهداشت عمومی و محیط سخن به میان آمده است و این تشخیص خود نشان می‌دهد که رویکرد مقنن محدود به موارد مندرج در قانون نبوده و نسبت به منشاء آلودگی‌های آتی و ناشناخته نیز حاکم می‌باشد در غیر این صورت قانون‌گذار از واژه «تطبيق» به جای «تشخیص» استفاده می‌کرد که هم به مفهوم مضیق نزدیک بود هم معنای نزدیک دریافت می‌شد. تهدید واژه‌ای است که به مقتضای زمان اشکال گوناگون به خود گرفته و می‌تواند بهداشت عمومی و محیط را مختل نماید. محصور نمودن تهدید علیه بهداشت عمومی در آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم‌کننده در رودخانه‌ها، زباله در

خیابان ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده‌ی غیرمجاز فاضلاب خام به نظر غیرمنطقی می آید. چگونه می توان ریختن مواد مسموم کننده به رودخانه‌ها را تهدید علیه بهداشت دانست اما ریختن مواد غیرسمی اما خطرناک نظیر عفونت‌ها و میکروارگانیسم‌ها به رودخانه‌ها را تهدید نشناخت. لذا به نظر می رسد استفاده مقنن از واژه «تشخیص» در تبصره ۱ ماده ۶۸۸ مبنی بر اینکه اقدام صورت گرفته تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست است یا خیر، راهنمای خوبی برای فهم تمثیلی یا احصائی بودن جرایم علیه بهداشت عمومی و محیط است. در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی عبارت «از قبیل» نشان دهنده این می باشد که مصادیق مذکور در این ماده تمثیلی است و شامل اعمالی نظیر ریختن زباله در بیابان، آلودگی صوتی، آلودگی جنگل ها، کوه ها، مراتع، یخچال ها و تمامی منابع طبیعی می باشد **(کردی شاهدهی، ۱۳۹۶: ۱۳)**. لذا برخلاف نظر آن دسته از حقوقدانانی که تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست را قابل تعمیم به دیگر آلودگی ها نظیر هوا، اشعه، صوت و ... نمی دانند باید گفت که موارد فوق نیز از مصادیق این ماده است. نظریه ۱۳۸۲/۸/۸-۷/۶۴۵۷ اداره حقوقی قوه قضائیه در این باره مقرر می دارد: «ماده ۶۸۸ ق.م.ا حصری نمی باشد بلکه جنبه تمثیلی دارد که با توجه به تبصره ۱ ماده مذکور تشخیص آن به عهده مرجع مذکور در تبصره است.» هم چنین نظریه ۷/۲۰۲۰-۱۳۸۴/۳/۲۹-۷/۲۰۲۰ اداره حقوقی قوه قضائیه مقرر داشته: «تخلیه فضولات انسانی و دامی در میادی ورودی و حواشی جاده ها اگر به تشخیص مراجع ذیربط تهدید علیه بهداشت باشد می تواند از مصادیق ماده ۶۸۸ باشد.» از سوی دیگر در برخی قوانین نیز از اعمال مغایر با اصول بهداشتی سخن به میان آمده که آن قوانین هنوز قابلیت اجرایی دارند و احصائی دانستن اقدامات علیه بهداشت عمومی به معنی عدم توجه مقنن به سایر قوانین به شمار می رود که این امر غیرمنطقی است. به عنوان نمونه بند ۲۰ ماده ۵۵ از قانون شهرداری ۱۳۳۴/۱۱/۴ از وظایف شهرداری در راستای جلوگیری از ایجاد و ساخت اصطبل چارپایان و مراکز دامداری و به-طور کلی تمام مشاغل و کسب هایی که ایجاد مزاحمت و سر و صدا کنند یا تولید دود یا عفونت و یا تجمع حشرات و جانوران نمایند، بحث کرده که مطابق نظریه اداره حقوقی قوه قضائیه ۱۳۸۲/۶/۱۳-۷/۵۰۶۳ و ۷/۱۰۲۳۰ و ۱۳۸۲/۱۲/۱۴ تصویب ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی منافاتی با وظایف قانونی شهرداری در خصوص موارد مذکور در فوق نداشته و تنها مبین ضمانت اجرای کیفری جرایم موضوع آن است و هریک مستقلا در جای خود قابل اعمال است و کمیسیون بند ۲۰ ماده ۵۵ از قانون شهرداری حسب مورد می تواند نظر مراجع مذکور را در تشخیص اقدامات علیه بهداشت عمومی و غیره را استفسار نماید.

### ۵- چالش های اجرای ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی

ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی ایران به عنوان یک ابزار قانونی برای مقابله با تهدیدات علیه بهداشت عمومی شناخته می شود. این ماده به طور خاص اقداماتی نظیر آلوده کردن آب آشامیدنی و دفع غیربهداشتی فضولات را جرم انگاری کرده و مجازات‌هایی از جمله حبس تا یک سال برای مرتکبین در نظر گرفته است. با این حال، اجرای این ماده با چالش‌های متعددی مواجه است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم. انتشار اخبار پیرامون تحقیقات انجام شده در خصوص جرم یا مدرکی از مدارک تحقیق که مقام قضایی انتشار آن را ممنوع نموده است.

### ۵-۱- چالش تاثیر گذاری و تمکین مخاطبان: ممنوع بودن یا جرم بودن تهدید بهداشت عمومی و آلودگی محیط

از جمله چالش های ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی عدم توجه مقنن به اصل «قطعیت قانون» در جرم انگاری است. جرم انگاری را می توان «فرآیندی گزینشی» نامید که در این فرایند مقنن باید حتی در گزینش واژه ها نیز حساسیت و دقت داشته باشد. با اینکه

هدف مقنن از این ماده «جرم انگاری» بوده است اما از واژه «ممنوعیت» استفاده کرده است و نحوه نگارش ماده هیچ تفاوتی با اصل پنجاه قانون اساسی و ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ندارد. این درحالی است که ممنوع بودن عملی به معنای جرم بودن آن عمل نمی باشد. به عنوان مثال زمانی که در مکانی نوشته می شود «سیگار کشیدن ممنوع است»، این عبارت به این معنی نیست که فعل فوق در همه جا ممنوع است و یا سیگار کشیدن جرم است. اما وقتی گفته می شود «سیگار کشیدن جرم است» این فعل در همه مکان ها و زمان ها جرم محسوب می گردد. برخی معتقدند که قانون گذار نمی توانست از کلمه «جرم» استفاده نماید. زیرا در صورت استفاده باید در یکایک مواد این قانون کلمه را تکرار می کرد که در این صورت از یک سو کار بیهوده ای خواهد بود و از سوی دیگر جامع بودن و نیز ضرورت ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ در تعریف جرم از بین می رفت (قاسمی، ۱۳۸۰: ۱۱۲) و تفاوت این ماده با ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در همین است. اما باید توجه داشت وضع قوانین شفاف و بدون ابهام از لوازم حکومت مطلوب و از آثار حاکمیت قانون است. شاید برای یک قاضی هیچ تفاوتی میان ممنوع بودن و جرم بودن وجود نداشته باشد اما برای تابعان قانون لزوم وضع چنین قوانینی ذیل عنوان اصل شفافیت قانون یکی از عناصر مهم «اصل کیفیت قانون» می باشد (مودن زادگان و رهداریور، ۱۳۹۷: ۱۹۳). بی تردید استفاده از عبارت «جرم» به جای عبارت «ممنوع» علاوه بر «کارامدی» سبب می شود تا مردم نسبت به قوانین تصویب شده، تمکین بیشتری داشته باشند و از این رو، هدف قانون گذار که پذیرش و احترام به قانون از سوی مخاطبان آن است، به راحتی تحقق پیدا کند، زیرا عرف نیز موضوع متصف به جرم را بااهمیت تر از موضوع متصف به ممنوع می داند. جرم انگاری باید مرز دقیق میان آنچه مجاز و غیرمجاز است را ترسیم کند. و به مخاطبان این امکان را بدهد که تا بتوانند به سنجش این امر بپردازند که آیا اقدام آن ها در این سمت خط ترسیمی قرار دارد یا در آن سو؟

## ۵-۲- چالش مصادیق و محورها

یکی از چالش های بسیار جدی محورهای مقرر در ماده ۶۸۸ است. اگر چه تبصره دوم این ماده، اقدام علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست به صورت کلی تبیین و آن را در حیطه سه عنصر آب، هوا، خاک یا زمین محاط کرده است، اما نمی توان موضوع تهدید علیه بهداشت را صرفاً در حول محورهای مقرر در ماده ۶۸۸ منحصر دانست. به عنوان نمونه اگر آلودگی صوتی را داخل در این نوع جرائم محسوب نکنیم منظور از بهداشت را صرفاً بهداشت جسمی تلقی کرده و نسبت به بهداشت روحی و روانی غافل خواهیم بود در حالی که دوره مدرنیته با خود تعریف و مفهوم جدیدی از بهداشت و سلامت را به ارمغان آورده است. در چند دهه اخیر، تعریف سازمان بهداشت جهانی از بهداشت به طور فزاینده ای توسط بعد چهارم - بهداشت معنوی و روحی و روانی اصلاح و تکمیل شده است. (Donev, 2014: 318). آلودگی های صوتی نیز که موجب اختلال در بهداشت محیط و روح و روان انسان ها می شود اصولاً می بایست داخل در جرائم علیه بهداشت تلقی گردد. به همین دلیل نیز ماده ۲۹ قانون هوای پاک و مواد ۲۷ و ۳۲ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا ایجاد آلودگی صوتی را ممنوع و برای آن مجازات تعیین کرده اند. نکته مهم دیگری که نباید از یاد برد این است که ملاک اصلی استناد به ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) سال ۱۳۷۵ چیست؟ چه اقدامی تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته می شود و در نتیجه مشمول ماده فوق قرار می گیرد و چه اقدامی تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته نمی شود. مذاقه در ماده ۶۸۸ حکایت از آن دارد که تاکید مقنن بر فعل بوده و هیچ توجهی به ترک فعل نشده است. درحالی که چگونه ممکن است اقدام علیه بهداشت تنها به صورت فعل باشد. در صورتی که در موارد احصائی هیچ گونه اشاره ای به ترک فعل نشده است. قصور در پرداخت مالیات زباله ها به اندازه ریختن زباله در خیابان می تواند تهدیدی علیه بهداشت باشد. وقتی که مدیر کارخانه ای

که مواد آلاینده را وارد آب‌های عمومی می‌سازد، اگر پس از اطلاع آلوده‌سازی محیط به وسیله کارخانه تحت مسئولیت خود، اقدام به نصب دستگاه‌های تصفیه یا کاهش میزان آلودگی یا جلوگیری از آلودگی ننماید، به دلیل ترک فعل مشمول عنوان مجرمانه قرار می‌گیرد (انصاری، ۱۳۸۳: ۱۲۷) به تعبیر دیگر عنصرمادی این جرم اقدام علیه بهداشت عمومی و آلوده کردن محیط زیست است که از راه‌های مذکور در این ماده و راه‌های مشابه محقق می‌شود و ممکن است در قالب فعل مثبت یا منفی محقق شود (زراعت، ۱۳۸۲: ۱۲۷) وزارت بهداشت و درمان در نامه شماره ۱۰۷/۵۴۲/د به تاریخ ۱۳۹۹/۲/۸ از شیوع ویروس کرونا به عنوان جرمی علیه بهداشت یاد کرده که مرتکب به حبس تا یک سال محکوم خواهد شد جالب اینکه مبنای این جرم انگاری حضور در جامعه علیرغم آگاهی به داشتن آن بیماری توصیف شده است. ترک قرنطینه خانگی مورد توجه این دستورالعمل قرار گرفته است. این درحالی است که مورد فوق در ماده ۶۸۸ مقرر نشده است اما وزارت بهداشت و درمان تشخیص داده که حضور فرد مبتلا به ویروس علیرغم آگاهی به داشتن آن بیماری محکومیت به حبس تا یک سال را به دنبال دارد.

### ۵-۳- چالش ناشی از تعارض عام و خاص بر حسب زمان

از اصولی که رعایت آن در قانون‌گذاری ضروری است عدم تعارض مواد است؛ مواد قانونی باید به گونه‌ای تدوین شود که یکدیگر را نقض نکنند. هم چنین مواد قانونی نباید با اصول پذیرفته شده در آن تعارض داشته باشد. هر چند استثنا از اصول و قواعد کلی پذیرفته شده، امری رایج و مقبول است، اما قانون‌گذار نباید در اثر غفلت و بدون توجه به این اصول و قواعد، ماده‌ای را معارض با آن تدوین و تصویب کند، بلکه باید چنین باشد که ضمن دقت در تدوین آن، بارها توسط تدوین‌کنندگان آن و کارشناسان و استادان با تجربه به دقت مورد بررسی قرار گیرد تا آن چه می‌خواهد به تصویب برسد و به صورت قانون درآید تا حد ممکن از آسیب‌ها از جمله تعارض مواد با یکدیگر به دور باشد و پس از آن نیازی به توجیهات غیر مطابق با واقع نباشد. به ویژه آن‌گاه که قسمت‌های مختلف یک قانون در مقاطع زمانی مختلف تدوین و تصویب شود، چون در این صورت احتمال ناسازگاری قسمت‌های مختلف مواد با یکدیگر به جهت فاصله زمانی ایجاد شده و احیاناً تغییر تدوین‌کنندگان و تصویب‌کنندگان قسمت‌های متأخر بیشتر است (محمدی جورکویه، ۱۳۸۳: ۱۵۷). چالش تعارض را از چند جهت می‌توان در مورد ماده ۶۸۸ بررسی کرد. از یک سو در انتهای ماده قانون گذار اشاره می‌نماید که مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات‌های شدیدتر نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. به عبارتی زمانی که مجازات‌های قانون خاص در زمینه محیط زیست شدیدتر از مجازات مقرر در این ماده باشد، ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی قابلیت استناد ندارد این موضوع زمانی که مجازات قانون عام و خاص از یک نوع باشند قابل اجراست. اما مشکل جایی پیش می‌آید که نوع مجازات قانون خاص و عام از نظر ماهیت یکسان نباشند. زیرا برای برخی مجازات حبس مجازات شدید و برای برخی دیگر جزای نقدی مجازات شدیدتری محسوب می‌گردد. از سوی دیگر تعارض عام و خاص بر حسب زمان نیز چالش دیگری در اجرای ماده ۶۸۸ می‌باشد. به عنوان مثال قانون مدیریت پسماندها به طور خاص، جرایم و مجازات‌های پسماند را تخصیص داده است و مجازاتی که در ماده ۱۶ قانون مذکور که مؤخر بر قانون مجازات اسلامی است، در ارتباط با پسماند حداقل ۵۰۰/۰۰۰ ریال تا حداکثر ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین نموده است. حال آیا با توجه به اینکه قانون مدیریت پسماندها قانونی خاص و مؤخر است، در ارتباط با مجازات جرم مربوطه، آیا ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی را که قانونی عام و مقدم است را در زمینه پسماند تخصیص نمی‌دهد؟ چالش تعارض در خود ماده ۶۸۸ نیز وجود دارد. باتوجه به مراجع متعدد تشخیص و اعلام اقدام علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست کاملاً واضح است که ممکن است اقدامی هم صلاحیت تهدید علیه بهداشت عمومی و هم

آلودگی محیط زیست تشخیص داده شود. هم چنین ممکن است فردی مرتکب مصادیق متعدد آلودگی محیط زیست یا تهدید بهداشت عمومی شود. حال در چنین وضعیتی معلوم نیست آیا باید این دو را از مصادیق تعدد واقعی و تعدد معنوی فرض کرد یا باید فقط صحبت از جرم تهدید علیه بهداشت عمومی نمود.

#### ۴-۵- چالش معیار تشخیص و ارزیابی

از سوی دیگر در مورد آستانه اقدام، معیار مشخصی ارائه نشده است. به عنوان مثال، ریختن زباله در خیابان ها از جمله اقدامات مذکور در این ماده است. ریختن زباله یک عنوان عام است و از یک شیء کوچک مانند دفع غیربهداشتی «ماسک» و «دستکش» آلوده به ویروس کرونا تا ریختن خروارها زباله را شامل می شود. روشن است که هر گونه ریختن زباله در خیابان را نمی توان از مصادیق این ماده دانست زیرا مصادیق این ماده چنانکه در صدر آن اشاره شده است شامل اقداماتی است که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود. حال پرسش این است که آستانه اقدام براساس چه معیار کمی یا کیفی است؟ چه میزان ریختن زباله به خیابان جرائم علیه بهداشت عمومی تلقی می شود وانگهی چگونه می توان مسئله را به این سادگی حل کرد که ریختن «ماسک» و «دستکش» آلوده به ویروس کرونا را نمی توان از مصادیق این ماده دانست. اگر منظور حجم آلودگی باشد باید گفته شود ماده ای به اندازه «ماسک» آلوده به ویروس کرونا هم می تواند فاجعه به بار آورد. همان طور که یک ویروس بین ۸۰ تا ۱۶۰ نانومتر جهان را به پاندومی خود دچار کرد. وانگهی از منظر حقوق محیط زیست و قربانی شناسی جرائم زیست محیطی تفاوتی میان پژمردن یک برگ گل یا بیابان کردن یک جنگل وجود ندارد. این نوع از قانون گذاری راه را برای تفسیرهای ناروا باز می گذارد چراکه ممکن است ارزیابان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، ریختن یک کیسه زباله در خیابان را نیز به عنوان اقدامی علیه بهداشت عمومی تلقی کنند حال آنکه قطعا عرف چنین تلقی را از این رفتار نخواهد داشت. از سوی دیگر نه تنها مقنن در ماده ۶۸۸ هیچ نوع معیاری برای ارزیابی تشخیص جرائم محیط زیستی ارائه نداده است بلکه با نگاهی پیامدگرای مقطعی (مستنبط از ماده ۱ آیین نامه بهداشت محیط) اثرات بلندمدت اقدامات تهدید کننده بهداشت عمومی و آلودگی محیط را از گستره جرم انگاری قانون گذار خارج کرده است. به عبارت روشن تر ممکن است اقدامی آثار زیانبار مقطعی نداشته باشد و از نظر ارزیابان مراجع تشخیص به عنوان اقدامات تهدید کننده بهداشت عمومی و یا آلودگی محیط محسوب نگردد اما در واقعیت اثرات آن در بلندمدت نمایان گردد.

#### ۵-۵- چالش عدم تناسب در مجازات و بازدارنده نبودن مجازات موجود

قانون گذار بدون توجه و تفکیک میان اقدامی که زشتی آن بیش از حد است و عمل ممنوعه ای که قبح کمتری دارد یک نوع مجازات را پیش بینی کرده است. در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی قانون گذار اعلام می دارد که مرتکبین به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. با اینکه هرگز نمی توان ریختن سم در رودخانه با ریختن زباله در خیابان را در یک حد و درجه از وخامت دانست اما هردو اقدام، پاسخ کیفری یکسانی دریافت خواهند کرد. نداشتن حداقل مناسب نیز اشکال دیگری است که نباید آن را ندیده گرفت. اگر دادگاهی برای آلوده کردن آب آشامیدنی از پاسخ کیفری یک روز حبس استفاده کرد بدون تردید اقدام وی مخالفتی با این ماده نخواهد داشت؛ اما آیا یک روز حبس می تواند پاسخ حمایتی کیفری مناسبی برای این آلودگی باشد؟ لذا چالش عدم تناسب مجازات های پیش بینی شده توسط قانون گذار با شدت رفتارهای مجرمانه موضوعی است که باید مورد توجه قرار بگیرد. به این معنا که با توجه به جایگاه محیط زیست در زندگی انسان و گستردگی بزه دیدگان جرایم زیست محیطی شایسته است، تا کیفر این دسته از

جرایم حداقل اهداف مجازات ها را برآورده نماید، در حالی که رویه محاکم کشور نشان می دهد اغلب نسبت به مجرمین زیست محیطی تنها به مجازات جزای نقدی و یا حبس های کوتاه مدت اکتفا می شود که اهداف مجازات ها از جمله ارعاب آمیز بودن و دارا بودن قدرت بازدارندگی را برآورده نمی سازد، در نتیجه این امر خود موجب تجری مرتکبین این نوع جرایم می شود. از سوی دیگر صرف صدور حکم به مجازات حبس، ملازمه ای با رفع وضعیت تهدید آمیز ندارد و در برخی موارد کمک چندانی به رفع وضعیت تهدید آمیز نمی کند. لذا این پرسش مطرح می شود که آیا دادگاه کیفری می تواند علاوه بر تعیین مجازات حبس برای شخص حقیقی متهم به تهدید علیه بهداشت عمومی از طریق دفع غیربهداشتی فاضلاب (موضوع ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵) به درخواست اداره اعلام کننده جرم، حکم به رفع اقدام یا فعالیت تهدید آمیز نیز صادر نماید؟ به نظر می رسد در جرایم موضوع ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی، به چند علت، دادگاه نمی تواند حکم به رفع اقدام یا فعالیت تهدید آمیز صادر نماید. طبق ماده ۶۸۸ مجازات اسلامی (تعزیرات، مصوب ۱۳۷۵)، دادگاه کیفری در این موارد فقط مکلف به صدور حکم به مجازات حبس است و نمی تواند شخص متهم را به جز مجازات حبس به چیز دیگری محکوم نماید؛ در صورتی که چنین کند برخلاف اصل قانونی بودن جرم و مجازات ها عمل کرده است.

#### ۵-۶- چالش تعیین مجرم در آلودگی های زیست محیطی

چنان که در ویژگی های جرائم تهدید بهداشت عمومی و محیط ذکر گردید احتمال ارتکاب جرایم مقرر در ماده ۶۸۸ توسط اشخاص حقیقی و حقوقی و یا عمومی و خصوصی وجود دارد. بسیاری از آسیب های محیط زیستی می تواند ناشی از اقدامات سازمان ها و شرکت های دولتی یا عمومی باشد که در عرصه صنایع و تامین انرژی کلان کشور متصدی هستند. حال پرسش این است که در شرکت های آلاینده محیط زیست، مسئولیت کیفری متوجه چه کسی است شرکت، کارگزاران شرکت، یا هر دوی آن ها؟ نظام حقوقی کشور ایران، اکنون مسئولیت کیفری شخص حقوقی را پذیرفته و ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی به عنوان مقرر ای عام در پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی در ایران شناخته می شود. هر چند این ماده اصل را بر مسئولیت شخص حقیقی قرار داده است که این امر ناشی از مبنای پذیرش مسئولیت کیفری شخص حقوقی در ایران است. چراکه نظام حقوقی ایران، مسئولیت کیفری شخص حقوقی را بر اساس نظریه سی مسئولیت نیابتی پذیرفته که البته از نوع مسئولیت اشتقاقی است زیرا در این حالت شخص حقوقی زمانی مسئولیت کیفری دارد که لزوماً از شخص حقیقی دارای سمت قانونی در آن، خطایی سر زده باشد. اما تبصره ماده ۲۰ در ادامه، بسیاری از اشخاص حقوقی را صراحتاً از شمول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مستثنا کرده است: «مجازات موضوع این ماده، در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیردولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می کنند، اعمال نمی شود» (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۷). بند ۱۳ ماده ۳ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳ در راستای تعیین مجرم در آلودگی های زیست محیطی مقرر می دارد: «منظور از مسئول، شخص حقیقی است که اداره یا تصدی منابع مولد آلودگی از قبیل کارخانجات، کارگاه ها و سایر تاسیسات صنعتی را خواه برای خود و خواه به نمایندگی از طرف شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر به عهده داشته یا شخصاً به طرق مختلف عامل ایجاد آلودگی است». مطابق ماده ۱۱ و ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ «صاحبان» یا «مسئولان» مورد اخطار سازمان حفاظت محیط زیست قرار می گیرند تا ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند. این تشتت دیدگاه های مفسن برخی را به پذیرش نظریه تقصیر جمعی (تجمع یا انباشت) سوق داده و معتقدند که شخص حقوقی و کارگزاران آن توأمان دارای مسئولیت هستند (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

چالش تعیین مجرم در آلودگی های زیست محیطی را می توان در آرای صادره نیز مشاهده کرد. شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان ساری طی دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۱۵۱۱۶۰۱۵۲۲ مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۱۳ مدیر مجتمع همایش های علمی دانشگاه تهران (فرح آباد) را به استناد ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی و به جهت عدم نصب تصفیه خانه فاضلاب و در نتیجه آلودگی دریای خزر به اقدام علیه بهداشت عمومی محکوم کرد. این در حالی است اولاً مجتمع مذکور فاقد شخصیت حقوقی مستقل بوده و دانشگاه تهران باید مشتکی عنه واقع می شد و ثانیاً مدیر مجتمع مذکور فاقد سمت برای ابلاغ اوراق قضایی مرتبط با دانشگاه به وی بوده است **(دادنامه شماره ۹۷۰۹۹۷۱۵۱۱۶۰۱۵۲۲ مورخ ۹۷/۱۱/۱۳ شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان ساری)**. یا در پرونده شماره کلاسه ۸۷۰۵۵۱ موجود در یکی از ادارات کل حفاظت محیط زیست، در سال ۱۳۸۷ از مدیر عامل کشتارگاه دامی که وابسته و تحت نظر شهرداری بوده به جرم تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست به واسطه هدایت فاضلاب صنعتی به صورت خام و بدون هرگونه عملیات تصفیه، پس از بی توجهی مدیریت واحد به مفاد اخطاریه های متعدد، اعلام جرم می نماید. متهم در دفاعیات خویش بیان می کند: که وی از خود اختیاری نداشته و منسوب شهردار می باشد و صرفاً از شهردار دستور گرفته و اگر جرمی واقع گردیده، مسئولیت آن بر عهده شهردار می باشد؛ نه وی. دادگاه بدوی نیز به همین استناد مدیر عامل کشتارگاه دام را تبرئه می نماید. در صورتی که به استناد بند ۱۳ ماده ۳ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب مصوب ۱۳۷۳ ادعای مدیر کشتارگاه، فاقد وجاهت حقوقی، و دادنامه صادره از سوی دادگاه بدوی دارای ایراد است.

#### ۵-۷- چالش میان کاربرد واژه تهدید و مقید به نتیجه بودن مصادیق آلودگی

استفاده مقنن از واژه «تهدید» نشان می دهد که قانون گذار به ارزش ذاتی محیط زیست توجه داشته و به اهمیت مداخله کیفری قبل از حصول نتیجه واقف بوده است زیرا تهدید واژه ای است که احراز آن نیازی به تحقق لطمه و آسیب ندارد. همین که فعلی نامتعارف و مغایر با حقوق محیط زیستی باشد حتی اگر نتایج زیانبار مشهودی نداشته باشد می تواند تهدید محسوب گردد. لذا آنچه از مفهوم و منطوق ماده مذکور و واژه تهدید استنباط می گردد، این است که تحقق فعل تهدید علیه بهداشت عمومی، حتی اگر صدمه و آسیب به بهداشت وارد نسازد، جرم و مجازات را در پی خواهد داشت. اما مذاقه در مصادیق ماده ۶۸۸ و سایر قوانین محیط زیستی حکایت از آن دارد که در حقوق ایران بیشتر جرائم زیست محیطی در طبقه بندی جرائم مقید قرار دارند این در حالی است که همان طور که مناسب ترین مینا برای مسئولیت در قبال محیط زیست، با توجه به ویژگی های زیست محیطی و فلسفه و روح کلی حاکم بر حفاظت محیط زیست، نظریه مسئولیت محض است **(همتی، ۱۳۹۷: ۲۲۴)** از نظر لحاظ مطلق و مقید بودن نیز اصولاً با توجه به طبیعت بیشتر جرائم زیست محیطی که ناشی از عدم ایجاد نتیجه سریع از یک طرف و یا مشکل تشخیص عامل جرم به نحو مشخص و یا در خصوص مشکل بعد مسافت از طرفی دیگر، باید جرائم زیست محیطی را در طبقه بندی جرائم رفتاری و یا جرائم مطلق مورد بررسی قرار دارد **(سلمان زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱)**. لذا بهتر است که در جهت تبدیل آن ها به جرائم مطلق اقدام قانونی به عمل آید.

#### ۶- نتیجه گیری و پیشنهادها

در قوانین و مقررات ایران اقدام علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست (جرم زیست محیطی) گاهی به شکل عام و در مواردی به گونه خاص مورد توجه واقع شده است. در پاره ای از مقررات قانونی، آلودگی محیط زیست به طور کلی مطرح شده است و در

برخی دیگر از آلودگی اجزای محیط زیست اعم از اجزای جاندار و غیر جاندار به طور جداگانه سخن گفته شده است. هم چنین در برخی متون قانونی، از کلمه ممنوع استفاده شده و متضمن رفتارهای آلاینده که اصولاً جرم زیست محیطی تلقی می شوند را همراه با این کلمه مورد توجه قرار داده است و در پاره ای از این مقررات بدون آن که از این کلمه استفاده شود، پس از عنوان کردن اقدامات و رفتارهایی که جرم تلقی شده اند، بدون درنگ از مجازات سخن به میان آمده است. ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی تنها ماده قانونی است که توسط مقنن در خصوص تهدید علیه بهداشت عمومی انشاء گردیده است و بس مهم و در خور توجه، به نحوی که این ماده از پرکاربردترین ماده های قانونی در امور کیفری محیط زیست می باشد. با وجود مفید بودن این ماده قانونی و پر نمودن خلاء های جرم انگاری با توجه به معنای عام خود در حوزه محیط زیست و بهداشت عمومی، موجب ابهامات و تحلیل های مختلفی از سوی حقوقدانان شده است از جمله کاربرد واژه های مبهم موجب برداشت های مختلف شده است این در حالی است که در وضع کنونی باید با به کار بردن قواعد تفسیر از جمله قاعده عدم دخالت مقنن کیفری جز در موارد کاملاً ضروری، تفسیر قانون کیفری در پرتو قانون اساسی، اصل قانونی بودن جرم و مجازات، تفسیر مضیق قوانین کیفری و تفسیر به نفع متهم از تفاسیر ناروا و نا قانونی در این زمینه جلوگیری کرد. هم چنین دقت در مصادیق ماده ۶۸۸ حاکی از آن است که صرف اینکه رفتارهای مصرح در ماده رخ بدهند جرم مذکور قابل تحقق نخواهد بود بلکه باید این رفتارها تهدیدی علیه بهداشت عمومی شناخته شوند. از این حیث می توان به رویکرد قانون گذار انتقاد وارد کرد، چراکه از جرم شناسی سبب عملی است که داشتن قصد به منظور آسیب ساندن و یا داشتن پتانسیل آسیب رساندن به سیستم اکولوژیکی و یا بیولوژیکی برای پیش بینی مجازات کافی است. چرا که طبیعت دارای ارزش ذاتی در فرایند بهره مندی و استفاده انسان از منابع طبیعی و محیط است امری که نه در قوانین ایران به آن توجه می شود، نه رویه دادگاه های ایران مطابق با این مبنا است. با لحاظ این موضوع و در راستای جلوگیری از تعابیر متعدد، به نظر می رسد ماده مذکور می بایست به طور جدی مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفته، به طوری که با اضافه شدن تدریجی قوانین خاص محیط زیست در زمان آینده، این ماده بتواند انسجام و وجاهت حقوقی خود را به طور مطلوب و شایسته حفظ نماید.

### منابع

- ۱) اسلامی تبار، شهریار؛ واعظ، بهنام؛ سلیمانی، افشین (۱۳۸۱)، «نگاهی اجمالی به تحولات بهداشت و جوانان»، فصلنامه پژوهشی کاربردی مطالعات جوانان، شماره ۱، ۱۷۲-۱۸۸
- ۲) انصاری، باقر (۱۳۸۳)، «مطالعه تطبیقی حقوق حاکم بر محیط زیست آبی در حقوق موضوعه ایران»، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، نشر برگ زیتون: ۳۰۱-۳۹۰
- ۳) اوریا، احد؛ فارسی جانی، علی (۱۳۹۷)، «بررسی تأثیر شیرابه زیاله بر رفتارهای مقاومتی خاک های رسی با خاصیت خمیری زیاد و کم»، نشریه مهندسی عمران امیرکبیر، دوره ۵۰، شماره ۶، ۱۰۸۱-۱۰۹۲
- ۴) باباخانی، عرفان (۱۳۹۸)، «جرایم زیست محیطی سازمان یافته با تاکید بر حقوق فرانسه»، فصلنامه کارگاه، سال سیزدهم، شماره ۴، ۲۸-۵۲
- ۵) بوتکیل، دانیل (۱۳۸۱)، «شناخت محیط زیست»، ترجمه: وهاب زاده، عبدالحسین، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد، چاپ اول
- ۶) پارسا، علیرضا (۱۳۷۷)، «محیط زیست و حقوق بشر: بررسی حق برخورداری از محیط زیست سالم و شایسته به عنوان حق بشری»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، دوره ۱۳، شماره ۱

- (۷) پرویزی فرد، آیت‌الله؛ رضائی، بیژن (۱۳۹۶)، «تبیین و تفسیر فقهی و حقوقی بیماری‌ها و صدمات مسری و واگیردار»، مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره سوم، شماره ۴
- (۸) پوربافرانی، حسن؛ همتی، مرضیه (۱۳۹۵)، «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست محیطی»، مجلس و راهبرد، دوره ۲۳، شماره ۸۷
- (۹) حاتمی، حسین (۱۳۹۲)، «کتاب جامع بهداشت عمومی»، تهران: دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، چاپ سوم
- (۱۰) حاجیوند، امین و دیگران (۱۳۹۷)، «مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه علوم محیطی، دوره ۱۶، شماره ۲
- (۱۱) حیدرزاده، الهام؛ مظفری زاده، سجاد (۱۳۹۲)، «پیشگیری از جرایم زیست محیطی، اخلاق زیستی»، دوره ۳، شماره ۷
- (۱۲) خسروشاهی، قدرت‌الله؛ احمدی، اصغر؛ شاملو، باقر (۱۳۹۶)، «حمایت کیفری از محیط زیست شهری در حقوق کیفری ایران»، اقتصاد شهری، دوره ۲، شماره ۲
- (۱۳) دبیری، فرهاد (۱۳۸۳)، «مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست»، تهران: نشر سازمان حفاظت محیط زیست
- (۱۴) راد، محسن (۱۳۸۲)، «مروری بر پیشینه آلودگی هوا، منابع و راه‌های پیشگیری»، ماهنامه علمی، آموزشی و پژوهشی شرکت نفت پارس، دوره ۷، شماره ۸۲
- (۱۵) رضوانیان، میثم (۱۳۹۸)، «بررسی کیفری جرم تهدید علیه بهداشت عمومی در نظام جزایی»، همایش علمی پژوهشی فقه و حقوق اسلام، موسسه قانون یار، شماره ۱۴
- (۱۶) زاهدیان‌تجنکی، محمدحسین؛ شامبیاتی، هوشنگ؛ نجفی توانا علی (۱۴۰۰)، «کالاسازی محیط زیست، جرم پنهان دولت‌ها»، انسان و محیط زیست، دوره ۱۹، شماره ۲
- (۱۷) زراعت، عباس (۱۳۸۲)، «شرح قانون مجازات اسلامی»، بخش تعزیرات ۳، تهران: نشر ققنوس
- (۱۸) زراعت، عباس (۱۳۹۲)، «حقوق جزای عمومی او ۲»، تهران: انتشارات جنگل، چاپ دوم
- (۱۹) سلمان زاده، جعفر؛ اصلانی، زینب؛ محمدی، تیمور (۱۳۹۸)، «بررسی فقهی حقوقی مبنای مسئولیت افراد در قبال آسیب‌های زیست محیطی»، اولین کنفرانس بین‌المللی و چهارمین کنفرانس ملی صیانت از منابع طبیعی و محیط زیست.
- (۲۰) شاملو، باقر؛ دانش‌ناری، حمیدرضا (۱۳۹۷)، «نقش فرهنگ سازمانی شرکت‌ها در ارتکاب جرائم زیست محیطی؛ نمونه پژوهی کارخانه‌های مشهد»، مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)، دوره ۱۰، شماره ۴
- (۲۱) عبدالهی، محسن (۱۳۸۶)، «حمایت کیفری از محیط زیست، تاملی بر بایسته‌های حقوق کیفری محیط زیست»، مجله علوم محیطی، دوره ۵، شماره ۱
- (۲۲) عمید، حسن (۱۳۶۱)، «فرهنگ عمید»، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هفدهم.
- (۲۳) فرید، محمدامین؛ روزبه، عسکر (۱۳۹۵)، «سیاست جنایی اسلام در قبال جرایم زیست محیطی»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، دوره اول، شماره ۲
- (۲۴) فیض، علی رضا (۱۳۶۹)، «مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام»، جلد اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.

- ۲۵) قاسمی، ناصر (۱۳۸۶)، «مبانی تحقق جرائم زیست محیطی، فصلنامه دیدگاه های حقوقی»، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری شماره ۴۱
- ۲۶) قلی پور، فرزانه (۱۳۹۲)، «حمایت کیفری از هوا و آب»، پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق.
- ۲۷) قوام، میرعظیم (۱۳۷۵)، «حمایت کیفری از محیط زیست»، تهران، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، چاپ اول.
- ۲۸) کردی شاهدهی، حسام (۱۳۹۶)، «بررسی مسئولیت کیفری در جرم های زیست محیطی»، کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی، دوره دوم.
- ۲۹) کوشکی، غلامحسین (۱۳۸۸)، «چالش های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست محیطی»، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۱۷
- ۳۰) محمدی جور کویه، علی (۱۳۸۳)، «نقد ساختار قانون مجازات اسلامی»، فقه و حقوق، شماره ۱
- ۳۱) معین، محمد (۱۳۶۰)، «فرهنگ فارسی»، جلد سوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
- ۳۲) موذن زادگان، حسنعلی؛ رهدارپور، حامد (۱۳۹۷)، «اصل شفافیت قانون و جایگاه آن در رویه قضایی دیوان اروپایی حقوق بشر و حقوق کیفری ایران»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۸۱
- ۳۳) موسوی مجاب، سید درید؛ رفیع زاده، علی (۱۳۹۴)، «دامنه مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی»، حقوق کیفری، دوره ۴، شماره ۱۳، شماره پیاپی ۱۳
- ۳۴) نجات، سید امین؛ دبیری، فرهاد (۱۳۹۴)، «بررسی چالش های کیفری ناشی از اجرای ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی»، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره ۲
- ۳۵) همتی، مجتبی (۱۳۹۷)، «اقامه دعوی جبران خسارت زیست محیطی در نظام حقوق ایران»، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۸۱
- 36) Bustreo F., Hunt P., Gruskin S., et al. (2013). Women's and children's health: Evidence of impact of human rights, Geneva: WHO, p. 20.
- 37) Department of Health, Essence of Care: Patient-Focused Benchmarking for Health Care Practitioners London: The Stationery Office, 2001.
- 38) Donev D. (2014) Toward the fourth dimension of health-the spiritual health", Vox Medici; 23: 318-21.
- 39) Fattah, Ezzat. (1997). "Criminology: past, present and future, a critical overview", S.T.Martis press Inc, Macmillan, Press LTD ,
- 40) International Documents
- 41) Mann J., Gostin L., Gruskin S., et al. (1994), "Health and human rights", Health and Human Rights: An International Journa, 1(1):19.
- 42) Preston, Brian J. (2018). "The Evolving Role of Environmental Rights in Climate Change Litigation", Chinese Journal of Environmental Law, Volume 2: Issue 2, pp.131-164.
- 43) The International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR) is a multilateral treaty adopted by the United Nations General Assembly (GA) on 16 December 1966 through GA. Resolution 2200A (XXI).



- 44) United Nations Environment Programmed (2017). "The Status of Climate Change Litigation", A Global Review, ISBN No: 978-92-807-3656-4, Job No: DEL/2110/NA. Publishing Services Section, Nairobi, ISO 14001:2004-certified. D1 No: 17-02953/100.
- 45) Winslow, Charles-Edward Amory (1920). "The Untilled Field of Public Health", Modern Medicine, 2:



## چالش‌های فرا روی امنیت ملی در پرتو اعمال دکترین مسئولیت حمایت

### (با تأکید بر تکوین گروه‌های تکفیری در عراق)

نویسندگان	وابستگی سازمانی
فاطمه احدی *	دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
رسول فرنودفر	دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله	«مسئولیت حمایت»، در واقع پذیرش تعهد و وظیفه حمایت از انسان‌ها در برابر ۴
صفحه	جرم نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و پاکسازی قومی در سه بعد
دوره ۱، شماره ۱	«پیشگیری»، «واکنش» و «بازسازی» است. مداخله نظامی در قالب دکترین
اطلاعات نویسنده مسئول	مسئولیت حمایت در عراق باعث سقوط نظام حاکم و به تبع آن از بین رفتن زیر
نویسنده مسئول	ساخته‌های نظامی، انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی آن کشور شد. بنابراین حاکمیت ملی
کد ارکید	و امنیت ملی آن کشور دچار اضمحلال شدند. هدف این مقاله آسیب‌شناسی
تلفن	دکترین مسئولیت در خصوص ظهور و پیدایش گروه‌های سلفی تکفیری در عراق
ایمیل	می‌باشد. اساس کار، مطالعه بر روی ظهور و قدرت‌گیری گروه‌های سلفی تکفیری
سابقه مقاله	در عراق می‌باشد. میزان موفقیت این مقاله با استناد به نتایج به دست آمده مثبت
تاریخ دریافت	بوده و بر اساس آن مشاهده شد که دکترین مسئولیت در صورتیکه موفق به از بین
تاریخ ویرایش	بردن نظام ظالم شود، امنیت ملی و حاکمیت ملی کشوری که مورد تهاجم قرار
تاریخ پذیرش	گرفته را بر هم می‌ریزد، سالها طول می‌کشد که آن کشور خود را بازسازی کرده
تاریخ انتشار	و به توان امنیتی کافی برسد. در پی خلاء امنیتی در عراق، تولد و رشد گروه‌های
روش پژوهش	تکفیری و سایر گروه‌های نژادی و مذهبی، در پی اعمال دکترین مسئولیت حمایت
	و حمله نظامی آمریکا به عراق مشاهده می‌شود. این آسیب در این مقاله بصورت
	تخصصی مورد کنکاش قرار گرفته است.
واژگان کلیدی	دکترین مسئولیت حمایت، گروه‌های تکفیری، امنیت ملی
توضیحات	
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.	
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.	
نحوه استناد	احدی، فاطمه؛ فرنودفر، رسول (۱۴۰۳)، چالش‌های فرا روی امنیت ملی در پرتو اعمال دکترین مسئولیت حمایت (با تأکید بر
دهی	تکوین گروه‌های تکفیری در عراق)، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین در جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۵۵ - ۶۶

**Challenges Facing National Security in the Light of the Application of the Doctrine of Responsibility for Protection (With Emphasis on the Formation of Takfiri Groups in Iraq)**

Authors		Organizational Affiliation
<b>Fatemeh Ahadi*</b>		Associate Professor, Department of Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
<b>Rasool Farnoodfar</b>		Master's Student, Department of International Law, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Article Information		Abstract
<b>Article Type</b>	Research	The "responsibility of protection" is actually accepting the obligation and duty to protect people against the 4 crimes of genocide, war crimes, crimes against humanity and ethnic cleansing in three dimensions: "prevention", "reaction" and "reconstruction". Military intervention in the form of the doctrine of the responsibility of protection in Iraq caused the downfall of the ruling system and, as a result, the destruction of the military, law enforcement, security and intelligence infrastructures of that country. Therefore, the national sovereignty and national security of that country collapsed. The purpose of this article is the pathology of the doctrine of responsibility regarding the emergence of Takfiri Salafi groups in Iraq. The basis of the work is the study of the emergence and strengthening of Takfiri Salafi groups in Iraq. The success rate of this article is positive based on the obtained results, and based on it, it was observed that the doctrine of responsibility, if it succeeds in destroying the oppressive system, will disrupt the national security and national sovereignty of the country that was invaded. It will take years for that country to rebuild itself and reach sufficient security capacity. Following the security vacuum in Iraq, the birth and growth of takfiri groups and other racial and religious groups can be seen following the application of the doctrine of responsibility for support and the US military attack on Iraq. This damage has been specially explored in this article.
<b>Pages</b>	55 - 66	
<b>Volume 1, Issue 1</b>		
Corresponding Author's Info		
<b>Corresponding Author's</b>	Fatemeh Ahadi*	
<b>ORCID</b>	0000-0000-0000-0000	
<b>Tell</b>	09143181349	
<b>Email</b>	fatemeh.ahadi1394@gmail.com	
Article History		
<b>Received</b>	2024/07/31	
<b>Revised</b>	2024/09/05	
<b>Accepted</b>	2024/09/15	
<b>Published</b>	2024/09/22	
<b>Online:</b>		
<b>Research Method</b>	Descriptive Analytical	
Keywords		<i>Doctrine of Responsibility for Protection, Takfiri Groups, National Security</i>

**Description**

*All rights to this article belong to the authors.*

*Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.*

**How to Cite This Article** Ahadi, Fatemeh; Farnoodfar, Rasool (1403), Challenges Facing National Security in the Light of the Application of the Doctrine of Responsibility for Protection (With Emphasis on the Formation of Takfiri Groups in Iraq), Scientific Quarterly of Modern Researches in Criminology, Volume 1, Number 1, Pages 55 - 66

## ۱- مقدمه

انسان با علم خلق شد و ذات مقدس باریتعالی بر این مخلوق و صنعت خویش در آیه ۱۴ سوره مومنون اینگونه فرمود: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ»<sup>۱</sup>. انسان عاقل و مدبر و انسان اندیشمند متصل به روحی که خالق بر روی وی دمیده بود بر زمین حکومت کرد و وظیفه اصلی خویش یعنی عبادت و ذکر خداوند متعال را در همه حال به جا آورد. خداوند در آیه ۴۴ سوره اسراء فرموده اند: «تَسْبِيحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا»<sup>۲</sup>. تعقل و تولید علم را باید بزرگترین عبادت خداوند متعال دانست. خدایی که در بدو نزول قرآن بر پیامبرش دستور داد بخواند. از محمد (ع) خواست بخواند و او خواند. به نام خداوندی که انسان را از خون بسته آفرید. خداوند آفرید و انسان هم هنرمند شد. این مخلوق صنعتگر اندیشید و پله‌های ترقی را طی و علوم انسانی را دریافت و تبیین کرد. هنری که امروزه شتاب بسیاری به خود گرفته تا بلکه ذره‌ای علم خالق را کسب کند. بی تردید «حق» یکی از مهمترین اجزای مقوم «اخلاق»، «حقوق» و «سیاست» در دنیای مدرن است. علم بشر و هم آمیختگی این عناصر ذکر شده در بالا دست به دست هم دادند و قاعده جدید «دکترین مسئولیت حمایت» را برای حمایت از مظلومان و ستم دیدگان پدید آوردند. دکترین مسئولیت حمایت با معنای مدرن و بازتعریفی کاملتر از مداخله بشردوستانه امروزه بعنوان یک رویداد امیدوارکننده در دفاع از مردم بی پناه شکل گرفته است که در کنار محاسن دارای آسیب‌هایی است که در این مقاله سعی شده به یکی از مهمترین آسیب‌های آن یعنی ظهور و تولد گروه‌های سلفی تکفیری در کشور عراق که با استفاده از دکترین مسئولیت حمایت و با حمایت سازمان ملل مورد تهاجم نظامی قرار گرفت بررسی گردد.

## ۲- مفهوم شناسی

اقتضای ورود به هر بحثی، آشنایی با الفاظ و اصطلاحات آن بحث است؛ چه را که برای فهم دقیق تر هر علمی، لازم است تا با واژه‌ها و اصطلاحات آن علم آشنا شد. در صورت عدم آشنایی با معانی و مفاهیم دقیق و صحیح اصطلاحات، تبیین مباحث با مشکل مغالطه مواجه خواهد شد، برای جلوگیری از این آسیبها، ضرورت ایجاد میکند معنای واژگان و اصطلاحات مهم بکار رفته در پژوهش روشن شود تا نتیجه گیری مشخص از مباحث امکان پذیر باشد. بر همین اساس در این قسمت از پژوهش به جهت آشنایی مخاطبین به بررسی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش خواهیم پرداخت.

## ۲-۱- مسئولیت حمایت

مسئولیت حمایت اشاره به «اصل مسئولیت حمایت»<sup>۳</sup> داشته و بر اساس آن، حکومت نه یک امتیاز، بلکه یک «مسئولیت» است که رهبران نسبت به آحاد مردم باید دارا باشند. این اصل با سه بعد پیشگیری، واکنش و بازسازی، به عنوان راه حلی در پاسخ به ضعف و کاستی نظام بین‌المللی در رویارویی با نقض عمده حقوق بنیادین بشری، از اواخر دهه نود میلادی وارد ادبیات حقوقی شده است.

<sup>۱</sup> آفرین بر (قدرت کامل) خدای که بهترین آفرینندگان است.

<sup>۲</sup> هفت آسمان و زمین و هر که در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است.

<sup>۳</sup> The Responsibility to Protect

هر حکومتی وظیفه دارد که از مردم خود علیه کشتار دست جمعی<sup>۱</sup>، جنایت جنگی<sup>۲</sup>، پاکسازی نژادی<sup>۳</sup> یا قومی و جنایت علیه بشریت<sup>۴</sup> حمایت کند. (محمدی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۲) این مسئولیت مستلزم پیشگیری از این گونه جنایات از طریق ابزارهای مناسب و ضروری است. بر این اساس یک حکومت نباید علیه مردم خودش به جنگ و کشتار دست بزند و این ستم را با «حق حاکمیت»<sup>۵</sup> و اصولی چون «عدم دخالت» و «برابری دولت‌ها» توجیه کند. اگر حکومتی از زیر بار این مسولیت شانه خالی کند و علیه مردم خودش به داغ و درفش متوسل شود و جنگ و کشتار دست جمعی راه بیندازد، جامعه بین‌الملل حق دخالت در آن کشور را دارد. (نژندی منش و همکاران، ۱۴۰۳: ۲۷۰) گزارش هزاره کوفی عنان در سال ۲۰۰۰ به مجمع عمومی جرعه آغاز بحث «مسئولیت به حمایت» بود. دولت کانادا در پاسخ به دبیر کل، کمیسیون بین‌المللی در خصوص مداخله و حاکمیت کشورها را در سال ۲۰۰۰ تشکیل داد. دستاورد این کمیسیون چیزی بود که در طی سالیان بعد به عنوان مسئولیت به حمایت در جامعه بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفت. در این گزارش، مفهومی جدید از حاکمیت<sup>۶</sup> ارائه شد، حاکمیت از معنای کنترل در مفهوم سنتی خود، که مفهومی غیر قابل تعرض بود، به حاکمیت در معنای مسئولیت تغییر پیدا کرد. مسئولیتی که در در وهله اول بر عهده کشور مربوطه و در صورت ناتوانی و یا عدم علاقه آن کشور در حفظ و حقوق بنیادین اتباعش، در مرحله دوم به جامعه بین‌المللی واگذار می‌شود. (شاملو و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۱) این مسئولیت درجه دوم، طیفی از تعهدات را به دنبال خود دارد: مسئولیت به پیشگیری، واکنش و بازسازی. در نتیجه این گزارش رویکرد جامعه بین‌المللی به مفهوم مداخله بشردوستانه نیز تغییر کرد. برخلاف مداخله بشردوستانه که صرفاً جنبه نظامی داشت، مسئولیت به حمایت اقدامات پیشگیرانه، سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی، آموزشی و بازسازی را نیز به این اصطلاح افزوده و مداخله نظامی را صرفاً به عنوان آخرین ابزار در نظر گرفته است. سر انجام در سال ۲۰۰۵ در اجلاس سران، در پاراگراف ۱۳۸ و ۱۳۹ دولت‌ها در ۳ محور با این مسئولیت موافقت کردند:

- مسئولیت حمایتی دولت‌ها در حمایت از اتباع خود در برابر ژنوسید، پاکسازی قومی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی
  - کمک‌های بین‌المللی در ظرفیت بخشی، یعنی کمک جامعه بین‌المللی به کشورها در اعمال این مسئولیت
  - پاسخ به موقع و قاطع جامعه بین‌المللی در مواردی که دولت مربوطه ناتوان از پاسخگویی به این وضعیت‌هاست.
- پیشگیری در محور اول و دوم بخش اصلی یک استراتژی موفق در زمینه مسئولیت به حمایت است. (عبداللهی و حسینی، ۱۴۰۲: ۱۳۸)

این ترتیبات در گزارش سال ۲۰۰۹ بان کی مون تحت عنوان «تحقق مسئولیت به حمایت» نیز آمده است. به موجب این اصل، کشورها در قبال وقوع ژنوسید (نسل‌کشی)، جرائم جنگی، پاکسازی قومی و جرائم علیه بشریت، در هر گوشه ای از جهان، مسئول حمایت از جان مردمان تحت ستم بوده و با کسب مجوز از سوی شورای امنیت، ابتدا به پیشگیری از علل ریشه ای و مستقیم بحران پرداخته و در صورت عدم کفایت این روش‌ها، با توسل به ابزارهای غیر نظامی و دیپلماتیک واکنش نشان خواهند داد. مداخله نظامی همواره به عنوان آخرین راه حل در نظر گرفته می‌شود. پس از بحران نیز جامعه بین‌المللی مسئول بازسازی ساختارهای در هم ریخته کشور بحران زده خواهد بود. مسئولیت حمایت که اکنون یک دهه از حیات آن می‌گذرد با ظرایف و ابعاد خود سهم مهمی در حفظ نظم و ثبات ملی و بین‌المللی و تحقق حقوق بنیادین، اخلاق و وجدان جمعی بشر در آینده خواهد داشت. (حبیبی و همکاران، ۱۴۰۲: ۴۵)

<sup>1</sup> WMD

<sup>2</sup> War Crimes

<sup>3</sup> Ethnic cleansing

<sup>4</sup> Crimes against humanity

<sup>5</sup> Sovereignty

<sup>6</sup> Authority

## ۲-۲- گروه های سلفی تکفیری

سلفی‌گری در معنای لغوی به معنی تقلید از گذشتگان، کهنه پرستی یا تقلید کورکورانه از مردگان است، اما «سلفیه» در معنای اصطلاحی آن، نام فرقه‌ای است که تمسک به دین اسلام جسته، خود را پیرو سلف صالح می‌دانند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعین دارند. آنان معتقدند که عقاید اسلامی باید به همان نحو بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است، یعنی عقاید اسلامی را باید از کتاب و سنت فراگرفت و علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، بپردازند. (اسماعیل زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۱) در اندیشه سلفیون، اسلوب‌های عقلی و منطقی جایگاهی ندارد و تنها نصوص قرآن، احادیث و نیز ادله مفهوم از نص قرآن برای آنان ارجحیت دارد. در حال حاضر یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غربیان گام برمی‌دارد. تا قبل از بهار عربی در منطقه مردمی که اخبار رسانه‌ها را مرور می‌کردند کمتر اسمی از سلفی و سلفیان میشنیدند، در بهبوه بهار عربی بود که مردم کوچه و بازار کم‌کم با اسم سلفیان آشنا شدند و جنایت‌هایی که هر روز رسانه‌ها از کشورهای عربی منطقه گزارش می‌دادند را رصد می‌کردند که جولانگاه مهم آنها سوریه و عراق و مصر بود. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۴: ۱۶) در پی اعلام این خبر سازمان دیده بان حقوق بشر این صحنه را جنایت جنگی تمام عیار توصیف کرد، سلفیان سوریه که قبل از این جنایت به مزار شریف حجر بن عدی هتک حرمت کرده بودند این بار خود را با جنایتی وحشیانه تر به جهانیان نشان دادند در پی اقدام شرم آور سلفی‌ها بر آن شدیم در مطلب زیر به بررسی ظهور این فرقه بپردازیم که از نظر می‌گذارید. سلفی‌ها روایات خود را مستقیماً از احمد بن حنبل (متولد ۲۴۱)، احمد بن تیمیه (متولد ۷۲۸)، ابن القیم الجوزیه (متولد ۷۵۱) و محمد بن عبدالوهاب تمیمی نجدی (متولد ۱۱۱۵-۱۲۰۶) می‌گیرند. سلفیه بعد از محمد بن عبدالوهاب به صورت یک شکل و ساختار سیاسی درآمد و هم‌پیمانی وی با محمد بن سعود پایه گذار حاکمیت آل سعود در عربستان به این روند تسریع بخشید. پیوند میان علما و حاکمان سعودی گرچه دچار تغییر و تحول شده است و شیوخ وهابی از برخی اختیارات خود از جمله بازداشت و امر قضا بازماندند اما در عین حال هنوز هم از وضعیت و جایگاه خوبی در نظام سیاسی سعودی برخوردار هستند. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۱۲۹) علاوه بر سرزمین حجاز، مصر نیز از تغییر و تحولات عقیدتی برکنار نماند و سلفی‌های این کشور با اقدامات و فعالیت‌های حسن‌البناء و جنبش اخوان المسلمین، سیر جدیدی در آموزه‌های عقیدتی اهل سنت تجربه کردند و باب‌های جدیدی برای این گروه جهت گشودن روزه‌های محدود اجتهاد باز شد. اما با مرگ زود هنگام حسن‌البناء جنبش اخوان المسلمین تحت تأثیر اندیشه‌های دو شخصیت، به نام‌های ابوالاعلی مودودی و سید قطب قرار گرفت و آنها ضمن تثبیت روش پای بندی به متون دینی بر اساس دیدگاه‌های خاص فقهی خود، دیدگاه تکفیر را پی‌ریزی کردند. سید قطب که تحت تأثیر اندیشه‌های ابن قیم جوزی در خصوص رفتار با اهل کتاب بود این اعتقاد را داشت که اهل کتاب تا زمانی که جزیه پرداخت می‌کنند می‌توانند در سرزمین‌های اسلامی با آرامش زندگی کنند در غیر این صورت مسلمانان باید با آنان به جهاد بپردازند. حمایت عربستان و کشورهای حاشیه‌ای خلیج فارس هماهنگی فراوانی میان سلفیون سنتی و جنبش اخوان المسلمین ایجاد کرد. از سویی دیگر دیدگاه ضد سوسیالیسم سلفیون جدید به خصوص در جریان جنگ‌های نیروهای جهاد افغانستان با شوروی مورد توجه شیوخ وهابی عربستان قرار گرفت. (ستوده و علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۹۸)

## ۳- ظهور گروه‌های سلفی و تکفیری در عراق

در پی مداخله نظامی آمریکا در عراق در قالب مسئولیت حمایت و بواسطه فقدان حاکمیت فراگیر حکومتی و نظامی در عراق و در سایه عدم تشکیل دستگاه‌های امنیتی و نظامی کلاسیک قوی، بخش‌هایی از این کشور، مخصوصاً نقاط قبیله‌ای، بعثی و سنی نشین به محل تجمع و سازماندهی گروه‌های تکفیری سلفی تروریستی تبدیل شد که زمینه ظهور و قدرت‌گیری این سازمان‌های تروریستی را فراهم آورد. (حاجی یوسفی و حسین زاده، ۱۳۹۷: ۲۷) در حال حاضر یک دولت شیعی در راس امور اجرایی عراق قرار دارد اما حضور عناصر شیعی منافعی برخی از سران منطقه، بعثی‌ها و گروه‌های تندروی سنی مذهب این کشور را به مخاطره انداخته است.

با توجه به وجود خاطره هشت سال دفاع ایران از مرزهای خود و حمایت همه جانبه سران عرب منطقه از صدام حسین در جنگ تحمیلی، تصویری از دیکتاتور بعثی به عنوان سرداری مدافع عربیت و مذهب اهل سنت در برابر خطر عجم های شیعی مسلک در باور سنیان عراق و سایر کشورهای منطقه چنان نفوذ کرده بود که تصور می کردند حضور ایرانیان در عراق و برقراری پیوند مستحکم میان شیعیان منطقه، حیات سیاسی عرب و نفوذ مذهب اهل سنت را به خطر خواهد افکند. گذشته از این، چون حوادث پیش آمده باعث تضعیف حزب بعث شده بود برای رهایی از این تنگنا، اتحادی استراتژیک میان سنیان ناراضی و عناصر حزب بعث شکل گرفت. از بعد مذهبی نیز القاعده امکان بیشتری را برای جولان دادن در مناطق سنی نشین یافت. (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۱) از این پس، روند خشونت در عراق شتاب بیشتری به خود گرفت و تکفیری ها در این کشور عرصه را برای اقدامات خود مناسب دیدند. گرچه وقوع جنگ مذهبی در خاورمیانه تا زگی ندارد اما افزایش چنین نزاع هایی در پاکستان و عراق به یک نگرانی عمده تبدیل شده است و متاسفانه نشست های مشترک شیعه و سنی که آخرین آن کنفرانس مکه در مهره ماه ۸۵ بود نتیجه ای قابل ملاحظه دربر نداشته است. یکی از عوامل مهم درگیری های خونین منطقه، بحث تکفیر شیعیان و مطرح کردن آن از سوی علما و روحانیون افراطی وهابی و سلفی است که باعث قربانی شدن بسیاری از شیعیان بی گناه در منطقه شده است. (پور سعید، ۱۳۹۰: ۲۱) جالب اینجاست که به جای برخورد مناسب و معقولانه با این پدیده و اعلام برائت از اقدامات خشن و سرکوبگرانه، در آذر ماه ۱۳۸۵ سی و هشت نفر از علمای سلفی عربستان سعودی در بیانیه ای ضمن ابراز تاسف از سقوط بغداد آن را توطئه مشکوک صلیبیون، روافض و صفویان دانستند و هدف از آن را حفاظت و حمایت از اشغالگران و تحدید نفوذ اهل سنت در منطقه و ایجاد هلال شیعه و تجزیه عراق به سه منطقه کردی، شیعی و سنی خواندند. کاملاً مشخص بود که در این نوع تقسیم بندی روافض یعنی شیعیان، صفویان همان ایرانیان و اشغال گران نیز سربازان صلیبی هستند. یکی از بهانه های مهم علمای اهل سنت برای بکارگیری حربہ تکفیر علیه شیعیان بحث غلو در مورد ائمه اطهار است. (حق پناه، ۱۳۸۷: ۶۳) توهین به صحابه و همسران پیامبر، عدم دخالت اهل سنت در مناصب سیاسی، ممانعت از احداث و تاسیس مسجد در برخی از مراکز شهری مدعیات سنیان در مورد حکومت شیعی ایران است. غربی ها نیز این اختلافات را از نظر دور نگه نداشته و ضمن ایجاد شرایط برای اختلاف انگیزی میان شیعه و سنی ترس موهم از اسلام را نیز مطرح کردند. (حیدری، ۱۳۹۳: ۲۳) سازمان ها و جنبش های متعددی که حول محور القاعده در عراق فعالیت می کنند، عبارتند از:

### ۳-۱- داعش

داعش در ماه آوریل سال ۲۰۱۳ میلادی تشکیل شد. داعش ابتدا این گونه معرفی شد که از ادغام بین «دولت اسلامی» وابسته به شبکه القاعده که اکتبر سال ۲۰۰۶ میلادی به وجود آمد و گروه تکفیری مسلح در سوریه معروف به «جبهه النصره» تشکیل شده است اما این ادغام را که ابو بکر بغدادی یکی از رهبران «دولت اسلامی عراق» اعلام کرد به سرعت از سوی جبهه النصره تکذیب شد. پس از گذشت دو ماه از این قضیه ایمن الظواهری رهبر شبکه القاعده دستور داد این ادغام ملغی شود اما بغدادی این روند را ادامه داد تا اینکه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) به یکی از گروههای تروریستی اصلی تبدیل شد که در سوریه و عراق آدمکشی و ویرانگری می کند. داعش حروف اختصاری «دولت اسلامی عراق و شام» است اما در مناطق تحت کنترل داعش در سوریه از نام «دولت» برای داعش استفاده می شود و هرکس از کلمه داعش استفاده کند هفتاد و پنج ضربه شلاق مجازات اوست. (خسروی، ۱۳۹۰: ۶۵) داعش یک گروه مسلح تروریستی است که اندیشه سلفی جهادی (تکفیری) را پیشه خود کرده است و هدف سازمان دهندگان داعش نیز بازگرداندن چیزی است که آنان آن را «خلافت اسلامی و اجرای شریعت» می نامند و عراق و سوریه نیز جولانگاه

عملیات داعش است. داعش از زمانی که در سوریه ظاهر شده درباره خاستگاه، اقدامات، اهداف و ارتباطاتش جنجال‌های طولانی را به وجود آورده و باعث شده است به محوری از محورهای مطالب مطبوعات و رسانه‌ها و تحلیل‌ها و گزارش‌ها تبدیل شود. هویت و اهداف این گروه بنیادگرا و ارتباطات آن به علت اطلاعات متناقض در خصوص آن گم شده است. گروهی معتقدند داعش یکی از شاخه‌های القاعده در سوریه است. گروه دیگری آن را یک سازمان مستقل می‌دانند که برای تشکیل دولت اسلامی در تلاش است و یک گروه سوم نیز معتقد است داعش ساخته و پرداخته نظام سوریه است تا مخالفان و گروه‌هایش را نابود کند. (زرین نرگس، ۱۳۹۴: ۱۱)

### ۳-۲- گروه‌های سلفی تکفیری و جنگ مذهبی در منطقه خاورمیانه

در سال‌های اخیر، جهان شاهد ظهور طالبان‌های جدیدی بوده است که تکفیری خوانده می‌شوند و عملاً شکل گسترش یافته‌تر و افراطی‌تر همان بدنه اصلی طالبان افغانستان هستند. گروه‌های وهابی سلفی تکفیری کوچک و بزرگی که عمدتاً در جریان تهاجم آمریکا علیه حکومت صدام در عراق پدید آمدند و مشهورترین آن‌ها با نام گروه داعش (دولت اسلامی عراق و شام) هم اکنون در عراق مشغول تدارک حملات خونین علیه مسلمانان این کشور است، همچون طالبان افغانستان داعیه تأسیس امارت و خلافت اسلامی در پهنه منطقه شام بزرگ و در آینده جهان اسلام را دارند و در مناطقی که این اواخر قدرت را در دست گرفتند، بسان طالبان افغانستان به اجرای قوانینی منحط تحت نام شریعت دست زدند که باز هم بسان طالبان حاصلی جز بدنام کردن اسلام و مسلمانان در سطح جهانی ندارد. (سلیمی و زرین نرگس، ۱۳۹۳: ۷۴) نکته جالب و قابل تأمل در زمان سر بر آوردن این نوظالمان سال‌های اخیر، همزمانی ظهور آن‌ها با تأسیس ده‌ها شبکه ماهواره‌ای شیعه و سنی با پایگاه‌ها و دفاتری در کشورهای غربی است که در کنار بازوی نظامی گروه‌های تکفیری، به ایجاد نفرت و دشمنی مذهبی و خصوصاً دشمنی میان شیعیان و اهل سنت مشغول‌اند و به صورت عملی جنگ فرهنگی و رسانه‌ای و مذهبی تمام عیاری را میان مسلمانان به راه انداختند. این همزمانی ظهور گروه‌های تکفیری که به قتل عام گاه بسیار فجیع مسلمانان اعم از شیعه و سنی می‌پردازند، با پیدایش ده‌ها شبکه ماهواره‌ای ریز و درشت که به صورت شبانه‌روزی به گسترش نفرت مذهبی میان شیعیان و سنی‌ها دست می‌زنند، می‌تواند به صورتی آشکار منشاء واحد و مشترک ظهور مسلمان‌کشی‌های دهه‌ها و سال‌های اخیر یعنی جهان غرب را نمایان کند، جهان غربی که طی این سال‌ها تقریباً تمامی توان نظامی، سیاسی، مالی، رسانه‌ای و اطلاعاتی خود را به شکلی علنی در اختیار این گروه‌های نظامی و فرهنگی تکفیری قرار داده است تا این گروه‌ها با جذب حداکثری مسلمانان خسته از حکومت‌های فاسد و خودکامه وابسته و شرایط اقتصادی و اجتماعی بسیار نابسامان در غالب کشورهای اسلامی با نام «جهاد»، آن‌ها را به قتل عام وسیع یکدیگر بکشانند، و این همان «راز» ظهور این گستره وسیع از گروه‌های نظامی و فرهنگی (ماهواره‌ای) سلفی تکفیری سنی و شیعی طی دهه‌های اخیر در جهان اسلام است. در حقیقت، جهان غرب با جذب حداکثری مسلمانان جهادی از طریق این گروه‌ها و کشاندن آنان به میدان قتلگاه یکدیگر، در تدارک خوابی راحت برای آینده خود در خاورمیانه‌ای اسلامی اما بدون حضور مسلمانان جهادی است. (طالبی آرانی و زرین نرگس، ۱۳۹۵: ۸۵)

### ۴- چالش‌های فراروی امنیت ملی

چالش‌های امنیت ملی در پرتو دکترین مسئولیت حمایت و تکوین گروه‌های تکفیری در عراق موضوعی پیچیده و چند بعدی است که نیازمند بررسی عمیق‌تری از ابعاد مختلف آن می‌باشد. در این بخش از پژوهش به برخی چالش‌های مهم فراروی امنیت ملی می‌پردازیم:

#### ۴-۱- از بین رفتن تشکیلات نظامی و امنیتی عراق و تضعیف حاکمیت ملی

مداخله نظامی در عراق و فروپاشی بنیادهای امنیتی آن باعث پیدایش، تجمع و تسلیح گروههای مسلح تکفیری، تجزیه طلب و تروریستی می شود و این سازمانها عمدتاً توسط کشورهای منطقه و همسایه به دلایل مذهبی، اثنیکی و سایر موارد ایجاد می شود. در برخی موارد (مانند کوزوو) کار تا آنجا پیش می رود که منجر به تشکیل منطقه خودمختار، دولت های خود خوانده و موارد دیگر می شود. یکی از عوامل مهم فتنه گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است. در لباس دین انسان می کشند، در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع دشمنان اسلام گام برمی دارند. حضور این افراد در محافل و جوامع و انتشار آثار و فرآورده های فرهنگی آن در برخی از مراکز که دولت مرکزی عراق قادر به کنترل آن نیست، باعث جلب توجه برخی از جوانان پرشور که از اقدامات سرکوبگرانه اشغالگران به ستوه آمده اند، شده است و برای رهایی از این فشار، زمینه را برای گرویدن به این جریان های افراطی مناسب دیده اند. (فوکویاما، ۱۳۹۶: ۵۵)

#### ۴-۲- شکل گیری گروه های تروریستی با دخالت سازمانهای اطلاعاتی کشورهای مهاجم

گرچه سابقه تشکیل و فعالیت گروه های تکفیری به چند دهه پیش باز می گردد اما از نکات قابل توجه همزمانی شکل گیری هسته اصلی تشکیل دهنده گروه داعش<sup>۱</sup> در پی اعمال دکتترین مسئولیت حمایت و حمله نظامی در توسط نیروهای آمریکایی بود. گرچه از همان ابتدای شکل گیری این گروه تروریستی در عراق برخی از سرخ ها از ارتباط آنها با سازمان های اطلاعاتی آمریکا خبر می دادند اما هر بار به نحوی این تحقیقات که اکثراً توسط رسانه های عراقی انجام می گرفتند به شکلی به بن بست می رسیدند و حتی برخی از روزنامه نگاران پیگیر این مسئله در حوادث مختلفی جان خود را از دست می دادند تا به هر شکل ممکن از ادامه پیگیری های رسانه ای آن جلوگیری به عمل آید. (کسرابی و داوری مقدم، ۱۳۹۴: ۹۳) با این حال و با قدرت گرفتن هرچه بیشتر این گروه و تغییر نام به داعش و سپس خلافت اسلامی این احتمال و شک و تردید به حقیقتی غیر قابل انکار تبدیل شده است، حقیقتی که حتی سربریدن چند آمریکایی هم نمی تواند بر آن سرپوش بگذارد. یکی از مهمترین و آخرین این اطلاعات در کتاب هیلاری کلینتون<sup>۲</sup> وزیر امور خارجه سابق آمریکا منتشر شده است او که در دوره حضورش در وزارت امور خارجه آمریکا هسته اصلی گروه داعش متولد شدند در کتاب خاطراتش به وضوح تاکید می کند واشنگتن نقش عمده ای در تاسیس گروه داعش و فراهم کردن زمینه قدرت گرفتن آن ایفا کرده است. به اعتقاد کارشناسان هیچ طرفی در جهان بیشتر از آمریکا و البته به تبع آن رژیم صهیونیستی از حضور، فعالیت و قدرت گرفتن گروه داعش در خاورمیانه سود نمی برد. روزنامه مصری الاهرام<sup>۳</sup> در یکی از شماره های اوایل شهریور ماه خود به نقل از شیخ نعیم قاسم جانشین دبیر کل حزب الله لبنان نوشت: اطلاعات ما تاکید می کنند عناصر داعش توسط نیروهای آمریکایی در افغانستان تعلیم دیده و برای جنگ به سوریه و عراق اعزام شده اند و دقیقاً همان سناریوی القاعده و اسامه بن لادن<sup>۴</sup> (شخصیت عربستانی تباری که بیش از آنکه در کشور متبوعش عربستان زندگی کند در آمریکا زندگی کرده بود) در مورد داعش و سرکردگانش نیز تکرار می شود. پیش از این هم روزنامه انگلیسی تایمز<sup>۵</sup> در دسامبر ۲۰۱۳ نوشته بود نیروهای آمریکایی نقش محوری و اصلی را

<sup>۱</sup> قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین

<sup>۲</sup> Hillary Rodham Clinton

<sup>۳</sup> Al-Ahram daily

<sup>۴</sup> Osama bin Mohammed bin Awad bin Laden

<sup>۵</sup> times newspaper

در شکل گیری داعش و اوج گرفتن نام ابو بکر البغدادی رهبر آن داشتند. (نصری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹) انتونی لوید خبرنگار این روزنامه انگلیسی در بغداد در مقاله ای در این رابطه نوشت: نیروهای آمریکایی به شکل غیر مستقیم و از طریق بازداشت سه ماهه ابراهیم عوض علی البدری (هویت ابوبکر البغدادی از نگاه این خبرنگار انگلیسی) که یک کشاورز ۳۳ ساله عراقی بود در یکی از زندان های خود باعث فراهم شدن زمینه ترقی این فرد در هرم قدرت گروه های سلفی فعال در عراق شدند. با نگاهی به مقالاتی که طی چند ماه گذشته در رسانه های مختلف عراقی منتشر شده، نوعی اتفاق نظر در میان کارشناسان عراقی در مورد دست داشتن یا حداقل مداخلات دولت آمریکا با این گروه به دلیل منافع مشترک موجود فیما بین به چشم می خورد. به هر شکل آمریکایی ها از طریق گروه داعش و اشغال موصل و توابع آن به خواسته های سیاسی خود در عراق رسیدند. همچنین در صورت تشکیل کابینه حیدر العبادی به این هدف به طور کامل جامه عمل پوشیده خواهد شد در حالیکه تقسیم عراق نیز با توجه به آنچه کردها مطرح می کنند و نیز درخواست اهل تسنن برای رسیدن به منطقه ای خودمختار همانند کردها در غرب و مرکز عراق به تدریج به سوی تحقق پیش می رود تا خاورمیانه جدید که کاندولیزا رایس در جریان جنگ ۳۳ روزه خبر از آغاز تولد آن داده بود یک گام دیگر به سوی تحقق برداشته باشد. این ها برخی از نتیجه گیری های کارشناسان عراقی در رسانه های این کشور در رابطه با سرنوشت عراق بعد از سقوط موصل است. یکی از این تحلیلگران و فیک السامرائی است او که یک شخصیت امنیتی سابق و از سیاستمداران سرشناس اهل تسنن عراق محسوب می شود، در مقاله ای که روز ۲۹ اوت گذشته در چند رسانه عراقی منتشر شد تاکید کرد: همزمانی موضوع گیری های دولت آمریکا در حمایت از تقسیم عراق به سه منطقه با حملات گروه داعش و اشغال بخش هایی از عراق توسط این گروه تروریستی می تواند امری قابل تامل باشد. وی با انتقاد از مواضع جو بایدن معاون رئیس جمهور آمریکا که بعد از سقوط موصل به دست داعش رسماً از تقسیم عراق به سه منطقه (سنی نشین، شیعه نشین و کرد نشین) حمایت کرد تاکید نمود که سخنان او در این برهه زمانی بیانگر بی تجربگی سیاسی اوست زیرا او اشتباهی را مرتکب می شود که قابل جبران نخواهد بود. (یزدان فام، ۱۳۹۲: ۳۱) همچنین پایگاه اینترنتی «انترسپیت»<sup>۱</sup> نیز به نقل ادوارد اسنودن<sup>۲</sup> کارمند سابق سازمان اطلاعات آمریکا تاکید کرد: آژانس امنیت ملی آمریکا به همراه سازمان اطلاعات خارجی انگلیس<sup>۳</sup> و موسسه اطلاعات و عملیات ویژه خارجی اسرائیل (موساد)<sup>۴</sup> زمینه شکل گیری داعش را فراهم کردند. این پایگاه اینترنتی به نقل از اسنودن نوشت: فعالیت این سه سازمان در این رابطه به معنای حضور بالفعل ایالات متحده، انگلیس و رژیم صهیونیستی در فرایند خلق این سازمان تروریستی و جذب فعالان افراطی از اقصی نقاط جهان به سوی آن است. بر اساس افشاگریهای اسنودن پروژه عملیات شکل گیری داعش که با نام رمز «لانه زنبور»<sup>۵</sup> بین این سه طرف کلید خورد با هدف حمایت از رژیم صهیونیستی انجام گرفت و مقرر شد ساختاری با شعارهای دینی بسیار افراطی در منطقه شکل گرفته و گسترش یابد. اسناد افشا شده اسنودن که در این پایگاه منتشر شده نشان می دهند کارشناسان این سه سازمان اطلاعاتی به این نتیجه رسیدند بهترین راهکار برای حمایت از اسرائیل، خلق دشمنی پشت مرزهای آن است که سلاح خود را برخلاف جهت و به سوی کشورهای مخالف بقای این رژیم نشانه بگیرد. نظر اسنودن را هیلاری کلینتون به شکل دیگری در کتاب خود «گزینه های

<sup>1</sup> intercept

<sup>2</sup> Edward Joseph "Ed" Snowden

<sup>3</sup> MI6

<sup>4</sup> Mossad

<sup>5</sup> Vespary

سخت<sup>۱</sup> مورد تایید قرار داده است در حالیکه برژنسکی<sup>۲</sup> مشاور امنیت ملی اسبق آمریکا هم سالها قبل از آن در کتاب خاطراتش به نحوه تشکیل گروه های افراطی سلفی پرداخته و از تلاش هایش در شکل گیری القاعده و فراهم کردن زمینه مسلح شدن، آموزش و تامین مالی آن جهت صف آرایی در برابر دشمن اول آن زمان آمریکا یعنی اتحاد جماهیر شوروی به تفصیل پرداخته بود. ظاهرا این سناریو در مورد داعش هم اینبار توسط دولتمردان فعلی آمریکا در حال تکرار است در حالیکه دشمن و هدف اول آنها امروز محور مقاومت و ساختارهای حامی آن به ویژه شیعیان می باشند. (Yasir & Tromby, 2014: 25) مایکل چاسودوفسکی<sup>۳</sup> استاد دانشگاه اتاوا کانادا که به عنوان کارشناس امور سیاسی با موسسه پژوهش های گلوبال ریسرچ<sup>۴</sup> هم همکاری می کند تاکید دارد آنچه که به عنوان فعالیت گروه های سلفی تکفیری از سوریه و عراق تا افغانستان و بقیه کشورهای خاورمیانه شاهد آن هستیم، در واقع خدمات استراتژیکی است که گروه های زیر مجموعه القاعده به دولت آمریکا تقدیم می کنند. این کارشناس غربی در پژوهشی در این زمینه با ارائه دلایل و مدارک بسیاری تاکید می کند: گروه های سلفی و به ویژه داعش در واقع بازو و مشت آهنین کاخ سفید برای تحقق اهداف سیاسی خود در منطقه است و به تعبیری واضحتر امروز داعش مرغ تخم طلائی آمریکا در منطقه خاور میانه محسوب می شود. برآستی اگر داعش نبود چه کسی می توانست وضعیت سوریه را به این شکل به سوی ویرانی هرچه بیشتر بکشاند و دولت عراق را هم مجبور کند بار دیگر قرارداد تسلیحاتی چند میلیارد دلاری خود با آمریکا را بعد از فقط چند سال مجددا تجدید کرده و همان مبلغ و شاید مبلغ بیشتری را برای جایگزینی تجهیزات و تسلیحاتی پرداخت کند که خود بعد از خرید آن امروز مجبور به بمباران آن در موصل و چند شهر دیگر عراق شده یا شاهد استفاده از آن توسط هم پیمانان آمریکا در سوریه باشد تا علیه دولت مرکزی و منتخب این کشور به کار گرفته شوند؟ روزنامه اماراتی الخلیج هم در شماره روز ۱۴ اوت خود با اشاره به رویکرد جدید آمریکا در مبارزه با گروه داعش آنها بعد از چند سال فعالیت ویرانگر در منطقه نوشت: گرچه برخی ها اعلام می کنند علت آغاز حملات آمریکا به داعش خروج آنها از خطوط قرمز است اما با نگاهی به عملکرد ارتش آمریکا علیه داعش در اطراف اربیل شاهد آن هستیم که دولت آمریکا چندان تمایلی به وارد کردن ضربات دردناک به این گروه از خود نشان نمی دهد بلکه اکثر این حملات برای رفع تکلیف صورت گرفته و شاید هم بتوان آنرا تلاشی کوچک و رنگ و رو رفته برای عذر خواهی از ایجاد داعشی باشد که امروز تمام منطقه را تهدید به فنا می کند. در پایان این سرمقاله هم تاکید شده است اگر ایالات متحده واقعا به دنبال ضربه زدن و از بین بردن داعش باشد به طور حتم اهرم ها و ابزار بسیار زیادی در اختیار دارد که می تواند با استفاده از آن شریان های حیات بخش این گروه وحشی را به طور کامل قطع کند. به گفته کارشناسان اقتصادی، داعش فقط با حمله به موصل و اشغال آن چند صد میلیون دلار برای شرکت های تسلیحاتی و بعد از آن شرکت های پیمانکار آمریکایی در آمدزایی کرده است (Bouillon, 2012: 285).

#### ۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

چالش های امنیت ملی در پرتو دکترین مسئولیت حمایت و تکوین گروه های تکفیری در عراق موضوعی پیچیده و چند بعدی است که نیازمند بررسی عمیق تری از ابعاد مختلف آن می باشد. دکترین مسئولیت حمایت به عنوان یک اصل بین المللی، بر اساس این ایده شکل گرفته که جامعه جهانی باید در مواقعی که دولت ها قادر به حفاظت از شهروندان خود نیستند، مداخله کند. این دکترین به

<sup>1</sup> Hard choices

<sup>2</sup> Brzezinski

<sup>3</sup> Michael Chossudovsky

<sup>4</sup> Global Research

ویژه در زمینه‌های بحران انسانی و نقض حقوق بشر به کار می‌رود. با این حال، اجرای این دکترین در عمل با چالش‌هایی مواجه است که می‌تواند به تشدید ناامنی و بی‌ثباتی منجر شود. گروه‌های تکفیری مانند داعش به عنوان نتیجه‌ای از چندین عامل تاریخی، اجتماعی و سیاسی شکل گرفته‌اند. ظهور این گروه‌ها در عراق به ویژه پس از حمله آمریکا به این کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی، به عنوان یک نقطه عطف مهم در تاریخ معاصر شناخته می‌شود. حمله آمریکا به عراق و سقوط رژیم صدام حسین، فضای مناسبی برای ظهور گروه‌های مسلح فراهم کرد. این شرایط باعث شد که گروه‌هایی نظیر القاعده و سپس داعش بتوانند فعالیت‌های خود را گسترش دهند. احساس تحقیر در میان برخی اقشار جامعه، به ویژه سنی‌ها، به عنوان عاملی کلیدی در جذب نیرو به سمت گروه‌های تکفیری عمل کرده است. این احساس منجر به بروز هیجان جمعی و فردی شده که به تقویت بنیادگرایی دینی کمک کرده است. بحران سوریه نیز به عنوان یک عامل تسریع‌کننده برای قدرت‌یابی داعش عمل کرد. با شروع جنگ داخلی سوریه، داعش توانست نیروهای بیشتری را جذب کرده و دامنه فعالیت‌های خود را گسترش دهد. افزایش تروریسم، بی‌ثباتی اجتماعی و چالش برای دولت‌ها از مهمترین چالش‌های امنیتی ملی می‌باشد. با اینحال چالش‌های امنیتی ملی در پرتو دکترین مسئولیت‌حمایت و ظهور گروه‌های تکفیری نشان‌دهنده نیاز به رویکردهای جامع‌تر و هماهنگ‌تر در سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی است. برای مقابله مؤثر با این چالش‌ها، لازم است تا توجه بیشتری به ریشه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پدیده‌های تروریستی معطوف گردد.

## منابع

### ❖ قرآن

- ۱) احمدی، کوروش (۱۳۸۴)، «عراق پس از سقوط بغداد، روند تدوین قانون اساسی عراق: تحلیل‌ها و دیدگاه‌ها»، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ۲) اسماعیل زاده، سیروس؛ حسن زاده دلگشا، سعید؛ پور جمال، یعقوب (۱۳۹۸)، «نقش کج فهمی دینی در شکل‌گیری گروه‌های تکفیری و عملیات‌های انتحاری»، سیاست متعالیه، شماره ۲۷
- ۳) پور سعید، فرزاد (۱۳۹۰)، «چشم‌انداز عراق آینده، برآورد استراتژیک عراق آینده»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۴) حبیبی، پریسا؛ کاظمی، سید علی اصغر؛ قوام، سید عبدالعلی؛ ذاکریان امیری، سید مهدی (۱۴۰۲)، «چشم‌انداز مسئولیت‌حمایت در کنیا و بازتاب آن بر جامعه بین‌المللی»، مطالعات فقه اقتصادی، دوره ۵، شماره ۲
- ۵) حق پناه، جعفر (۱۳۸۷)، «مسئله کرکوک و چالش قومی مذهبی در عراق»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۶، شماره ۲۰
- ۶) حیدری، الهام (۱۳۹۳)، «کالبد شکافی جریان داعش؛ بررسی زمینه‌های ذهنی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی»، فصلنامه علمی تخصصی حبل‌المتین، دوره ۳، شماره ۹
- ۷) خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰)، «چشم‌انداز عراق آینده: بررسی روندهای داخلی و خارجی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- ۸) زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۴)، «بررسی چرایی ناکامی دولت‌سازی در عراق جدید و آرایه راهکارها»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشکده بهشتی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی

- ۹) ستوده، محمد؛ علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳)، «بررسی تأثیرات سلفی‌گری تکفیری بر بیداری اسلامی»، علوم سیاسی، شماره ۶۵
- ۱۰) سلیمی، آرمان؛ زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۳)، «بحران داعش و سناریوهای پیش روی حکومت اقلیم کردستان عراق»، دو هفته نامه دیار کهن، شماره ۷۲
- ۱۱) شاملو، سوده؛ محمدی، کریم؛ نژندی منش، هیبت الله (۱۴۰۳)، «جایگاه مفهوم دکترین «مسئولیت حمایت» در اصول و مبانی نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر حقوق اداری»، پژوهش‌های نوین حقوق اداری، دوره ۱۸
- ۱۲) طالبی آرانی، روح‌الله؛ زرین نرگس، یحیی (۱۳۹۵)، «بین‌المللی شدن دولت در خاورمیانه: مطالعه موردی عراق از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶»، کنفرانس امنیتی تهران: نظم امنیتی منطقه ای در غرب آسیا، تهران
- ۱۳) عبدالمهی، محسن؛ حسینی، سید رضا (۱۴۰۲)، «تحقق حق تعیین سرنوشت در چهارچوب مسئولیت حمایت»، پژوهش‌های حقوق عمومی، شماره ۸۰
- ۱۴) علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳)، «ارزیابی وضعیت سلفی‌ه براساس مکعب بحران»، علوم سیاسی، شماره ۶۸
- ۱۵) علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۴)، «جریان‌شناسی سلفی‌گری مطالعه تنوع حاکم بر جریان‌های سلفی و زمینه‌های شکل‌دهنده به آن»، مطالعات روابط فرهنگی بین الملل، دوره ۱، شماره ۱
- ۱۶) فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۶)، «نظم و زوال سیاسی»، ترجمه رحمان قهرمانپور، تهران: انتشارات روزنه
- ۱۷) کسرای، محمد سالار، داوری مقدم، سعیده (۱۳۹۴)، «برآمدن داعش در خاورمیانه: تحلیل جامعه شناختانه»، فصلنامه روابط خارجی، دوره ۷، شماره ۱
- ۱۸) محمدی، کریم؛ شاملو، سوده؛ نژندی منش، هیبت الله (۱۴۰۳)، «مسئولیت اخلاقی جامعه ی بین‌المللی و تکوین دکترین مسئولیت حمایت در بستر آن»، اخلاق در علوم و فناوری، دوره ۱۹، شماره ۱
- ۱۹) نژندی منش، شاملو، سوده؛ محمدی، کریم (۱۴۰۲)، «نقش «پیشگیری» در «دکترین مسئولیت حمایت» با تأکید برمسئولیت اولیه‌ی دولت‌ها»، دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، دوره ۲، شماره ۸
- ۲۰) نصری، قدیر؛ سلیمی، آرمان؛ ولد بیگی، آرام (۱۳۹۲)، «جایگاه کرکوک در معادلات راهبردی عراق»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۵، شماره ۱۹
- ۲۱) یزدان فام، محمود (۱۳۹۲)، «دولت‌های شکننده و امنیت انسانی»، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ دوم
- 22) Abbas, Yasir and Tromby, Don (2014), "Inside the Collapse of the Iraqi Army's". 2nd Division, War on the Rocks 1
- 23) Bouillon, M. E. (2012), "Iraq's state-building enterprise: State fragility, state failure and a new social contract", International Journal of Contemporary Iraqi Studies, 6(3), 281-297.

## نقش عوامل درون سازمانی مرتبط با سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان پلیس با تاکید بر

### نقش نماز (مطالعه موردی: فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه)

نویسندگان	وابستگی سازمانی
رضا قادری *	دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری، گروه حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
محررمعلی آقازاده	دانش آموخته کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران
اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله	پژوهشی
صفحه	۶۷ - ۸۰
دوره ۱، شماره ۱	
اطلاعات نویسنده مسئول	
نویسنده مسئول	رضا قادری
کد ارکید	.....
تلفن	۰۹۱۴۹۲۸۲۸۱۰
ایمیل	Rezaghaderi62@yahoo.com
سابقه مقاله	
تاریخ دریافت	۱۴۰۳/۰۵/۱۰
تاریخ ویرایش	۱۴۰۳/۰۶/۱۵
تاریخ پذیرش	۱۴۰۳/۰۶/۲۵
تاریخ انتشار	۱۴۰۳/۰۷/۰۱
روش پژوهش	توصیفی پیمایشی
واژگان کلیدی	سبک زندگی، اسلامی، نماز، پلیس
توضیحات	
کلیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می باشد.	
خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.	
نحوه استناد	قادری، رضا؛ آقازاده، محررمعلی (۱۴۰۳)، نقش عوامل درون سازمانی مرتبط با سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان پلیس با تاکید بر نقش نماز (مطالعه موردی فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه)، فصلنامه علمی پژوهش های نوین در جرم شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۶۷ - ۸۰

**The Role of Intra-Organizational Factors Related to the Islamic Lifestyle in Preventing Crimes & Violations by Police Personnel with Emphasis on the Role of Prayer (Case Study of the Maragheh Police Command)**

Authors		Organizational Affiliation
Reza Ghaderi*		PhD Student in Criminal Law & Criminology, Department of Criminal Law & Criminology, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Moharamali Aghazadeh		Master's Student, Department of International Law, Islamic Azad University, Maragheh, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	<p>Since the Constitution of the Islamic Republic of Iran recognizes sovereignty as belonging to God, the lifestyle of the people and consequently the police personnel must be Islamic. The most important religious ritual that can play a role in this issue is prayer. The aim of this article is to examine the role of intra-organizational factors affecting the Islamic lifestyle with emphasis on prayer in preventing crimes and violations of the employees of the Maragheh County Police Command. The research method is a descriptive survey and its statistical population is 150 employees of the Maragheh County Police Command. The sample size was 108 people using the Morgan table and was selected by random sampling. The analysis of the obtained data was carried out using SPSS software. Intra-organizational factors were ranked in order of priority from the perspective of the statistical community: educational and training, managerial and organizational, cultural and social, supervisory and protective. The results of the research indicate that it is necessary to focus on factors such as religious and spiritual programs and continuous educational factors, as well as improving the level of organizational justice.</p>
Pages	67 - 80	
Volume 1, Issue 1		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Reza Ghaderi	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09149282810	
Email	Rezaghaderi62@yahoo.com	
Article History		
Received	2024/07/31	
Revised	2024/09/05	
Accepted	2024/09/15	
Published	2024/09/22	
Online:		
Research Method	Descriptive & Analytical	
Keywords		<i>Lifestyle, Islamic, Prayer, Police</i>
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Ghaderi, Reza; Aghazadeh, Moharamali (1403), The Role of Intra-Organizational Factors Related to the Islamic Lifestyle in Preventing Crimes & Violations by Police Personnel with Emphasis on the Role of Prayer (Case Study of the Maragheh Police Command), Scientific Quarterly of Modern Researches in Criminology, Volume 1, Number 1, Pages 67-80	

## ۱- مقدمه

سبک زندگی افراد، تاثیر بسزایی در سلامت رفتاری، اخلاقی، روانی و جسمانی او دارد، هرچه افراد از سبک زندگی سالم و منطقی برخوردار باشند، روند زندگی سالم تر و با آرامش تری را تجربه خواهند کرد. زندگی دینی با توجه به برخورداری از مبانی و اصولی متعالی، انسان را به زندگی سالم سوق داده و او را به آرامش خواهد رساند. دین مبین اسلام با داشتن معارف غنی و دستورهایی عقلانی و منطقی که برای زندگی فردی و اجتماعی انسان ها دارد، در این زمینه پیش رو می باشد. اسلام دین بهتر زیستن است. یکی از مهمترین دستورهایی که انسان را در مسیر درست نگه می دارد، انجام مناسک دینی اسلام است، نماز به عنوان عمل فردی و اجتماعی در اسلام مورد تاکید فراوان آیات و روایات قرار گرفته است و جایگاه والای نماز را در رشد و تعالی انسان را بیان کرده است. برای رسیدن به رشد و تعالی اسلامی باید بر اساس سبک زندگی مورد تاکید اسلام حرکت نمود. سبک زندگی مجموعه ای از دستورهایی نظام مند است که منشا آن باورها، ارزش ها و هنجارهای انسجام یافته در بافت فرهنگی جامعه است. سبک زندگی اعمال فردی، اجتماعی را شامل می شود. در حقیقت منشا سبک زندگی چارچوب های فکری و باوری افراد می باشد. نوع جهان بینی افراد نیز به نگرش های آنها جهت می دهد. وقتی صحبت از سبک زندگی اسلامی می شود، دستورهایی زندگی که از اسلام سرچشمه می گیرد مد نظر است. جهان بینی توحیدی که اسلام ارائه می دهد برای تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی افراد برنامه های نظام مند دارد. از تاکیدات مهم اسلام که مظهر سبک زندگی اسلامی می باشد، اقامه نماز می باشد. نماز به عنوان نمود و جلوه سبک زندگی اسلامی مورد توجه آیات و روایات است، ارزش بالای نماز و اثرات آن بر زندگی فردی و اجتماعی انسان از موضوعات مهمی است که در قرآن کریم و نیز سیره عملی اهل بیت علیه السلام مورد تاکید است. یکی از اثرات مهم نماز نهمی و بازداشتن انسان از بدی ها و کژرفتاری ها می باشد. این موضوع در آیه ۴۵ سوره عنکبوت به صراحت ذکر شده است، خداوند در این آیه می فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». همانا نماز انسان را از فحشا و منکر با می دارد. بنابراین آیه و با تمسک به آن می توان بیان داشت نماز عامل مهمی در پیشگیری از جرایم و تخلفات می تواند باشد. از انجایی که پلیس در جامعه اسلامی نقش مهمی دارد، می بایست از جرایم و تخلفات مبرا باشد. یکی از موضوعات مورد مذاقه در تشکیل حاکمیت ها بقا و تداوم آن می باشد. از مولفه های مهم برای رسیدن به این مقصود می توان به وجود نظم و امنیت پایدار در جامعه می باشد. جوامعی که بتوانند نظم و امنیت را در بین مردم نهادینه کنند می توانند بر خیلی از مشکلات اجتماعی فائق آیند. بر همین اساس در تمام جوامع نهاد و سازمانی خاص به نام پلیس متولی برقراری نظم و امنیت در جامعه می باشد. از طرفی سبک زندگی پلیس در راستای رسیدن به نتایج مطلوب می تواند اثرگذار باشد. سبک زندگی اسلامی پلیس با تاکید بر نماز می تواند عامل پیشگیرانه از جرایم و تخلفات در این سازمان باشد. بنابراین مقاله حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که: سبک زندگی اسلامی که تاکیدش روی نماز است چقدر می تواند بر پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان پلیس در فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه نقش داشته باشد؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش عوامل درون سازمانی مؤثر بر شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تکیه بر نماز در فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه مطالعه شده است و با الگوسازی این عوامل به چهار بخش مدیریتی و سازمانی، فرهنگی و اجتماعی، تربیتی و آموزشی و در نهایت نظارتی و حفاظتی، فرضیات تحقیق بر اساس این عوامل استوار گردیده است.

## ۲- پیشینه شناسی

**علی خانی (۱۴۰۲)**، در مقاله ای تحت عنوان کارکرد توحید در سبک زندگی، به این نتیجه رسیده است که، باور به توحید سبک زندگی را به طور کلی دگرگون می کند و سبک زندگی خداپاورانه به طور کلی متفاوت از غیر آن است، سبک زندگی موحدانه باعث نگاه خوش بینانه به عالم زندگی، فهم عمیق و جامع از انسان و جهان، تعادل در گزینش زندگی، لذت های عمیق، نظام منسجم زندگی می شود.

**جزینی، عباسی و پناهی (۱۳۹۹)**، در مقاله ای تحت عنوان، تاثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرم و آسیب های اجتماعی (با تاکید بر نقش نماز) به این نتیجه رسیدند که نماز به عنوان یکی از ابعاد سبک زندگی اسلامی نقش بسیار مهمی در پیشگیری از جرم دارد. در حقیقت نماز باعث یاد خدا شده و دل را به سمت او سوق می دهد و این ارتباط باعث پیشگیری از جرم می شود.

**صنیعی (۱۳۹۸)**، در مقاله ای تحت عنوان سبک زندگی اسلامی، به این نتیجه رسیده است که برای فهم اینکه سبک زندگی انسان ها اسلامی است یا خیر، باید معیارهای مورد تاکید اسلام مورد سنجش قرار گیرد. این معیارها نیز بر اساس زیست فردی و جمعی ارزیابی می شوند.

**توسلی و صادقی (۱۳۹۴)**، در مقاله ای تحت عنوان آموزه های اسلامی پیشگیری از جرم به این نتیجه رسیدند که اعتقاد به توحید، معاد و نقش نماز، امر به معروف و نهی از منکر، انفاق و احسان و... از عوامل پیشگیرانه از جرایم است.

**موسوی، زالی و غلامی (۱۳۹۴)**، در مقاله ای تحت عنوان «جایگاه نماز و آثار آن بر سبک زندگی اسلامی و تعالی فرهنگی» به این نتیجه رسیدند که، نماز آگاهانه و صحیح برای سلامتی جسم و شادابی روح و اصلاح فردی و اجتماعی افراد از مهم ترین عوامل است و در صورت نمازخوان بودن جامعه عرصه های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی اصلاح و بهبود خواهد یافت.

با نگاه به پژوهش های انجام شده به نظر می رسد که مقاله های کار شده بیشتر توصیفی و تحلیلی و از روی اسناد بین المللی و داخلی بوده و کار پیمایشی در یک منطقه خاص و آن هم در رابطه با ضابطان دادگستری (پلیس) در رابطه با بررسی سبک زندگی اسلامی با تاکید بر نماز، در راستای پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان پلیس انجام نیافته است؛ بنابراین وجه تمایز این پژوهش با دیگر تحقیق های صورت گرفته انجام پیمایشی و سنجش میدانی نقش عوامل درون سازمانی در این خصوص در فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه است.

## ۳- مفهوم شناسی

در این بخش از پژوهش سعی کردیم مفاهیم اصلی پژوهش مانند سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، پلیس، نماز و پیشگیری از جرایم مورد تبیین و تشریح قرار دهیم.

## ۳-۱: سبک زندگی

در جهان امروزی سبک زندگی اهمیت بالایی دارد، برخی از جامعه شناسان معاصر بیان کرده اند: همچنان که جامعه شناسی در حال تکامل است، خیلی از شاخص ها نشان دهنده تمرکز جامعه شناسی بر روی سبک زندگی است (Cockerham, 1993: 423). سبک زندگی از موضوعات مهم جامعه شناختی، روان شناختی و البته دین شناختی در جهان امروزی می باشد. نگرش های کلان و

جهان بینی در ایجاد، تقسیم و تبیین سبک زندگی نقش بسزایی دارد. نگرش های کلان الهی و مادی سبک زندگی را به دو گونه مهم الهی و مادی تقسیم می کند (علی خانی، ۱۴۰۲: ۲۲۱). سبک زندگی شخصیت مرکزی یک فرد است، شیوه ای که فرد با استفاده از آن با جهان پیرامون خود مواجه می شود (Wells, 1976: 231). سبک زندگی یک کل بی همتاست که فرایندهای عمومی زندگی افراد با آن تنظیم گری می شوند (Adler, 1956: 112). سبک زندگی تلاش افراد برای جستجوی ارزش های اساسی در زندگی فردی و ارائه آن به دیگران است (Simmel, 1964: 314). سبک زندگی دارایی های افراد است که انسان ها را از هم متمایز می کند (Bourdieu, 1984: 76). سبک زندگی نحوه زیستن انسان است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۱۹). با سبک زندگی در لسان دهخدا نیز این گونه آمده است: روش زندگی فرد، گروه یا فرهنگ و یا روش خاصی از زندگی یک شخص یا گروه (منگالی، ۱۳۸۹: ۲۶). توجه به تعاریفی که از اندیشمندان جامعه شناسی ارائه شد می توان گفت سبک زندگی، نوع زندگی انسان بر اساس نوع نگرش او به جهان است. بر همین اساس پلیس به عنوان عضوی از اعضای جامعه و فردی که در درون سازمانی حاکمیتی در حال فعالیت می باشد نیز دارای سبک زندگی متأثر از نوع جهان بینی حاکمیت نسبت به جهان است. اگر نگرش حاکمیت الهی باشد، سبک زندگی موحدانه را اختیار خواهد کرد و اگر سبک زندگی مادی باشد به سمت سبک زندگی مادی گرایبی خواهد داشت. اسلام دینی است که زندگی موحدانه را برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی را پیشنهاد می کند. بر همین اساس سبک زندگی اسلامی می تواند برای این منظور بهترین گزینه باشد.

### ۲-۳: سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی، مجموعه ای از موضوع های مورد قبول و تاکید دین مبین اسلام در عرصه زندگی فردی و اجتماعی است، که می بایست رفتارهای ما بر اساس آن معیارها انجام گیرد. در این بین زیست موحدانه که حاکمیت ارزش ها و هنجارهای آموزه های اسلام را تاکید می کند از امهات سبک زندگی اسلامی خواهد بود (صنیعی، ۱۳۹۸: ۴). سبک زندگی اسلامی. همایش ملی روانشناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی. در این سبک از زندگی فردی و اجتماعی، تقرب به خدا هدف غایی تلقی می شود، از این جهت است که تمام عرصه های زندگی از نماز و اعمال عبادی تا اقتصاد، علم آموزی، امور دنیایی، معاشرت، بهداشت و تغذیه، هنر و نوع سخن گفتن و ... باید برای رسیدن به این هدف انجام گیرد و در این مسیر باشد (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۱). سبک زندگی اسلامی مبتنی بر سه محور اصول اعتقادی، اصول اخلاقی و احکام عملی (عبادات) می باشد که اصول اعتقادی پیرامون، عقیده به توحید، نبوت و معاد می باشد اصول اخلاقی پیرامون تخلق به فضائل اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی که با قوانین شریعت اسلام منطبق می باشد و به عبارت دیگر همان تقوای الهی است و احکام عملی، که فروع دین می باشند. عبادت های عملی نیز باید با ایمان قلبی و اقرار زبانی به اصول اعتقادی و اخلاقی همراه باشد (مختاری اردستانی، ۱۴۰۱: ۳). در این بین نماز به عنوان مصداق بارز عبادت های عملی به شمار می رود که مورد تاکید دین مبین اسلام است.

### ۳-۳: نماز

نماز جایگاهی بزرگ برای عبادت پروردگار جهان می باشد که باعث تقرب بندگان مومن به باری تعالی می شود. اهمیت نماز تا جایی است که پیامبر اسلام (ص) آن را معراج مومن نامیده است و در روایتی نیز آمده است اولین چیزی که از آن سوال می شود نماز است. علاوه بر این بر اساس آیات قرآن کریم هدف از خلقت انس و جن عبادت خداوند است که در آیه ۵۶ سوره ذاریات آمده است:

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». علاوه بر این نماز یک واجب الهی است که بندگان مسلمان می‌بایست بر اساس احکام مترتب بر آن باید این فریضه را به جا بیاورند. نماز در سبک زندگی اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد که در صورت تحقق آنها می‌توان گفت فرد در حال زیست به سبک اسلامی می‌باشد، چراکه نماز بر دیگر اعمال و رفتارهای انسان تاثیر مستقیمی دارد. در حدیثی از پیامبر اسلام (ص) آمده است که می‌فرماید: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَا سِوَاهَا» اولین چیزی که بنده با آن محاسبه می‌شود نماز است پس اگر پذیرفته شود عبادات دیگر پذیرفته می‌شود و اگر رد شود عبادات دیگر نیز رد می‌شود (ابن طاووس، ۱۴۰۶ق). بنابراین اهمیت نماز برای زندگی یک فرد مسلمان از آیات و روایات متعدد فهم می‌شود. اینکه آیا نماز باعث پیگیری از جرایم نیز می‌شود نص صریح آیه ۴۵ سوره عنکبوت می‌فرماید: «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». همانان نماز انسان را از عمل فحشا و عمل ناشایست باز می‌دارد، به این معنی که کارکرد نماز، کارکردی پیشگیرانه از کجی‌ها و جرایم و معاصی می‌باشد.

### ۳-۴: پیشگیری از جرایم

بزهکاری پدیده انسانی و اجتماعی است که جوامع مختلف از گذشته با آن مواجه بوده‌اند، با وقوع بزه و جرم، پیشگیری از آن نیز مطرح شده است. سیاست جنایی برای مهار و کنترل جرایم بر پیشگیری از جرم تاکید دارد (نیازبور، ۱۳۹۳: ۲۵). در حقیقت پیشگیری از جرم اقدامات قبل از وقوع جرم را شامل می‌شود. راهبردهای سیاست جنایی در زمینه پیشگیری از جرایم شامل مجموعه‌ای از راهکارهای مستقیم و غیر مستقیم با هدف فراهم نمودن امکانات و موقعیت بازدارنده از جرم و کج روی‌ها می‌باشد (عشایری، ۱۳۹۸: ۴۱). پیشگیری در معنای موسع تمام راهبردهای کیفری و غیر کیفری را شامل می‌شود، برای مثال کیفر دادن و مجازات کردن نیز جزئی از برنامه‌های پیشگیرانه محسوب می‌شود. اما پیشگیری در معنای خاص فقط آن دسته از راهبردها و سیاست‌های غیرکیفری را که قبل از وقوع جرم اعمال می‌شود را شامل می‌شود. این نوع پیشگیری به پیشگیری وضعی و پیشگیری اجتماعی تقسیم می‌شود. پیشگیری وضعی به دنبال ایجاد مانع بین اندیشه مجرمانه برای رسیدن به عمل مجرمانه است و راهکارهایی برای تغییر در وضعیت و موقعیت‌ها مجرمانه است تا احتمال دستگیری مجرم افزایش داشته و یا هزینه ارتکاب جرم را افزایش داده و نیز از آماج و سیل‌های مجرمانه حراست می‌نماید. مانند نرده کشی، استفاده از دوربین‌های مداربسته، آشکارسازهای مغناطیسی، گماردن نگهبان و .... اما پیشگیری اجتماعی در حقیقت دنبال تربیت و آگاه‌سازی افراد جامعه به ویژه افراد پرخطر و کسانی که در معرض آسیب هستند تا با این روش افراد را از جرایم دور کرده و احتمال ارتکاب جرم را توسط ایشان به حداقل ممکن برساند. با ابتنا بر این از آنجایی که پلیس و ضابطان دادگستری از نیروهایی هستند که با جرایم و مفاسد مبارزه می‌کنند خود این نیروها نیز باید از جرایم و مفاسد به دور باشند.

### ۳-۵: پلیس؛ ضابط دادگستری

ضابطان که در لغت به معنی مباشر، عامل، نگاهدارند، حفظ‌کننده، حاکم و نیرومند و قوی در اداره کشور آمده است (انوری، ۱۳۷۸: ۴۸۰) و در اصطلاح حقوقی قضایی مأمورینی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان یا سایر مقام‌های قضایی اقدام می‌نمایند که قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضابطان را این‌گونه تعریف کرده است: ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و

مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می کنند. در این پژوهش منظور از ضابط همان پلیس هست. با درک معنی و مفهوم دقیق پلیس، معلوم می گردد که نیروهای پلیس می بایست برمدار قانون حرکت نموده و از هرگونه اعمال و رفتاری که مغایر با قانون است اجتناب کنند. بر همین اساس یکی از نهادهایی که با شکل گرفتن اجتماعات و تولد جوامع شهری، وجود آن ضرورت می یابد، نهاد پلیس است (مهدی زاده و خسروی سلیم، ۱۳۹۵: ۱۱۸). مأموریت اصلی پلیس حفظ نظم و امنیت عمومی جامعه است که یکی از نیازهای اصلی هر جامعه است. از سویی در جامعه افرادی هستند که با اعمال ناهنجار خود نظم و امنیت عمومی جامعه را بر هم می زنند، بنابراین برای برقراری نظم و امنیت پلیس یکی از ملزومات جامعه برای ادامه حیات خود هست. می توان برای پلیس دو معنا قرارداد عام و خاص که معنای عام پلیس عموماً به مأمورینی اطلاق می شود که صلاحیت وضع مقررات انتظامی و یا صدور دستورهای لازم الاجرا با آن هاست؛ به عبارت دیگر حق اتخاذ تصمیم دارند؛ اما معنای خاص پلیس ناظر به عملکرد مأمورینی است که مجری مقررات و یا دستورات انتظامی ای هستند که از طرف مقامات پلیس صادر گردیده است. برای مثال شهردار، فرماندار، استاندار و وزیر کشور؛ پلیس در مفهوم عام (مقامات پلیس) هستند و مأموران انتظامی (ژاندارمها و پاسبانها و کلانتران، بازرسان اداره آگاهی و سایر ادارات)، پلیس در مفهوم خاص (مأموران پلیس) محسوب می شوند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۴: ۲۱۱) ناگفته پیداست که منظور ما از به کار بردن واژه پلیس در این پژوهش، مأموران پلیس (پلیس در مفهوم خاص) یعنی مأموران مجری قانون است. با این اوصاف، منظور از پلیس، مأمورانی است که مأموریت برقراری، حفظ و ارتقاء نظم و امنیت را در سطح کشور بر عهده دارند. مطابق بند الف و ب شرح ماده ۱ نظامنامه رفتاری مأموران اجرای قانون، طی قطعنامه شماره ۳۴/۱۶۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحده مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۷۹، واژه مأموران اجرای قانون، شامل تمامی مأموران قانون است، خواه منتخب یا منصوب که اختیارات پلیس، خصوصاً قدرت دستگیری و بازداشت را اعمال می کنند. در کشورهایی که اختیارات پلیس به وسیله نیروهای نظامی چه با یونیفرم یا بدون یونیفرم یا توسط نیروهای امنیتی دولت اعمال می شود، تعریف مأموران اجرای قانون، شامل این قبیل اشخاص نیز خواهد بود.

#### ۴- روش تحقیق

این پژوهش از نظر نوع، کاربردی و از نظر روش، پیمایشی است. جامعه آماری تعداد ۱۵۰ نفر از کارکنان فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه می باشند. نفرات نمونه با استفاده از جدول مورگان ۱۰۸ نفر و انتخاب نمونه با شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. گردآوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته با استاندارد طیف لیپرت ۵ درجه ای صورت گرفت. قبل از توزیع پرسشنامه، اعتبار و روایی آن با استفاده از دیدگاه اساتید و کارشناسان حوزه تحقیق از طریق اعتبار محتوی و پایایی آن در پایان تحقیق از طریق محاسبه آلفای کرون باخ در سطح ۰.۸۵ مورد ارزیابی و تأیید قرار گرفت. این نتیجه مشخص می کند که تحقیق حاضر از اعتبار مناسبی برخوردار است؛ بنابراین برای تجزیه تحلیل داده ها از شیوه های آمار توصیفی مانند فراوانی و درصد فراوانی و آمار استنباطی مانند آزمون تحلیل T تک نمونه ای مستقل و معنادار بودن استفاده شده است و چون سؤالات دارای طیف لیکرت بوده اند حد متوسط ۳ را به عنوان میانگین در نظر گرفته ایم.

جدول ۱. ضریب پایایی مؤلفه های پژوهش

متغیر	تعداد سؤال	ضریب آلفا
مدیریتی - سازمانی	۴	۰/۸۱
فرهنگی - اجتماعی	۳	۰/۸۰
تربیتی - آموزشی	۴	۰/۸۲
نظارتی - حفاظتی	۳	۰/۸۱

#### ۵- یافته ها

در این بخش از پژوهش با استفاده از تحلیل داده های آماری به دنبال یافته های حاصل از پژوهش هستیم.

#### ۵-۱: یافته های توصیفی

جدول ۲. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی ها برحسب میزان تحصیلات

تحصیلات - شاخص آماری	فراوانی	درصد
دیپلم	۱۶	۱۴/۸
فوق دیپلم	۲۳	۲۱/۳
لیسانس	۵۹	۵۴/۶
فوق لیسانس و بالاتر	۱۰	۹/۳
کل	۱۰۸	۱۰۰

داده های جدول بالا نشان می دهد که از مجموع ۱۰۸ نفر از نمونه مورد مطالعه، ۱۴/۸ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۲۱/۳ درصد فوق دیپلم، ۵۴/۶ درصد لیسانس و ۹/۳ درصد دارای مدرک تحصیلی فوق لیسانس و بالاتر می باشند.

جدول ۳. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی ها برحسب رده سنی

رده سنی - شاخص آماری	فراوانی	درصد
۱۸ الی ۲۸ سال	۱۷	۱۵/۷
۲۹ الی ۳۹ سال	۴۵	۴۱/۷
۴۰ الی ۵۰ سال	۴۶	۴۲/۶
کل	۱۰۸	۱۰۰

داده های جدول بالا نشان می دهد که از مجموع ۱۰۸ نفر از کارکنان مورد مطالعه، ۱۵/۷ درصد در رده سنی ۱۸ الی ۲۸ سال، ۴۱/۷ درصد در رده سنی ۲۹ الی ۳۹ سال، ۴۲/۶ درصد در رده سنی ۴۰ الی ۵۰ سال قرار دارند.

جدول ۴. توزیع فراوانی و درصد آزمودنی‌ها برحسب سنوات خدمتی

درصد	فراوانی	سنوات خدمتی - شاخص آماری
۲۵	۲۷	۱ الی ۱۰ سال
۴۰.۷	۴۴	۱۱ الی ۲۰ سال
۳۴.۶	۳۶	۲۱ الی ۳۰ سال
۱۰۰	۱۰۸	کل

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که از مجموع ۱۰۸ نفر از کارکنان مورد مطالعه، ۲۵ درصد در سن خدمتی ۱ الی ۱۰ سال، ۴۰/۷ درصد در سن خدمتی ۱۱ الی ۲۰ سال، ۳۴/۳ درصد در سن خدمتی ۲۱ الی ۳۰ سال قرار دارند.

جدول ۵. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	حداقل نمرات	حداکثر نمرات	میانگین	انحراف معیار
مدیریتی - سازمانی	۳۲	۴۶	۴۱/۵۶	۳/۳۵
فرهنگی - اجتماعی	۶	۲۵	۱۶/۹۹	۳/۷۵
تربیتی - آموزشی	۱۳	۲۵	۲۰/۷۷	۲/۶۰
نظارتی - حفاظتی	۹	۲۰	۱۷/۵۱	۲/۰۸

در این مرحله تأثیر هر یک از عوامل ذکر شده در رعایت حقوق شهروندی متهمان را مورد بررسی قرار می‌دهیم. برای این کار از آمار استنباطی و آزمون‌های T مستقل تک نمونه‌ای و آزمون فریدمن استفاده می‌کنیم.

**فرضیه اول:** عوامل فرهنگی و اجتماعی در شکل‌گیری سبک زندگی اسلامی با تأکید بر نماز در پیشگیری از جرایم کارکنان موثر است.

جدول ۶. آزمون T مستقل عوامل فرهنگی و اجتماعی

عامل	تعداد	میانگین	انحراف معیار	فاصله اطمینان ۹۵٪	آماره T	sig
فرهنگی و اجتماعی	۱۰۸	۴.۱۵۶	۰.۳۳۵	حد پایین: ۱.۰۹ حد بالا: ۱.۲۲	۳۵.۷	۰.۰۰۰

چون سطح معنی‌داری عوامل فرهنگی اجتماعی  $\text{sig} = 0.00$  کمتر از  $0.05$  به دست آمده است، بنابراین میانگین این عامل بیشتر از حد متوسط است.

**فرضیه دوم:** عوامل نظارتی و حفاظتی در شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تاکید بر نماز در پیشگیری از جرایم کارکنان موثر است.

جدول ۰۷. آزمون  $T$  مستقل عوامل نظارتی و حفاظتی

عامل	تعداد	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪		انحراف معیار	آماره $T$	sig
			حد پایین	حد بالا			
نظارتی و حفاظتی	۱۰۸	۳.۳۹۸	۰.۲۵۴	۰.۵۴۱	۰.۷۵۱	۵.۵	۰.۰۰۰

چون سطح معنی داری عوامل نظارتی و حفاظتی  $\text{sig} = 0.00$  کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده است، بنابراین میانگین این عامل بیشتر از حد متوسط است.

**فرضیه سوم:** عوامل مدیریتی-سازمانی در شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تاکید بر نماز در پیشگیری از جرایم کارکنان موثر است.

جدول ۰۸. آزمون  $T$  مستقل عوامل مدیریتی-سازمانی

عامل	تعداد	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪		انحراف معیار	آماره $T$	sig
			حد پایین	حد بالا			
مدیریتی و سازمانی	۱۰۸	۴.۱۵۵	۱.۰۵	۱.۲۵	۰.۵۲۱	۲۳.۰۴	۰.۰۰۰

چون سطح معنی داری عوامل مدیریتی و سازمانی  $\text{sig} = 0.00$  کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده است، بنابراین میانگین این عامل بیشتر از حد متوسط است.

**فرضیه چهارم:** عوامل تربیتی و آموزشی در شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تاکید بر نماز در پیشگیری از جرایم کارکنان موثر است.

جدول ۰۹. آزمون  $T$  مستقل عوامل تربیتی-آموزشی

عامل	تعداد	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵٪		انحراف معیار	آماره $T$	sig
			حد پایین	حد بالا			
تربیتی و آموزشی	۱۰۸	۴.۳۷	۱.۲۸	۱.۴۷	۰.۵۵۲	۲۷.۴۵	۰.۰۰۰

چون سطح معنی داری عوامل تربیتی و آموزشی  $\text{sig} = 0.00$  کمتر از ۰.۰۵ به دست آمده است، بنابراین میانگین این عامل بیشتر از حد متوسط است.

برای مقایسه اهمیت تأثیر هریک از عوامل مدیریتی و سازمانی، فرهنگی و اجتماعی، تربیتی و آموزشی و نظارتی و حفاظتی شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تأکید بر نماز در پیشگیری از جرایم کارکنان و رتبه بندی آن‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. خروجی به صورت زیر است:

جدول ۱۰. رتبه بندی عوامل سازمانی مؤثر بر شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تأکید بر نماز در پیشگیری از جرایم کارکنان پلیس

عوامل	میانگین رتبه‌ها	میان رتبه‌ها	سطح معنی داری (sig)
مدیریتی و سازمانی	۲.۶۳	۴.۲	۰.۰۰
فرهنگی و اجتماعی	۲.۶۴	۴.۲	
تربیتی و آموزشی	۳.۳۲	۴.۵	
نظارتی و حفاظتی	۱.۴۱	۳.۴	

چون سطح معنی داری  $\text{sig} = 0.00$  کمتر از  $0.05$  است بنابراین این عوامل دارای تأثیر و رتبه یکسانی در شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تأکید بر نماز در پیشگیری از جرایم کارکنان مؤثر نیستند. با توجه به میانگین و میان رتبه هر یک از این عوامل می توان این گونه استنباط کرد که به ترتیب میانگین و میان رتبه عوامل تربیتی و آموزشی، فرهنگی و اجتماعی، مدیریتی و سازمانی و نظارتی و حفاظتی بیشترین تأثیر را در شکلگیری سبک زندگی اسلامی با تأکید بر نماز در راستای پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان پلیس در فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه دارا می باشند.

### بحث و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحلیل فرضیه های پژوهش نشان داد که میانگین مؤلفه های نظارتی و حفاظتی، تربیتی و آموزشی، مدیریتی و سازمانی و فرهنگی و اجتماعی از دیدگاه ۱۰۸ نفر کارکنان به عنوان نمونه آماری بر روی شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تأکید بر نماز در فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه بیشتر از حد متوسط است؛ و رابطه معناداری بین این مؤلفه ها و پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان پلیس برقرار است. از میان مؤلفه های مورد بحث، مؤلفه تربیتی و آموزشی با میانگین ۴.۵ در آزمون T تک نمونه ای مستقل با میانگین ۳.۳۲ در رتبه ها در اولویت دیدگاه جامعه آماری قرار داشت که با دقت در گویه های این مؤلفه می توان به آموزش های مستمر اخلاق کاربردی توسط اساتید اخلاق درون و برون سازمانی، برنامه های بین الصلواتین اعم از پخش فیلم های کوتاه از توصیه های اخلاقی رهبر معظم انقلاب اسلامی در قالب برنامه شرح حدیث و دیگر تولیدات سازمان عقیدتی سیاسی به فراخور مناسبت های مذهبی مانند ماه مبارک رمضان و ماه محرم، برگزاری جلسات سخنرانی مذهبی و موارد مشابه دیگر اشاره کرد و کارکنان بر این اعتقاد می باشند که هر چه قدر برنامه های تربیتی و آموزشی با محتوای مذهبی در قالب های جذاب از نظر سمعی و بصری زیاد و به هنگام باشد، می تواند در تقویت باورهای ایشان برای زندگی به سبک اسلامی و نمازخوان شدن آنها در راستای پیشگیری از جرایم و تخلفات مؤثر باشد. دومین اولویت انتخاب مؤلفه کارکنان فرهنگی و اجتماعی با میانگین ۴.۲ در آزمون T تک نمونه ای مستقل با میانگین ۲.۶۴ در رتبه ها است. در این مؤلفه گویه های فرهنگی اجتماعی به برنامه های مختلفی که از سوی عقیدتی سیاسی اجرا می شود اشاره مستقیم داشت. کارکنان پلیس معتقدند که برنامه هایی نظیر مسابقات کتابخوانی موضوعی در باب سبک زندگی اسلامی که تأکید فراوان روی نماز دارد می تواند بر تقویت این سبک کمک شایانی نماید، برای نمونه کتاب هایی که زندگی

نامه شهدا و صالحان را بیان می کند می تواند اهمیت بسزایی داشته باشد. برگزاری برنامه های فرهنگی که با حضور خانواده ها و فرزندان کارکنان توسط عقیدتی سیاسی اجرا می شود از برنامه های فرهنگی اجتماعی مهم در راستای سبک زندگی اسلامی می باشد. برگزاری جلسات اعیاد و شهادت اهل بیت علیه السلام به ویژه زیارت عاشورا و پخش مستندهای محتوایی از شهدا و سیره آنان، همچنین محتواهای در باب تهاجم فرهنگی غرب و نشان دادن اثرات پیروی از این سبک زندگی و برنامه های مشابه می تواند در راستای تقویت سبک زندگی اسلامی که تاکیدش بر نماز است بر پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان اهمیت بسزایی داشته باشد. مؤلفه سازمانی و مدیریتی به عنوان یکی از بنیانی ترین مؤلفه ها در سازمان فرماندهی انتظامی با میانگین ۴.۲ در آزمون T تک نمونه ای مستقل و با میانگین ۲.۶۳ در ردیف اولویت سوم کارکنان قرار دارد. اهمیت مبانی سازمان و مدیریت صحیح برای بهره وری و رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده بر کسی پوشیده نیست. فرماندهی انتظامی نیز به عنوان یک نهاد انتظامی - امنیتی نیازمند این است که از یک سازمان منسجم با مدیریت قوی برخوردار باشد تا بتواند به رسالت اصلی خود که حفظ نظم و امنیت و آرامش است، عمل نماید. بر اساس گویه های موجود در این مؤلفه، کارکنان بر این باورند که هر چه قدر سازمان از عدالت سازمانی بالایی برخوردار باشد می تواند کارکنان را نسبت به باورهای دینی سوق دهد. نوع نگاه و عملکردهای مجموعه فرماندهی در کمک به تقویت سبک زندگی اسلامی و اقامه نماز در پیشگیری از تخلفات کارکنان نقش بسزایی دارد. تنظیم ماموریت ها که تداخلی بر نماز نداشته باشد و نیز تشویق کارکنانی که در نمازهای جماعت ستاد شرکت می کنند از سوی فرماندهی از عوامل تاثیرگذار در این حوزه می باشد. حمایت های فنی و مهندسی فرماندهی در راستای تدارک نمازخانه های مجهز و مطلوب برای اقامه نماز از دیگر عوامل مهم موثر می باشد. مؤلفه نظارتی و حفاظتی با میانگین ۳.۴ در آزمون T تک نمونه ای مستقل و با میانگین ۱.۴۱ در ردیف آخر از اولویت های چهارگانه قرار دارد. از گویه های خیلی مهم و تأثیرگذار در این مؤلفه احیاء فریضه امر به معروف و نهی از منکر در ناجا با تشکیل شورای عالی امر به معروف و نهی از منکر در ناجا و کارگروه های اجرایی این برنامه در سطح استان ها و کمیته های اجرایی در شهرستان ها است، هدف اصلی این برنامه احیاء تذکر لسانی در بین کلیه کارکنان فرماندهی انتظامی است، پایش اثرهای این برنامه در فرماندهی انتظامی نیازمند پژوهشی جداگانه است، از دیگر برنامه های با اولویت درجه بالا تحقق فرمان های مقام معظم رهبری در برنامه های متعدد از جمله رعایت حقوق شهروندی و رعایت ضوابط شرعی در ماموریت ها و است که به صورت ماهانه مورد پایش قرار می گیرد، به باور کارکنان نظارت مستمر بر این برنامه می تواند باعث کاهش جرایم کارکنان و سوق پیدا کردن آنها به سمت سبک زندگی اسلامی گردد. با دقت در پاسخ کارکنان به گویه های پرسش نامه و نتایج حاصل از آن، معلوم می گردد که مفهوم های چهارگانه مورد بحث نقش معنی داری در تأثیر عوامل درون سازمانی بر شکل گیری سبک زندگی اسلامی با تاکید بر نماز در راستای پیشگیری از جرایم و تخلفات کارکنان فرماندهی انتظامی شهرستان مراغه برقرار است. با امعان نظر در پژوهش های انجام یافته در این زمینه که در پیشینه این پژوهش مورد اشاره قرار گرفته اند، می توان بیان داشت که نتایج این مقاله همسویی با نتایج آن ها دارد. برنامه های تربیتی آموزشی، فرهنگی اجتماعی، مدیریت سازمانی و حفاظتی نظارتی می تواند در صورت اجرای هدفمند و ضابطه مند و با رعایت شرایط زمانی و مکانی بر سبک زندگی کارکنان اثر گذاشته و آنان را به سمت زیست اسلامی که مظهر آن نماز می باشد هدایت کرده و باعث کاهش و کنترل جرایم و تخلفات کارکنان در فرماندهی نیروی انتظامی شهرستان مراغه گردد.

### پیشنهادها

- با امعان نظر در نتایج حاصل از پژوهش حاضر برای ارتقا سبک زندگی اسلامی با تاکید بر نماز که عامل پیشگیرانه از تخلفات و جرایم می باشد، می توان موارد زیر را به قالب پیشنهاد به فرماندهان، روسا و مدیران و تصمیم گیران فرماندهی انتظامی ارائه نمود:
- برگزاری برنامه های محتوایی تربیتی آموزشی با استفاده از ظرفیت های تصویری و شنیداری
  - برگزاری مسابقه های فرهنگی با موضوع منظومه فکری رهبری انقلاب در خصوص سبک زندگی متأثر از نماز
  - برگزاری مسابقات کتابخوانی در خصوص نماز و آثار آن بر سبک زندگی و اثرات آن بر کنترل جرایم و تخلفات
  - مطلوب کردن فضای نمازخانه ها
  - نظارت های هوشمند و هدفمند در راستای تحقق فرمان های مقام معظم رهبری در حوزه سبک زندگی اسلامی
  - اجرای برنامه های محتوایی در زمینه پیشگیری از جرایم
  - بازاندیشی دینی در زمینه سبک زندگی اسلامی با محوریت منظومه فکری رهبری انقلاب
  - بررسی جرم شناختی کنترل و مهار جرایم و تخلفات کارکنان پلیس با محوریت مناسک دینی به غیر از نماز.

### منابع

- ۱) انوری، گیوی (۱۳۷۸)، «زبان و ادبیات فارسی»، تهران: انتشارات فاطمی
- ۲) توسلی، محمدحسن؛ صادقی، محمدمامین (۱۳۹۴)، «آموزه های اسلامی پیشگیری از جرم»، بصیرت دینی و اسلامی، دوره ۱۲، شماره ۳۲
- ۳) جزینی، علیرضا؛ عباسی کسانی، علی؛ پناهی، محسن (۱۳۹۹)، «تاثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از جرم و آسیب های اجتماعی (با تاکید بر نقش نماز)»، دو فصلنامه مطالعات اسلامی آسیب های اجتماعی، دوره ۲، شماره ۱
- ۴) صنیعی، ماندانا (۱۳۹۸)، «سبک زندگی اسلامی»، همایش ملی روانشناسی، تعلیم و تربیت و سبک زندگی: تهران
- ۵) طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۸۴)، «حقوق اداری»، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ۶) عشایری، طاها؛ نامیان، فاطمه (۱۳۹۸)، «فرا تحلیل عوامل موثر بر پیشگیری از وقوع جرم»، پژوهش های مدیریت انتظامی، دوره ۱۴، شماره ۱
- ۷) علی خانی، اسماعیل (۱۴۰۲)، «کارکرد توحید در سبک زندگی»، پژوهشنامه فلسفه و دین، دوره ۲۲، شماره ۱
- ۸) مختاری اردستانی، داوود (۱۴۰۱)، «مؤلفه های فردی سبک زندگی اسلامی»، کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی: تهران
- ۹) مظاهری، حسین؛ ابراهیم پور، جمشید؛ رحیمی، سید داریوش (۱۳۹۶)، «مؤلفه ها و شاخص های سبک زندگی اسلامی»، مطالعات تاریخ و تمدن ایران و اسلام، دوره ۲ شماره ۲
- ۱۰) منگالی، زهرا (۱۳۸۹)، «مفهوم شناسی سبک زندگی اسلامی»، ماهنامه سوره، شماره ۴۶.
- ۱۱) مهدی زاده، حسین؛ خسروی سلیم، محمد مهدی (۱۳۹۵)، «اختیارات پلیس و حقوق مظنون در حقوق ایران، آمریکا و فرانسه». فصلنامه مطالعات حقوقی انتظامی، دوره ۱، شماره ۲

۱۲) موسوی، مهسا؛ زالی، زهرا؛ غلامی، مریم (۱۳۹۴). «جایگاه نماز و آثار آن بر سبک زندگی اسلامی و تعالی فرهنگی»، اولین همایش ملی اسلام و سلامت روان، تهران

۱۳) نیازپور، امیرحسین (۱۳۹۳)، «اساسی سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۶، شماره ۲

14) Adler, Alfred (1956), *"The Individual Psychology of Alfred Adler"*, New York: Basic Books Inc

15) Bourdieu, Pierre (1984), *"Distinction"*, New York: Routledge & Kegan Paul.

16) Cockerham, William: Thomas, Abel: Gunther, Luschen (1993), *"Max Weber, Formal Rationality and Helth Lifestyles"*, The Sociological Quarterly, Vol 34, N 2

17) Simmel, George (1964), *"The Metropolis and Mental Life"*, In the Sociology of George Simmel, edited by K. H. Wooff. New York: Free Press.

18) Wells, William D (1976), *"Comments on the Meaning of Lifestyle"*, Advances in Consumer Research, 3.

### توهین به ادیان و قومیت‌ها در پرتو جرم‌انگاری امنیت‌گرا

نویسندگان	عباسعلی اکبری *
وابستگی سازمانی	استادیار گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران
اطلاعات مقاله	نوع مقاله صفحه دوره ۱، شماره ۱
چکیده	پژوهشی ۸۱ - ۹۷
اطلاعات نویسنده مسئول	نویسنده مسئول کد ارکید تلفن ایمیل
سابقه مقاله	عباسعلی اکبری ..... ۰۹۱۲۱۷۶۹۳۲۱ dr.akbari@iaut.ac.ir
واژگان کلیدی	تاریخ دریافت تاریخ ویرایش تاریخ پذیرش تاریخ انتشار روش پژوهش
نوضیحات	۱۴۰۳/۰۵/۱۰ ۱۴۰۳/۰۶/۱۵ ۱۴۰۳/۰۶/۲۵ ۱۴۰۳/۰۷/۰۱ توصیفی تحلیلی
کلیدیه حقوق این مقاله متعلق به نویسندگان می‌باشد.	جرم‌انگاری، امنیت‌گرا، توهین به ادیان، توهین به قومیت‌ها، ماده ۴۹۹ مکرر

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد و تغییر جزئی را با ذکر منبع آن دارند.

نحوه استناد اکبری، عباسعلی؛ نخعی، یاسر (۱۴۰۳)، توهین به ادیان و قومیت‌ها در پرتو جرم‌انگاری امنیت‌گرا، فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین در جرم‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، صفحات ۸۱ - ۹۷

## Insulting Religions & Ethnicities in Light of Security Oriented Criminalization

Authors		Organizational Affiliation
Abbas Ali Akbari*		Assistant Professor, Department of Law, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
Yaser Nakhaei		PhD Student in Criminal Law & Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
Article Information		Abstract
Article Type	Research	<p>In recent years, cases of insulting ethnic groups, religions, and sects have been the beginning of tension and violence in society and have led to the disruption of public order and security. In 2010, with the concern of maintaining national security, the legislator criminalized insulting Iranian ethnic groups and religions and sects specified in the Constitution by adding Article 499 to the chapter on crimes against the country's internal and external security. Regardless of the necessity or non-necessity of a criminal response regarding insulting religions, religions, and ethnic groups, it seems that the criminalization that has been made is securitization-oriented. Considering the extension of restrictions and strictness regarding crimes against security to the aforementioned crime, the vagueness and interpretability of the act of insulting religions, religions, and ethnic groups, the expansion of the subject of the crime without determining an objective criterion, and the absolute criminalization of the material element of the crime, the legislator has taken a securitization-oriented approach in approving this article. Criminal policy can shift from focusing on a zero-tolerance criminal response and using cultural and religious activities by government institutions, especially the Iranian Broadcasting Corporation and non-governmental organizations, as well as religious scholars, to utilizing non-criminal solutions to prevent the occurrence of this crime and reform perpetrators, as well as paying attention to the rights of victims.</p>
Pages	81 - 97	
Volume 1, Issue 1		
Corresponding Author's Info		
Corresponding Author's	Abbas Ali Akbari	
ORCID	0000-0000-0000-0000	
Tell	09121769321	
Email	dr.akbari@iaut.ac.ir	
Article History		
Received	2024/07/31	
Revised	2024/09/05	
Accepted	2024/09/15	
Published	2024/09/22	
Online:		
Research Method	Descriptive & Analytical	
Keywords		<i>Criminalization, Sectarianism, Insulting Religions, Insulting Ethnicities, Article 499 repeated</i>
Description		
<i>All rights to this article belong to the authors.</i>		
<i>Readers of this magazine are permitted to distribute, recombine, and modify the material with due acknowledgement of the source.</i>		
How to Cite This Article	Akbari, Abbas Ali; Nakhaei, Yaser (1403), Insulting Religions & Ethnicities in Light of Security Oriented Criminalization, Scientific Quarterly of Modern Researches in Criminology, Volume 1, Number 1, Pages 81-97	

## ۱- مقدمه

جرم‌انگاری یکی از اهرم‌های سیاست جنایی هر کشور در برقراری نظم عمومی و حمایت از آزادی‌های قانونی شهروندان می‌باشد. در حقیقت دولت خود را مجاز می‌داند که برای حفظ حاکمیت خویش و نیز تامین نظم اجتماعی و تضمین بهره‌مندی آحاد مردم جامعه از آزادی‌های قانونی، اقدام به جرم‌انگاری نماید و فعل یا ترک فعلی را غیرمجاز اعلام و آن را متصف به وصف مجرمانه کند. البته استفاده بی‌رویه از جرم‌انگاری و یا عدم توجه به معیارها و الزامات جرم‌انگاری می‌تواند باعث محدودیت غیرموجه آزادی‌های فردی در جامعه شده و حقوق جزا را از کارکرد اصلی خود دور نماید. می‌توان گفت توسل به ضمانت اجرای کیفری برای تامین منافع اساسی افراد جامعه زمانی قابل توجیه است که نتوان برای کنترل یک رفتار از دیگر رشته‌های حقوقی بهره جست. (Clarkson, 1987 : 167) اصل حداقل بودن حقوق جزا که از آن با عناوین دیگری مانند حقوق جزا به عنوان آخرین وسیله، اصل صرفه‌جویی کیفری، اصل تکمیلی یا فرعی بودن حقوق کیفری نیز یاد می‌شود، مؤید این نکته است که مداخله کیفری که اصولاً موجب بیشترین تعرض و تعدی به حقوق و آزادی‌های شهروندان است، باید به عنوان آخرین راه چاره و در حداقل موارد ضروری صورت گیرد. (غلامی، ۱۳۹۸ : ۴۵) حکومت از یک سو در تلاش است تا نظم و امنیت عمومی جامعه را محقق نماید و از سوی دیگر ملزم است که شهروندان را از حقوق بشری خویش، محروم ننماید. در دیدگاه امنیت‌مدار به پدیده مجرمانه، حفظ امنیت کلیدواژه ای است که در لوای آن، دخالت در حقوق شهروندان و توسل به تدابیر سخت‌گیرانه در قبال مجرمان و فاصله‌گیری از معیارهای حقوق بشری، توجیه‌پذیر می‌گردد. می‌توان گفت اگر اقدام به جرم‌انگاری در یک جامعه از حالت نرمال و متعارف خود خارج شود و حقوق کیفری قلمرو منطقه آزاد رفتاری آحاد جامعه را کاهش دهد و باعث گسترش منطقه کنترل شده رفتاری گردد، جرم‌انگاری امنیت‌گرا یا حداکثری متبلور می‌شود. رمز بقای کشور ایران در طول تاریخ با توجه به کثرت قومیت‌ها و وجود ادیان و مذاهب مختلف در آن، همزیستی مسالمت‌آمیز هویت‌های قومی و پیروان ادیان و مذاهب در کنار یکدیگر است. فارغ از اینکه اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کنار تعیین اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری به عنوان دین رسمی ایران، برای پیروان سایر ادیان مصرح در قانون اساسی یعنی زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان و نیز پیروان مذاهب اسلامی، آزادی در انجام مراسم دینی و اعتقادی و احوال شخصیه را مقرر کرده است، توهین به هریک از ادیان و مذاهب مصرح در قانون اساسی و البته سایر ادیان و فرقه‌هایی که دارای طرفدارانی هستند و نیز قومیت‌های گوناگون، می‌تواند زمینه ایجاد تنش یا خشونت را در جامعه فراهم سازد. چه‌بسا خشم ناشی از تحریک احساسات قومی و دینی و مذهبی در افراد جامعه، موجب از بین رفتن وحدت و به خطر افتادن امنیت ملی گردد. وجود همسایگانی با قومیت و مذهب واحد در مرزهای کشور نیز، گاهی باعث تشدید این ناامنی و شعله ور شدن بیشتر احساسات قومی و مذهبی می‌شود. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۹ با تصویب ماده ۴۹۹ مکرر تعزیرات با جرم‌انگاری توهین به قومیت‌های ایرانی و ادیان الهی و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی برای ارتکاب این عمل، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفت. اضافه نمودن ماده مذکور در فصل جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور و نیز توجه به نص ماده که قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا علم به وقوع آن را برای تحقق این جرم، مورد تصریح قرار داده است، این اندیشه را به ذهن متبادر می‌کند که جرم‌انگاری صورت‌گرفته در خصوص توهین به قومیت‌ها و مذاهب، صبغه امنیتی دارد. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که جرم‌انگاری انجام شده در خصوص توهین به ادیان و قومیت‌ها موضوع ماده ۴۹۹ مکرر قانون تعزیرات (الحاقی ۱۳۹۹)، تا چه میزان از شاخص‌های جرم‌انگاری امنیت‌گرا برخوردار است؟

## ۲- رویکرد امنیت مدارانه در جرم انگاری

رویکرد امنیت مدارانه در جرم انگاری به معنای تمرکز بر حفظ امنیت عمومی و جلوگیری از تهدیدات بالقوه به جامعه است. این رویکرد به تدریج در سیاست های کیفری کشورهای مختلف، از جمله ایران، شکل گرفته و به نوعی بر فرآیند جرم انگاری تأثیر گذاشته است. در این بخش از پژوهش به شرح این مطلب می پردازیم.

### ۲-۱: معیارها و الزامات جرم انگاری

جرم انگاری فرایندی است که به موجب آن مقنن با لحاظ نمودن هنجارها و ارزش های اساسی جامعه و با تکیه بر مبانی نظری مورد تایید خود، ارتکاب یا عدم ارتکاب عملی را ممنوع و برای نقض این ممنوعیت مجازات تعیین می کند. بر این اساس جرم انگاری امری پسینی و مبتنی بر علوم زیرساختی مانند فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی است. (آقابابایی، ۱۳۸۴: ۱۱) این فرایند همواره از عوامل مختلفی مانند مبانی نظری و مورد تأیید حکومت و ملاحظات سیاسی و عقیدتی حاکم بر جامعه متأثر می گردد. البته وجود چنین عواملی مانع از آن نیست که منابع فراملی بر جرم انگاری تأثیرگذار باشند. (مجیدی، ۱۳۹۳: ۳۹) البته استفاده از ضمانت کیفری باید به مواردی منحصر گردد که منافع اساسی و حیاتی همه مردم یا جامعه لطمه دیده باشد. (کلارکسون، ۱۳۷۱: ۲۳۷) زمانی می توان جامعه ی جرم بر تن یک فعل یا ترک فعل پوشاند که آن را از سه فیلتر اصول، پیش فرض ها و کارکردها عبور داد. در فیلتر اصول، باید رفتار مورد نظر بر اساس برخی از اصول و مبانی نظری راجع به جرم انگاری (مثلا اصل صدمه) در حیطه مداخله دولت قرار داشته باشد. در فیلتر پیش فرض ها، باید بتوان ثابت کرد که مداخله حقوق کیفری ضروری است و نمی توان با روش های ملایم تر از نظر ضمانت اجرا با رفتار مدنظر مقابله کرد. در فیلتر کارکردها باید پیامدهای عملی جرم انگاری رفتار بررسی شود و تنها در صورتی آن را جرم انگاری نمود که فایده آن بر هزینه ها و زیان برتری داشته باشد. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۲۶) اگر مقنن از محدوده دخالت خویش در جرم انگاری (یعنی منافع اساسی و حیاتی شهروندان و جامعه) تجاوز کند، بدون تردید نظام کیفری را درگیر پیامدهای فاسد آن خواهد کرد و اگر برای هر امری بدون جهت از مجازات استفاده کند، جز تورم کیفری و افزودن بدون جهت بر عناوین مجرمانه کار دیگری نکرده است. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۰)

کارکرد ارزشی و توصیفی یکی از کارکردهای مهم حقوق کیفری در جامعه می باشد؛ به عبارت دیگر مقنن با در نظر گرفتن وصف مجرمانه برای برخی رفتارها، ارزش های اساسی و بنیادین مورد قبول یک جامعه را مشخص می نماید. اگر قانون گذار بخواهد به طور وسیع از مجازات استفاده نماید و در مواردی به آن متوسل شود که یا کم اهمیت بوده و یا یک توافق گسترده عمومی در مورد ضرورت ورود آن ها به حقوق کیفری وجود ندارد، این مساله به تضعیف کارکرد ارزشی و اخلاقی حقوق کیفری منجر می گردد. اگر تابعان حقوق کیفری ملاحظه کنند که بسیاری از رفتارهای آنها چه در خلوت خصوصی و چه در عرصه عمومی با وجود این که صدمه ای به دیگران و نظم و آسایش شهروندان نمی زند، در قلمرو قوانین کیفری جای گرفته اند، این تصور در آنها شکل خواهد گرفت که حقوق کیفری ابزاری در دست حکومت برای تحمیل ارزش های مورد قبول خود است. اگر مردم مشاهده نمایند که حقوق کیفری درصدد ارزش سازی بر اساس هنجارهای حکومتی است، قدرت اخلاقی آن با تردیدهای جدی مواجه خواهد گردید. (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۱۰)

در فرایند جرم انگاری، علاوه بر توجه به اصول و ملاک های جرم انگاری، مقنن باید هزینه های اقدام کیفری را نیز محاسبه نماید. با چنین نگاهی و با در نظر گرفتن لزوم تأمین حداکثری آزادی های فردی، اقدام به جرم انگاری تنها بر مبنای اصول و ملاک های معرفی

شده و یا از طریق محاسبه و سنجش منافع و هزینه های اقدام کیفری، منطقی و مجاز خواهد بود. (مجیدی و تاج‌آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۰) بنابراین هنگام گزینش ضمانت اجرای کیفری باید فواید و هزینه های جرم‌انگاری مورد توجه قرار گیرد. در این معیار بیشتر قابلیت اجرای قانون و هزینه‌هایی که از اجرای قانون بر جامعه تحمیل می‌شود مبنای توجیه یا عدم توجیه جرم‌انگاری محسوب می‌شود. اگر زیان های جرم‌انگاری یک عمل معین بر فواید آن چیره گردد، در درستی اقدام مقنن باید تردید کرد، مگر آن‌که ارزش مورد حمایت از دیگاه جامعه از چنان اهمیتی برخوردار باشد که جامعه حاضر به پذیرش آن باشد. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۲) در واقع مقنن باید در امر جرم‌انگاری از تحدید بی‌دلیل آزادی‌های شهروندان خودداری نماید. افکار عمومی جامعه موضوع دیگری است که باید در جرم‌انگاری مورد توجه مقنن واقع شود. گستره افکار عمومی به حدی است که شامل تاثیرگذاری و تاثیرپذیری در تمامی اشخاص، موسسات، سازمان‌ها و گروه‌هاست. از همین روی به تدریج نه تنها نظام‌های سیاسی، بلکه سیاست‌گذاران جنایی را نیز به سمت شناخت و بهره‌گیری از آن سوق داده و این مساله در همه نظام‌های حقوقی دنیا و از جمله نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با درجات کم و زیاد وجود دارد و اغلب بر این امر واقفند که بی‌توجهی به افکار عمومی در سیاست های کیفری نمی‌تواند چندان پایدار و مستحکم باشد. (قربانی، ۱۴۰۲: ۲۸)

جرم‌انگاری وقتی می‌تواند باعث کاهش جرم شود که متخذ از عرف و افکار عمومی جامعه باشد. به عبارت دیگر مردم باید از اقدام مقنن برای جرم شناختن عمل احساس آرامش داشته باشند. (پوربافرانی، ۱۳۹۲: ۳۴) در این صورت است که افراد جامعه با پذیرش جرم‌انگاری صورت گرفته توسط قانون‌گذار، با لحاظ نمودن آن و اجتناب از انجام فعل یا ترک فعل مجرمانه، هم‌نوایی خود با حاکمیت را نشان می‌دهند. البته نباید در میزان تاثیرپذیری مقنن از افکار عمومی نیز افراط نمود. اگر سیاست کیفری بر آن باشد تا به افکار عمومی توجه داشته باشد، خواه و ناخواه به سمت یک رویکرد پوپولیستی یا رویکرد عوام‌گرایانه سوق داده می‌شود و این موضوعی است که در چند قرن اخیر شاهد آن بوده‌ایم و احساس می‌شود روز به روز هم بر میزان این تاثیر افزوده شود، چرا که به محض ارتکاب جرایمی که افکار عمومی خود را درگیر آن می‌بیند واکنش اولیه اش نسبت به آن رویداد مجرمانه معمولاً سخت‌گیرانه است و پاسخ‌های قضایی را خفیف و ناعادلانه می‌داند؛ لذا خواهان برخورد شدید، فوری و آنی مراجع ذیربط بوده و به تبع آن نیز مقنن بارها به شیوه‌ای احساسی نسبت به وضع قوانین و یا متروک تلقی کردن آن‌ها در مقام عمل اقدام نموده است و این نشانگر تاثیر چشم‌گیر افکار عمومی در برخی از موارد بر سیاست کیفری ایران می‌باشد. (قربانی، ۱۴۰۲: ۲۹) پس از این‌که قانون‌گذار در نفس جرم‌انگاری یک فعل یا ترک فعل با رعایت معیارها و الزامات پیش‌گفته به نتیجه رسید، موضوع مهم دیگر این است که باید تناسب میان جرم و نوع و میزان مجازات نیز توسط مقنن کیفری رعایت شود. در حقیقت شدت مجازات یک جرم، می‌تواند حاکی از درجه خطرناکی آن جرم از دید مقنن و همچنین، یکی از عوامل تعیین‌کننده ریسک ارتکاب جرم برای مرتکب باشد. تناسب میان جرم و مجازات توسط سزار بکاریا دانشمند ایتالیایی در کتاب رساله جرایم و مجازات‌ها مورد توجه قرار گرفته است: «اگر امکان می‌داشت که نسبت به شمار بی‌نهایت ترکیبات مبهم اعمال انسان محاسبه هندسی را به کار برد باید بتوان در میان آن‌ها طیفی متناسب با مجازات‌ها یافت که از شدیدترین تا خفیف‌ترین درجه نوسان پیدا کند. اگر مرتبه‌های عام و دقیقی از مجازات‌ها و جرایم به دست می‌داشتیم، احتمالاً مقیاس مشترکی از درجه استبداد و آزادی، انسانیت و شرارت ملت‌های مختلف به دست می‌آمد؛ ولی قانون‌گذار خردمند را همین بس که تقسیمات اساسی را معین کند و ترتیب را رعایت نماید و مراقب باشد که به جرایم درجه اول مجازات‌های درجه آخر را اختصاص ندهد.» (بکاریا، ۱۴۰۰: ۹۴)

## ۲-۲: جرم انگاری امنیت گرا

حقوق کیفری در سال های اخیر و به ویژه پس از اقدام تروریستی ۱۱ سپتامبر در آمریکا با ادعان به عدم موفقیت رویکردهای اصلاح و درمان و تحت تاثیر جنبش های بازگشت به کیفر، به سمت رویکردهای امنیت مدار متمایل شده است. جهت گیری های جدید سیاست جنایی و به طور خاص تری حقوق کیفری با تمرکز بر روی امنیت و از طریق تصویب قوانین سخت گیرانه، کاهش تضمین های دادرسی و اعطای اختیارات فراوان به مقامات اجرایی، امنیت را در تقابل با آزادی قرار داده و جامعه را به سمت پلیسی کردن و خطرمداری سوق می دهد. بازتاب رویکردهای امنیت مدار در عصر حاضر باعث می گردد تا حقوق کیفری در چالش با قواعد حقوق بشر قرار گیرد و اسباب تعرض به آن را فراهم آورد. (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۳) در سال های اخیر شاهد شکل گیری جرم شناسی و حقوق کیفری جدیدی هستیم که دشمن مدار و یا به تعبیری امنیت مدار است. حقوق کیفری کلاسیک، مجرم را یک فرد خودی می داند و لذا برخورد عادلانه با وی را توصیه می کند اما در حقوق کیفری مدرن فرد مجرم یک دشمن است و تأمین امنیت جامعه برخورد شدید با وی را توجیه می کند. بدین سان است که شاهد عقب نشینی حقوق کیفری حقوق بشری شده، دست کم در پاره ای جرایم، هستیم. به نظر می رسد امنیت به نوعی وسایل دستیابی به آن را توجیه می کند. رویکرد امنیت مدار در برخی از اسناد بین المللی مانند اساسنامه های دیوان های کیفری بین المللی رواندا<sup>۱</sup> و یوگسلاوی سابق<sup>۲</sup> و دیوان کیفری بین المللی (ICC)<sup>۳</sup> و کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی (مریدا، ۲۰۰۳)<sup>۴</sup> و کنوانسیون مبارزه با جرم سازمان یافته فراملی (پارمو، ۲۰۰۰)<sup>۵</sup> نیز نمود داشته است. در این اسناد می بینیم که چگونه دغدغه تضمین امنیت بر دغدغه های عدالت پیشی گرفته است و اسناد بین المللی در جهت تحقق امنیت پاره ای از اصول مسلم حقوق کیفری کلاسیک را تعدیل کرده و حتی در شرایطی کنار می گذارند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۱۱۲) جرم شناسی جدیدی که البته با مسامحه عنوان جرم شناسی را به آن می دهیم و به نوعی در برابر جرم شناسی هنجارمند قرار می گیرد، جرم شناسی امنیتی است. جرم شناسی هنجارمند یعنی عبور دادن راهکارها و یافته های جرم شناسی از سنجح حقوق بشر، برای وارد کردن آنها در حقوق کیفری. اما جرم شناسی امنیتی یا به تعبیر استاد دلماس مارتی<sup>۶</sup>، علم پلیسی یا علم استراتژیک (راهبردی) یا جرم شناسی خطر ریسک یا به عبارتی جرم شناسی قانون و نظم یک گروه از مجرمین یا جرایم را، به این اعتبار که دشمن جامعه و خطرناک می داند برجسته و مشمول مقررات کیفری و رویکرد خاصی در جرم شناسی می کند. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱: ۲۲) تقابل و تعارض میان تحقق نظم و امنیت عمومی در جامعه از سویی و رعایت معیار های حقوق بشری در خصوص شهروندان از سویی دیگر، زمینه ظهور عدالت کیفری امنیت مدار را در برابر عدالت کیفری کرامت محور ایجاد می نماید. در عدالت کیفری امنیت مدار برخلاف عدالت کیفری کرامت مدار که تحت تاثیر اندیشه هایی نظیر مکتب دفاع اجتماعی بر ضرورت مبارزه با پدیده مجرمانه در قالبی انسانی و موجه با معیار های متناسب را مورد تاکید قرار می دهد، متصدیان حفظ نظم به عذر تحقق امنیت، معیارهای حقوق بشری در خصوص شهروندان جامعه را به ورطه فراموشی می سپارند. (جعفریان سوته، ۱۳۹۴: ۳۶) اگر عملکرد سیاست تقنینی یک جامعه تحت عنوان جرم انگاری، از حدود نرمال و متعارف خود خارج شده و دامنه مداخله و پیشروی حقوق کیفری را در قلمرو اعمال مباح افراد گسترش دهد و یا با محدود کردن منطقه آزاد رفتاری سبب

<sup>1</sup> International criminal Tribunal for Rwanda

<sup>2</sup> International criminal Tribunal for the former Yugoslavia

<sup>3</sup> International criminal court

<sup>4</sup> United Nations Convention Against Corruption 2003

<sup>5</sup> United Nations Convention Against Transnational Organized Crime 2000

<sup>6</sup> Mireille Delmas-Marty

توسعه منطقه کنترل شده رفتاری شود، سخن از جرم‌انگاری حداکثری یا امنیت‌مدار پیش می‌آید. (هوساگ، ۱۳۹۰: ۲۶) جرم‌انگاری امنیت‌مدار، ریشه در عدالت کیفری امنیت‌مدار دارد. امنیت‌گرایی در اصطلاح، یعنی مبتنی کردن قواعد و مقررات حقوق کیفری بر حاکمیت امنیت، اگرچه به قیمت شکسته شدن عدالت و نگاه‌داشتن پایه احقاق حق بر مساوات و عدم توجه به حقوق متهم تمام شود. در اصطلاح حقوقی امنیت‌گرایی عبارت است از فدا کردن برخی از حقوق بشری مجرمان و متهمان به جهت حفظ امنیت. (توجهی و برنجی، ۱۳۹۱: ۳۲) یکی از ریشه‌های گسترش اندیشه‌های امنیت‌مدار در سطح سیاست جنایی، شکل‌گیری ترس از جرم در جامعه می‌باشد. در صورتی که نظام کیفری به صورت مستقل در چارچوب یک واکنش کیفری در قالب تحمیل مجازات، انحراف اجتماعی را به عنوان محصول سیاست جنایی تقنینی و رفتار فاصله‌گیر از قاعده‌مندی و موضع خطر معرفی نماید، می‌توان گفت که آن نظام کیفری به سمت امنیتی شدن در حرکت است، چراکه نسبت به رفتارهای اجتماعی کوچک‌ترین اغماض و چشم‌پوشی روا نداشته و در قبال آن به تسامح عمل نکرده است. (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۹) متأثر شدن حقوق کیفری از رویکردهای امنیت‌گرایانه از دیدگاه برخی می‌تواند به حفظ امنیت شهروندان جامعه کمک نماید و از این‌رو کم‌رنگ شدن برخی از اصول حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری، قابل توجه به نظر برسد؛ اما عده‌ای دیگر بر این باور هستند که رویکرد امنیت‌گرایانه در جرم‌انگاری، زنگ هشدار برای حاکمیت می‌باشد که نتوانسته بدون تحدید آزادی شهروندان و تعدی به حقوق بشر، مشکلات جامعه خود را حل کند. بنابراین شاید سیاست جنایی با توسل به جرم‌انگاری امنیت‌گرا بتواند در تأمین و حفظ امنیت موفق باشد ولی با تداوم این رویکرد، اثر زیان‌بار آن با پایمال شدن حقوق دفاعی متهمان و کاهش اعتماد شهروندان به کارکرد جرم‌انگاری توسط حکومت در تضمین آزادی و حقوق بنیادین بشری آنان، آشکار می‌گردد. در چنین موقعیتی قانون‌گذار از منظر افراد جامعه به استفاده ابزاری از جرم‌انگاری برای تثبیت و تداوم قدرت حاکمیت موجود متهم خواهد شد.

### ۳- جرم‌انگاری توهین به ادیان و قومیت‌ها در ماده ۴۹۹ مکرر الحاقی ۱۳۹۹

توهین از نظر لغوی به معنی خوار کردن، خوار داشتن، سبک داشتن، خفیف کردن و سست کردن است. (معین، ۱۳۸۶: ۷۳۶) مقنن توهین و اهانت را که ریشه مشترکی دارند، برای یک منظور و آن هم جرم توهین به کار برده است. واژه وهن، به فتح اول برای سستی وضع شده است و توهین، سست گردانیدن را گویند و در اصطلاح حقوقی مراد از اهانت و توهین معانی عرفی آنها می‌باشد. در این معنی توهین عبارت است از هر فعل یا ترک فعل اعم از گفتار و رفتار و کتابت و اشاره که به نحوی از انحاء در حیثیت و شرافت متضرر از جرم وهن آورد. از این رو می‌توان هتک حرمت را به یک تعبیر نتیجه حاصل از توهین دانست. (پاد، ۱۳۴۸: ۲۴۲) آنچه که در این تعریف و سایر تعاریف ارائه شده از توهین حائز اهمیت است این است که معیار تشخیص توهین، عرف می‌باشد. ماده واحده قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین یا هتک حرمت مصوب ۱۳۷۹ نیز بر معیار عرفی در تحقق توهین تأکید می‌نماید. لازمه جرم شناختن توهین، ارزیابی رفتار مرتکب با معیار عرف است، اما این بدان معنا نیست که صرف موهن بودن عرفی یک اقدام کافی برای جرم‌انگاری آن باشد؛ به عبارت دیگر هر توهین کیفری مبنای عرفی دارد ولی هر توهین عرفی به نحو الزام آوری جرم محسوب نمی‌شود. بنابراین، در تشخیص توهین هرچند عرف نقش مبنایی دارد ولی برای کیفری بودن آن باید به شرایط مقرر در قانون، نظر مقنن و اندیشه جرم‌زدایی نیز توجه داشت. (آقای نی، ۱۳۹۵: ۲۵) توهین در قوانین کیفری ایران در مواد ۶۰۸ (توهین عادی یا ساده)، ۶۰۹ (توهین به ماموران دولت)، ۵۱۳ (توهین به مقدسات اسلامی)، ۵۱۴ (توهین به امام خمینی و رهبری) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵ و نیز ماده ۲۶۲ کتاب دوم قانون مجازات اسلامی

(حدود) مصوب ۱۳۹۲ در خصوص سب نبی و مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ (توهین از طریق مطبوعات) جرم‌انگاری شده است. با در نظر گرفتن واقعیات جامعه ایران، به نظر می‌رسد که مؤلفه اقوام (قوم) با ادیان (و مذاهب) لزوماً منطبق بر هم نبوده و هر یک تعریف، مضامین، گستره و مقتضیات خاصه خود را دارد. شاید با تسامح بتوان گفت که واژه ی «اقوام» در بردارنده عناصر نژادی، زبانی، فرهنگی، اجتماعی و آداب و رسوم و حتی جغرافیا است؛ در حالی که تعبیر «ادیان و مذاهب» صرفاً باورها و اعتقادات مبتنی بر ماوراءالطبیعه و نیز نوعی اولوهیت و تقدس را در گستره خود گنجانده‌اند. توضیح این‌که در ایران، انطباق اقلیت قومی و مذهبی به صورت توأمان قابل تصور است مانند کردهای اهل تسنن غرب ایران یا ترکمن‌های سنی مذهب استان گلستان. (صادقی

**و قرقانی، ۱۴۰۲: ۵)**

در خصوص توهین به مقدسات و ادیان و مذاهب و قومیت‌ها، باید به تفاوت موضوع جرم در این جرایم و نیز گستره بزه‌دیدگان توجه داشت. در توهین موضوع ماده ۶۰۸ بزه‌دیده فرد معینی است که با توجه به قابل گذشت بودن جرم، امکان شکایت کیفری پیدا می‌کند اما در توهین به ادیان و مذاهب، غالباً فرد معینی موضوع جرم نیست بلکه انجام توهین به قصد تحریک احساسات دینی و مذهبی یا قومی و نژادی صورت می‌گیرد. بنابراین علاوه بر اقلیت مذهبی یا قومی معینی که ارزش‌های آن مورد اهانت قرار گرفته است، کل جامعه نیز متحمل آسیب می‌شود. توهین به مقدسات مذهبی به اعتبار موضوع توهین که افراد، نهادها، نمادها، اماکن یا اشیاء مقدس و مورد احترام هستند، در زمره توهین‌های مشدد قرار می‌گیرد و با توجه به مخاطرات اجتماعی و امنیتی آن، در برخی نظام‌های حقوقی در زمره جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی قرار گرفته است. (توکلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۰) با وجود این‌که قانون اساسی به حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی، دینی و قومی تأکید دارد و در همین راستا اصل ۱۵ قانون اساسی استفاده از زبان‌های محلی و قومی را در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آن‌ها در کنار زبان رسمی کشور آزاد دانسته‌است و بنا بر اصل ۱۹ آن، مردم ایران از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ و نژاد و زبان موجب برتری نمی‌باشد، اما به اعتقاد برخی «در قوانین جنایی ایران مقررات ویژه‌ای مانند آن‌چه بیش و کم درباره دیگر گونه‌های خاص بزه‌دیدگان همچون زنان و کودکان پیش‌بینی شده برای حمایت از اقلیت‌های بزه‌دیده به چشم نمی‌خورد.» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۴۹) توهین به ادیان و قومیت‌ها را در بعضی از اشکال آن می‌توان یک جرم ناشی از نفرت نیز در نظر گرفت. جرم ناشی از نفرت جرمی است که همراه با پیش‌داوری نسبت به خصوصیات حمایت‌شده بزه‌دیده (مانند نژاد و مذهب) باشد و معمولاً هنگامی رخ می‌دهد که مجرم، بزه‌دیده را به دلیل وابستگی یا عضویت در یک گروه اجتماعی هدف جرم قرار دهد. از این رو، جرم ناشی از نفرت از دو پیش‌شرط اساسی برخوردار است. نخست آن‌که مرتکب باید رفتاری مجرمانه (مانند توهین) انجام داده باشد و دوم آن‌که علت غایی ارتکاب جرم، نفرت یا به تعبیر دقیق‌تر پیش‌داوری بزهکار نسبت به خصوصیات حمایت‌شده ی بزه‌دیده باشد. (قورچی بیگی و رضائیان، ۱۳۹۹: ۲۱۸) مرتکب جرم ناشی از نفرت ممکن است حتی شناختی از بزه‌دیده نداشته باشد ولی آن‌چه که وی را در ارتکاب جرم مصمم می‌کند، ویژگی خاص بزه‌دیده از نظر دارا بودن قومیتی خاص یا مذهبی معین است.

### **۳-۱: توهین به مقدسات و ادیان و قومیت‌ها در قوانین موضوعه**

توهین به مقدسات، ادیان و قومیت‌ها یکی از موضوعات حساس و چالش‌برانگیز در نظام‌های حقوقی مختلف است. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی، این عمل تحت عنوان جرم شناخته شده و مجازات‌های سنگینی برای آن تعیین گردیده است. در اینجا به بررسی قوانین مقاطع مختلف زمانی در این باره می‌پردازیم.

### ۳-۱-۱: مقطع زمانی قبل از انقلاب اسلامی

توهین به مقدسات اسلامی در قبل از انقلاب اسلامی نیز مورد توجه مقنن وقت بوده است. جرم‌انگاری توهین به قومیت‌ها در دوره زمانی قبل از انقلاب اسلامی فاقد سابقه می‌باشد، اما می‌توان در حالت کلی‌تر به قانون «مجازات تبلیغ تبعیض نژادی» اشاره نمود که متعاقب پیوستن ایران به «معاهده بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی»<sup>۱</sup> در سال ۱۳۴۵ و در راستای اجرایی کردن الزامات ناشی از این قرارداد بین‌المللی، در سال ۱۳۵۶ به تصویب رسید. ماده یک این قانون، نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس و نفرت نژادی و تحریک به تبعیض بر اساس نژاد و یا جنس را از طریق یکی از وسایل تبلیغ عمومی علیه هر گروه که از حیث نژاد، جنس و رنگ و قومیت متفاوت باشد، جرم‌انگاری نموده است.

### ۳-۱-۲: مقطع زمانی بعد از انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با تغییر در قوانین جزایی و همسو شدن قوانین با فقه اسلامی، طی مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) توهین به مقدسات اسلام و امام خمینی (ره) و رهبری جرم‌انگاری شده است. در ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز برای دشنام (سب) به پیامبر اکرم (ص) و سایر انبیای عظام الهی و ائمه طاهرین علیهم السلام و حضرت فاطمه زهرا (س)، مجازات حدی اعدام تعیین شده است. علاوه بر قانون مجازات اسلامی، در قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴ با اصلاحات و الحاقات بعدی، به توهین به مقدسات اشاره شده است. بند ۸ ماده ۶ این قانون، اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید را از جمله موارد اخلاف به مبنای و احکام اسلام برشمرده است که نشریات در این موارد آزاد نخواهند بود. همچنین مواد ۲۶ و ۲۷ قانون مذکور، به جرم‌انگاری اهانت به مقدسات از طریق نشریات می‌پردازد. در خصوص تحریک احساسات قومی، بند ج ماده ۲ و نیز بند ۴ ماده ۶ قانون مطبوعات، این عمل را بر اساس ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی) قابل مجازات دانسته است. نکته قابل توجه این است که این جرم‌انگاری صرفاً شامل مواردی است که تحریک احساسات قومی از طریق مطبوعات صورت گرفته باشد.

### ۳-۲: ارکان جرم توهین به ادیان و قومیت‌ها

در سال‌های اخیر و با بروز برخی تنش‌ها در جامعه به دنبال توهین به اقوام و مذاهب و تحریک احساسات قومی یا مذهبی، مقنن اقدام به جرم‌انگاری توهین به ادیان و مذاهب و قومیت‌ها نمود تا با توسل به ضمانت کیفری از بروز چنین اتفاقاتی پیشگیری و مرتکبان را مجازات نماید. توقف پخش سریال «سرزمین کهن» به جهت شائبه توهین به بزرگان قوم بختیاری، اعتراض آرامنه و مسیحیان ایران پیرامون تلقی توهین به هویت و ایمان مذهبی مسیحیان در فیلم های «اکسیدان» و «مادر قلب اتمی» که حتی جنجال آن به مجلس شورای اسلامی هم کشیده شد، آتش سوزی در اماکن مقدس یهودیان در همدان، توهین به آذری‌زبان‌ها در برنامه کودک موسوم به «فیتله» (صادقی و قرقانی، ۱۴۰۲: ۳) نمونه‌هایی از این وقایع هستند. طرح الحاق موادی به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) در خصوص اهانت به ادیان و مذاهب قانونی و اقوام ایرانی در تاریخ

<sup>1</sup> International convention on the elimination of all forms of racial discrimination 1969

۱۳۹۹/۰۲/۳۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. شورای نگهبان در دو مرحله ایراداتی به طرح اولیه مصوب مجلس شورای اسلامی وارد نمود. در متن اولیه مصوب مجلس شورای اسلامی عبارت «*قصد/ایجاد تفرقه یا خشونت یا تنش در جامعه*» به کار رفته بود که با اصلاح صورت گرفته عبارت «*قصد/ایجاد تفرقه*» حذف گردید و سر انجام در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

اجزای مشترک رکن مادی جرایم توهین شامل رفتار مرتکب، مشخص بودن طرف، بی تأثیری صحت و سقم اظهارات توهین آمیز، موهن بودن رفتار مرتکب و مطلق بودن آن است. (آقایی نیا، ۱۳۹۵: ۲۶) از نظر عنصر روانی علاوه بر علم و عمد لازم در موضوع توهین، باید قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه به عنوان سوءنیت خاص نیز احراز گردد. بنابراین اگر فردی بدون داشتن قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه به یکی از ادیان الهی یا مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی و یا به یکی از قومیت های ایرانی توهین نماید، اگر فعل وی مشمول عنوان مجرمانه دیگری نباشد، این عمل وصف کیفری نخواهد داشت؛ اما اگر سوءنیت خاص مرتکب در قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا علم به وقوع آن احراز گردد، چه موجب تحقق نتیجه یعنی ایجاد خشونت یا تنش در جامعه شده و چه نشده باشد، مرتکب مسئولیت کیفری خواهد داشت. مقنن در تبصره ۲ این ماده، ارتکاب جرم توسط گروه مجرمانه سازمان یافته و نیز شخصیت مرتکب جرم، زمانی که وی مأمور یا مستخدم دولتی یا عمومی بوده و در حین انجام وظیفه می باشد و شیوه و روش انجام جرم موقعی که از ابزارهای ارتباط جمعی یا نطق در مجامع استفاده می شود را از کیفیات مشدده جرم مقرر نموده است. با توجه به اینکه امروزه فضای مجازی و شبکه های پیام رسانی که در این بستر فعالیت می نمایند، فراگیری و تاثیرگذاری زیادی دارند و می توانند منشاء بروز تهدیدهای امنیتی گردند، توجه مقنن به این امر قابل توجیه می باشد. در خصوص تعیین مجازات نیز مقنن با اشاره به حدی بودن جرم در حالتی که فرد مرتکب سب النبی شده است، گستره شمول ماده را شامل مواردی نموده است که خارج از عنوان حدی سب النبی می باشند.

#### ۴- توهین به ادیان و قومیت ها در سنجه جرم انگاری امنیت گرا

اصول ۱۲ و ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در کنار تعیین اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری به عنوان دین رسمی ایران، برای پیروان سایر ادیان مصرح در قانون اساسی یعنی زرتشتیان، کلیمیان و مسیحیان و نیز پیروان مذاهب اسلامی، انجام آزادانه مراسم دینی و اعتقادی را تضمین نموده است. اعطای این حقوق به اقلیت های دینی و مذهبی در قانون اساسی، حاکی از رویکرد توأم با احترام نظام جمهوری اسلامی ایران نسبت به ادیان و مذاهب می باشد. از سوی دیگر کشور ایران دارای تکثر قومیتی است و همزیستی بین قومیت های مختلف در طول تاریخ رمز بقاء و ضامن حفظ یکپارچگی آن بوده است. امام خمینی (ره) بارها در خصوص توجه یکسان به تمامی قومیت ها در نظام اسلامی تاکید نموده اند: «از اول پیروزی انقلاب تا کنون در هر موقعیتی که پیش آمده است، اعلام کرده ایم که در اسلام کرد و ترک و فارس و بلوچ و لر و ترکمن و غیر اینها مطرح نیست؛ اسلام برای همه است و جمهوری اسلامی حق همه گروه ها را با عدالت اسلامی ادا خواهد کرد.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ۳۸۸) ایجاد خدشه در این همبستگی و اتحاد ملی می تواند موجب بروز مشکلات امنیتی برای کشور گردد. با این وجود، نوع مواجهه با اقدام تفرقه آمیز بین قومیت ها و ادیان و مذاهب از اهمیت بسیاری برخوردار است. به منظور بررسی رویکرد قانون گذار در جرم انگاری توهین به ادیان، مذاهب و اقوام، به تحلیل این جرم با توجه به معیارهای جرم انگاری امنیت مدار می پردازیم.

#### ۴-۱: معیار کلی و قابل تفسیر بودن عمل مجرمانه

سیاست جنایی از ورای زاویه دید امنیت گرای، به کنترل گسترده رفتارهای اجتماعی از رهگذر جرم‌انگاری حداکثری و افراطی می‌پردازد و به بهانه تأمین امنیت و بازگرداندن آرامش روحی و روانی شهروندان، آن‌چه را که به عنوان ارزش غیرقابل دفاع جامعه بشری معرفی شده است، مجرمانه تلقی می‌کند و با پاسخ‌های کیفری و دولتی، معمولاً جامعه را با نوعی سردرگمی در تشخیص مصلحت‌ها و مبانی ارزشی خود رو به رو می‌سازد. (قناد و اکبری، ۱۳۹۶: ۵۷) با بررسی سیاست تقنینی ایران ملاحظه می‌شود فرآیند برچسب زنی در حقوق کیفری ایران از این جهت تشدید می‌گردد که در قوانین کیفری آن، عناوین مجرمانه موسع و نامعین و کلی زیادی وجود دارد. رفتارهای شهروندان در ایران به راحتی می‌تواند با برچسب و انگ مجرمانه رو به رو گردد، و به دلیل قابلیت تفسیرهای مختلف از عناوین مجرمانه موجود، امکان این که افراد به صورت گزینشی در معرض برچسب‌های مجرمانه قرار گیرند نیز بسیار زیاد است. (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۱۵) مقنن عنوان کلی و مبهم توهین را به عنوان عنصر مادی جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر در نظر گرفته است. با توجه به برداشت موسع از توهین این احتمال وجود دارد که افراد در معرض برچسب‌زنی قرار بگیرند و برخلاف اصول حقوق بشری این امر منجر به تحدید حق آزادی بیان گردد. واکنش‌ها و ابزارهای کیفری همواره در شمار کارآمدترین روش‌های اعمال قدرت دولت‌ها قرار دارند. اصولاً مجازات به واسطه خصوصیت سرکوب‌گری، برخورداری از چهره اخلاقی و نیز قدرت قاعده‌مندسازی رفتارها همواره مورد توجه حکومت‌ها و در یک نگاه گسترده‌تر، قدرت بوده است و دولت‌ها از مجازات‌ها و قوانین کیفری به عنوان ابزار اعمال قدرت و حل برخی از مشکلات خود استفاده می‌کنند. در چنین شرایطی حکومت‌ها با توسل به کیفر، شهروندان را وادار به فرمان‌برداری کرده و هرگونه رفتار ضد هنجار و هرگونه اقدام که به نوعی ثبات سیاسی کشور را دستخوش تهدید قرار دهند، برنتافته و به شدیدترین شکل ممکن در مقام پاسخ‌گویی برآمده و در این راستا گاه اقدامات فرا قانونی را به بهانه امنیت و برقراری امنیت از دست رفته روا می‌دارند. به این معنی که امروزه دولت‌ها به بهانه کنترل جرم و مدیریت خطر، سیاست‌های کیفری خود را تشدید کرده و در میان اجرای عدالت یا تأمین امنیت، سیاست خود را بر مدار امنیت‌گرایی و مدیریت خطر پایه‌گذاری می‌کنند. (مرادی پسند و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸)

اصل کلی در حقوق جزای امروز مبتنی بر صراحت و شفافیت قانون است، تا جایی برای تفسیر موسع از سوی مجریان قانون باقی نماند. از این‌رو استفاده از الفاظ تقنینی مبهم در متون قانونی، از روش‌هایی است که می‌تواند زمینه جرم‌انگاری حداکثری را فراهم سازد. در واقع می‌توان گفت که علاوه بر قواعد جرم‌انگاری در عمل، نوع و شیوه قانون‌گذاری نیز می‌تواند زمینه‌ساز توسعه عناوین مجرمانه باشد. به کارگیری این روش باعث می‌گردد که مجریان قانون با توجه به ابهام‌های موجود در قانون‌گذاری، برداشت و تفسیر خود را در تطبیق دادن ماده قانونی بر عمل موردنظر اعمال نمایند. وقوع این امر، مداخله دستگاه قضایی در حیطه آزادی و حقوق و امنیت افراد جامعه را افزایش می‌دهد و بر همین مبنا، شیوه مذکور را می‌توان خلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها دانست. (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۲۹۶) نظر به این‌که عنصر مادی جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر یعنی توهین، از جمله جرایمی است که در حقوق کیفری ابهام‌های مربوط به آن منجر به تصویب ماده واحده قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و با هتک حرمت مصوب ۱۳۷۹ گردید، برداشت‌های مختلف قضات از آن می‌تواند منجر به توسعه عنوان مجرمانه این جرم گردد. همین ابهام، در خصوص عنصر روانی لازم برای ارتکاب جرم و نیز احراز سوءنیت خاص مرتکب در ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا علم به وقوع آن نیز وجود دارد.

#### ۴-۱-۱: معیار جرم امنیتی بودن

جرایم علیه امنیت در حقوق کیفری ایران، در قسمت خاصی از قانون مجازات اسلامی به صورت منسجم مطرح نشده است. بدین صورت که بخشی از جرایم علیه امنیت در فصل هشتم و نهم از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی ذیل عناوین محاربه، افساد فی الارض، بغی مطرح شده و بخش دیگر در فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) با عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور جای گرفته است. این تقسیم‌بندی در حالی است که در فصول بعدی کتاب تعزیرات نیز عناوینی چون سوء قصد به مقامات داخلی و خارجی (فصل دوم و سوم) و اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم (فصل شانزدهم) از عناوین مرتبط با جرایم علیه امنیت مشاهده می‌باشد. بنابراین، با توجه به این که مرتکبان این جرایم از نهادهای ارفاقی مانند تعویق صدور حکم، مجازات‌های جایگزین حبس نمی‌توانند بهره‌مند شوند و تعلیق اجرای مجازات هم در مورد آنان منوط به احراز شرایط خاصی شده است و رسیدگی به این جرایم در صلاحیت دادگاه اختصاصی یعنی دادگاه انقلاب می‌باشد، تعیین عناوین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به صورت منسجم توسط مقنن ضروری به نظر می‌رسد. (مجیدی و تاج آبادی، ۱۳۹۸: ۳۰۰)

به موارد مذکور باید عدم شمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات به موجب بند الف ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ممنوعیت استفاده از نهاد مجازات‌های جایگزین حبس موضوع ماده ۶۴ همان قانون را نیز اضافه کرد. ماده ۴۹۹ مکرر مورد بحث حاضر نیز در فصل اول بخش تعزیرات و ذیل عنوان جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی قرار گرفته است و محدودیت‌های پیش‌گفته برای مرتکبان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور شامل توهین‌کنندگان به ادیان و مذاهب و قومیت‌ها هم خواهد بود. با امعان نظر به این که خاستگاه توهین به ادیان و مذاهب و اقوام، ممکن است باورها و آموزه‌های نادرست فرهنگی یا تعصبات دینی و مذهبی باشد، باید ریشه ارتکاب جرم از منظر جرم‌شناسی فرهنگی نیز تحلیل و بررسی گردد. چه بسا خود بزه‌کار در چنین جرایمی قربانی فضای فرهنگی حاکم بر جامعه یا منطقه جغرافیایی که در آن سکونت دارد، باشد یا حداقل بتوان شرایط فرهنگی و مذهبی حاکم بر محل زندگی را به عنوان عامل مخففه مجازات وی لحاظ نمود. بنابراین توسل صرف به اعمال مجازات و ضمانت اجرای کیفری برای پیشگیری از تکرار جرم و اطمینان از اصلاح متهم، کافی نخواهد بود. به عبارت دیگر، نمی‌توان به صرف جرم‌انگاری این عمل که مرز باریکی با انحراف اجتماعی دارد و پاسخ به آن به صورت دولتی و در قالب مجازات، از واکنش اجتماعی و به کارگیری اهرم‌های مدنی غافل شد. انحرافات اجتماعی محصول نگاه متفاوت جامعه به یک رفتار فاصله‌گیر از ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول وجدان جمعی است که در این خصوص جامعه مدنی با استفاده از سازوکارهای خود واکنش‌های مستقل همانند امر به معروف و نهی از منکر در سیاست جنایی اسلام (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۳: ۷۷) و واکنش‌های مشارکتی در چارچوب سیاست جنایی مشارکتی از قبیل میانجی‌گری، نسبت به این مسأله خواهد داشت. (فتاد و اکبری، ۱۳۹۶: ۴۹) بنابراین با صبغه امنیتی پیدا کردن جرم توهین به قومیت‌ها و ادیان و مذاهب و با عنایت به مطالب پیش‌گفته در خصوص آن، محرومیت مرتکبان این جرایم از مرور زمان و مجازات‌های جایگزین‌های حبس سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد و امنیت‌گرایی مقنن در جرم‌انگاری صورت‌گرفته را پررنگ‌تر می‌نماید. هر چند که قانون‌گذار با اعطای اختیار به مقام رسیدگی‌کننده در تعیین جزای نقدی به عنوان مجازات قضایی تا حدودی این محدودیت را برطرف نموده است.

#### ۴-۱-۲: معیار توسعه موضوع جرم

راهکار دیگری که در جرم‌انگاری امنیت‌گرا مورد توجه مقنن قرار می‌گیرد، توسعه موضوع جرم می‌باشد. در این روش، تلاش مقنن بر آن است تا با تغییر موضوع جرم، دامنه شمول جرایم را تا حد بسیار زیادی افزایش دهد. در ماده ۴۹۹ مکرر نیز به نظر می‌رسد مقنن کیفری ایران با توسعه دامنه موضوع جرم، توهین به ادیان الهی و نیز مذاهب رسمی مصرح در قانون اساسی و همچنین توهین به قومیت‌های ایرانی را جرم‌انگاری نموده است. آیا از نظر مقنن همه شخصیت‌های مذهبی یا دینی، نمادها، نهادها، اماکن مقدس یا حتی مفاهیم دینی یا مذهبی در دایره ادیان و مذاهب قرار دارند یا فقط توهین به برخی از آنها می‌تواند باعث آزردن خاطر شدن دین‌داران و یا پیروان آن مذهب شده و لاجرم مورد حمایت قانون‌گذار باشد؟ در مورد توهین به قومیت‌ها شاید مشکل حادث‌تر هم باشد. کدام‌یک از ابعاد هویت قومی اعم از زبان، گذشته، رسوم، طرز پوشش، تعصب‌های قومی و ... در ماده مذکور مورد نظر مقنن است که توهین به آن مشمول جرم‌انگاری صورت گرفته باشد؟

#### ۴-۱-۳: معیار جرم‌انگاری به صورت مطلق

در حقوق کیفری عمومی، جرایم از نظر لزوم حصول نتیجه مجرمانه در دو دسته مطلق و مقید جای می‌گیرند. در جرایم مطلق، وقوع نتیجه خاصی لازمه تحقق جرم نیست اما در جرایم مقید فقط با حصول نتیجه مجرمانه، جرم مورد نظر واقع می‌شود. امروزه قانون‌گذاران در تدوین قوانین کیفری، از دسته‌بندی مذکور جهت توسعه یا کاهش دامنه شمول جرایم بهره می‌گیرند. جرایمی که برای مقنن دارای اهمیت بیشتری است، در زمره جرایم مطلق قرار گرفته و جرایم دارای اهمیت کمتر، مقید به تحقق نتیجه مجرمانه از سوی قانون‌گذار خواهند شد. بنابراین اغلب جرایم علیه اشخاص و اموال که به صورت مقید جرم‌انگاری شده‌اند، در جرایم علیه امنیت مقید به حصول نتیجه خاصی نیستند و از جرایم مطلق به‌شمار می‌آیند. در زمینه جرایم علیه امنیت نیز مقنن جزایی به خوبی دریافته است که در این حوزه نباید نتیجه مجرمانه خاصی را مد نظر داشت، زیرا با وقوع نتیجه دیگر امنیتی وجود نخواهد داشت که در پرتو آن قوانین کیفری به مرحله اجرا درآیند؛ به همین دلیل، به محض ارتکاب رفتار فیزیکی توسط مرتکب، وی مستحق مجازات کیفری می‌باشد. (عالی‌پور و کارگری، ۱۳۸۹: ۵۲) جرم‌انگاری امنیت‌گرا به جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه در قالب جرم مطلق، گرایش دارد. ماده ۴۹۹ مکرر مورد بحث حاضر نیز که در فصل جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور قرار گرفته است، مانند برخی دیگر از مواد این فصل، ارتکاب جرم را مقید به نتیجه خاصی ننموده‌است. می‌توان گفت این جرم از نظر مقنن یک جرم مطلق می‌باشد و حصول نتیجه مجرمانه یعنی ایجاد خشونت یا تنش در جامعه به عنوان یک کیفیت مشدده، باعث افزایش میزان مجازات می‌گردد.

#### ۴-۱-۴: معیار تمرکز بر عنصر مادی جرم

یکی دیگر از ویژگی‌های دیدگاه امنیت‌گرایانه در جرم‌انگاری، تمرکز بر روی عنصر مادی جرم بدون در نظر گرفتن رکن روانی آن است. مادی شدن جرم و توجه کامل به کافی دانستن صرف ارتکاب عمل مجرمانه‌ای که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است بدون برخورداری از سوء نیت، برخلاف اصول کلی حقوق کیفری است و اگر سیاست جنایی به سمت جرم‌انگاری رفتارهایی که صرف عنصر مادی در آن‌ها دارای اهمیت است، متمایل شود علاوه بر اینکه به سخت‌گیرانه شدن حقوق کیفری می‌انجامد در عمل نیز حقوق دفاعی و بنیادین متهم که باید در دادرسی کیفری رعایت شود را نادیده می‌گیرد. (Summers, 2007: 183) به عنوان نمونه، قسمت اخیر ماده ۵۰۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، برای اشخاصی که بدون اجازه مأمورین یا مقامات ذی‌صلاح در حال

نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند، شش ماه تا سه سال حبس تعیین نموده است. این جرم به جز عمد در نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکس برداری نیازمند سوء نیت خاص نمی باشد. بنابراین، تفاوتی نمی کند که مرتکب، این کارها را به قصد اخلال در امنیت یا دادن اطلاعات به دشمن انجام می دهد و یا صرفاً از روی کنجکاوای شخصی یا برای نگاهداری عکس در آلبوم شخصی خود به انجام آن‌ها مبادرت ورزد. در هر دو حالت، وی مرتکب جرم موضوع ماده شده است. (صادقی، ۱۳۹۷: ۱۰۴) در خصوص جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر، قانون گذار با اشاره به قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا علم به وقوع آن، احراز عنصر روانی را مد نظر قرار داده است و با اتخاذ این رویکرد از این معیار جرم انگاری امنیت مدار فاصله گرفته است؛ اما با محدود کردن عنصر روانی جرم به قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه، هدف خود از جرم انگاری را صرفاً در حفظ امنیت ملی خلاصه نموده است. با توجه به عنصر مادی این جرم یعنی توهین که به عنوان یک رفتار مجرمانه غالباً در دسته جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص جای می گیرد، امکان ورود لطمه به حیثیت و آبروی شهروندان و جریحه دار شدن احساسات افراد جامعه حتی بدون برهم خوردن نظم و امنیت عمومی وجود دارد. علاوه بر اینکه اگر شخص توهین کننده خود منتسب به یک قوم یا مذهب خاص باشد، این تحریک احساسات و عواطف ممکن است منجر به رفتار متقابل بزه دیدگان شده و باعث گسترش نفرت پراکنی و تشدید اختلاف میان مذاهب و قومیت ها گردد. در چنین وضعیتی بزه دیدگان کنونی به دلیل عدم حمایت نظام کیفری، تبدیل به بزه کاران آتی می شوند و این امر کارکرد نظام کیفری را زیر سوال می برد. به نظر می رسد در این جرم صرف تعیین مجازات مدنظر در ماده ۴۹۹ مکرر، بدون توجه به بزه دیدگان که با توجه به موضوع جرم ممکن است تعداد زیادی از افراد جامعه باشند، ناکارآمد باشد. استفاده از ظرفیت سازمان های مردم نهاد (سمن ها)<sup>۱</sup> و نهادهای عمومی غیردولتی در ترمیم فضای التهاب آمیزی که معمولاً پس از ارتکاب توهین به یک دین یا مذهب و یا یک قومیت در جامعه و به ویژه در میان پیروان آن دین یا مذهب و یا افرادی با هویت قومی مدنظر ایجاد می شود، می تواند به عنوان راهکاری برای بازگشت آرامش به فضای عمومی جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

##### ۵- نتیجه گیری

توهین به ادیان و مذاهب و قومیت ها به قصد ایجاد تنش یا خشونت در جامعه در سال ۱۳۹۹ با تصویب قانون الحاق دو ماده به کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) و طی ماده ۴۹۹ مکرر توسط مقنن، جرم انگاری شد. هرچند پیش از این مواد دیگری مانند ماده ۲۶۲ قانون مجازات اسلامی در خصوص سب نبی و نیز مواد ۵۱۳ و ۵۱۴ تعزیرات نیز، به جرم انگاری توهین به مقدسات اشاره داشته اند، با این وجود رویکرد قانون گذار در ماده ۴۹۹ مکرر که به فصل جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور الحاق شده است، به نظر یک رویکرد امنیت مدارانه می باشد. نوشتار حاضر ماده ۴۹۹ مکرر را که برای کاهش دغدغه های قانون گذار در خصوص تهدید امنیت ملی با ارتکاب توهین به ادیان، مذاهب و قومیت ها به تصویب رسیده است، از منظر معیارهای جرم انگاری امنیت مدار مورد بررسی قرار داده است. برخوردار نمودن جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر از محدودیت های جرایم علیه امنیت، مبهم و قابل تفسیر بودن عمل توهین با عنایت به اینکه در نظام کیفری ایران در طول سال های گذشته همواره چالش هایی در خصوص احراز جرم توهین وجود داشته است، توسعه موضوع جرم با استفاده از واژگان «ادیان الهی» و «مذاهب اسلامی» و «قومیت های ایرانی» بدون اشاره به مصادیق آن ها یا تعیین ضابطه عینی در این مورد و در نهایت جرم انگاری به صورت مطلق و فارغ

<sup>1</sup> Non-Governmental Organization (NGO)

از تحقق یا عدم تحقق نتیجه مورد نظر مرتکب، به نظر نگارندگان حکایت از جرم‌انگاری امنیت‌گرای قانون‌گذار در جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر دارد. استفاده از عناوین اتهامی کلی توهین به ادیان یا توهین به مذاهب اسلامی یا توهین به قومیت‌ها در عمل راه را برای برداشت‌های موسع توسط قاضی هموار می‌نماید. این‌که چه مواردی اعم از افراد، مکان‌ها، مفاهیم، نهادها و نمادها مورد احترام دین‌داران و پیروان مذاهب اسلامی و قومیت‌های مختلف ایرانی است، به صورت شفاف و معین و حصری در دسترس قاضی نیست و این امر می‌تواند منجر به دخالت دادن معیارهای ذهنی قاضی در محاکمه مرتکب جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر گردد. احراز سوءنیت خاص مرتکب در داشتن قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه یا علم به وقوع آن نیز، با توجه به امر درونی بودن با ابهام رو به رو می‌باشد و به آسانی میسر نخواهد شد. در این راستا پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- با عنایت به این‌که مقنن عمل توهین موضوع ماده ۴۹۹ مکرر را از دریچه امنیت‌مدارانه مورد جرم‌انگاری قرار داده، ناگزیر تعیین ضمانت کیفری را یگانه راهکار پیش‌گیری از تکرار جرم و اصلاح مرتکبان دانسته است. به نظر، حکومت با تلقی امنیتی بودن جرم مورد بحث و اعمال سیاست تسامح صفر در برابر آن، خود را بی‌نیاز از سایر راهکارهای سیاست جنایی برای حل این معضل می‌داند، حال آن‌که تداوم هم‌زیستی مسالمت‌آمیز بین ادیان و مذاهب و قومیت‌های مختلف در کنار یکدیگر، نیازمند فهم مشترک و احترام متقابل میان پیروان ادیان و مذاهب مختلف یا افراد دارای هویت قومی گوناگون است و این مهم، مستلزم بهره‌گیری از راهکارهای غیرکیفری مانند فرهنگ‌سازی در حوزه عمومی توسط نهادهای دولتی و به ویژه صداوسیما و سایر نهادهای غیر دولتی مانند سازمان‌های مردم‌نهاد و به‌ویژه علمای دینی و مذهبی در راستای حفظ و تقویت جایگاه هویت‌های مذهبی و قومی مختلف و پیش‌گیری از ارتکاب چنین جرایمی می‌باشد.
- ماده ۴۹۹ مکرر صرفاً موارد عمدی توهین به ادیان و مذاهب و قومیت‌ها را جرم‌انگاری نموده است، با این وجود در عمل ممکن است برخی از مصادیق این جرم به صورت غیرعمدی واقع شود ولی از نظر نتیجه یعنی ایجاد تنش یا خشونت در جامعه همان آثار جرم عمدی را به دنبال داشته باشد. در چنین وضعیتی تعیین مجازات به عنوان مجازات اصلی و به‌ویژه مجازات تکمیلی با رویکرد فرهنگی و اعتقادی با هدف اصلاح مرتکب و اطمینان از عدم تکرار جرم، ممکن نیست. جرم‌انگاری رفتار غیرعمدی در بین جرایم علیه امنیت، بی‌سابقه نیست؛ به عنوان نمونه می‌توان به جرم موضوع ماده ۵۰۶ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات در خصوص تخلیه اطلاعاتی شدن مسئول امور حفاظتی و اطلاعاتی در اثر بی‌مبالاتی اشاره کرد. پیشنهاد می‌گردد مقنن فرض ارتکاب غیرعمدی جرم حاضر را نیز بنا بر دلیل پیش‌گفته و نیز اهمیت توجه به حقوق بزه‌دیدگان و کاهش التهاب در جامعه که معمولاً با وقوع چنین جرایمی و با جریحه‌دار شدن احساسات تعداد زیادی از شهروندان به وجود می‌آید، جرم‌انگاری نماید. البته به نظر می‌رسد جرم موضوع ماده ۴۹۹ مکرر می‌تواند با عدول مقنن از قائل شدن وصف امنیتی برای آن، در خارج از فصل جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور قرار گیرد.
- توهین به قومیت‌ها و ادیان و مذاهب می‌تواند در بعضی از موارد مصداق جرم ناشی از نفرت نیز باشد. ماده ۲۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تشکیل پرونده شخصیت برای بزهکار را منوط به نوع و شدت مجازات نموده است؛ با توجه به آثار مخرب جرایم ناشی از نفرت بر بزه‌دیدگان، می‌توان تشکیل پرونده شخصیت در خصوص مرتکبان جرایم ناشی از نفرت را نیز الزامی نمود.

منابع

- ۱) آقابابایی، حسین (۱۳۸۴)، «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۵، شماره ۲
- ۲) آقایی نیا، حسین (۱۳۹۵)، «حقوق کیفری اختصاصی جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)»، چاپ هشتم، تهران: نشر میزان
- ۳) موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۵)، «صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (ره)»، جلد نهم، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۴) بکاریا، سزار (۱۴۰۰)، «رساله جرایم و مجازات‌ها»، ترجمه محمدعلی اردبیلی، چاپ دهم، تهران: نشر میزان
- ۵) پاد، ابراهیم (۱۳۸۴)، «حقوق کیفری اختصاصی»، جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- ۶) پوربافرانی، حسن (۱۳۹۲)، «بایدها و نبایدهای جرم انگاری در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، دوره ۲۰، شماره ۷۵
- ۷) پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)، «جرم شناسی»، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرند آبادی، چاپ سوم، تهران، نشر میزان
- ۸) توجهی، عبدالعلی؛ برنجی اردستانی، مرجان (۱۳۹۱)، «بررسی جایگاه امنیت گرایانه در سیاست جنایی ایران و آمریکا»، فصلنامه پژوهش های حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۲
- ۹) توکلی، فاطمه؛ آقابابایی، حسین؛ شاه ملک پور، حسن (۱۳۹۴)، «مبانی دینی و اصول جرم انگاری توهین به مقدسات و چالش های فرارو»، پژوهشنامه حقوق کیفری، دوره ۲، شماره ۶
- ۱۰) جعفریان سوته، سیدحسن (۱۳۹۴)، «از عدالت کیفری امنیت مدار تا عدالت کیفری کرامت مدار (علل و راهکارها)»، نشریه اندیشه های حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۱
- ۱۱) حبیب زاده، محمدجعفر و زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۴)، «درآمدی بر برخی محدودیت های عملی جرم انگاری (ضرورت ارزیابی منافع و مضار ایجاد یک جرم)»، مجله نامه مفید، شماره ۴۹
- ۱۲) رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰)، «بزه دیده شناسی حمایتی»، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر
- ۱۳) عالی پور، حسن؛ کارگری، نوروز (۱۳۸۹)، «جرایم ضد امنیت ملی»، تهران: نشر خرسندی
- ۱۴) غلامی، حسین (۱۳۹۱)، «اصل حداقلی بودن حقوق جزا»، فصلنامه حقوق کیفری، دوره ۱، شماره ۲
- ۱۵) قربانی، ابراهیم (۱۴۰۲)، «تاثیر افکار عمومی بر جرم انگاری ها در سیاست کیفری ایران»، فصلنامه اندیشه حقوقی معاصر، دوره ۱، شماره ۴
- ۱۶) قناد، فاطمه؛ اکبری، مسعود (۱۳۹۶)، «امنیت گرایي سیاست جنایی»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱۸
- ۱۷) قورچی بیگی، مجید؛ رضائیان کوچی، محمد رضا (۱۳۹۹)، «تحلیلی بر بایسته های سیاست کیفری بزه دیده مدار در جرائم ناشی از نفرت»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۹، شماره ۳۲
- ۱۸) لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، «درآمدی بر سیاست جنایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان
- ۱۹) مجیدی، سیدمحمود (۱۳۹۳)، «حقوق کیفری اختصاصی تطبیقی (جرایم علیه امنیت)»، چاپ دوم، تهران: نشر میزان

- ۲۰) مجیدی، سید محمود؛ تاج آبادی، فاطمه (۱۳۹۸)، «تکنیک‌های جرم‌انگاری امنیت مدار در حقوق کیفری ایران»، دوفصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۲۱
- ۲۱) مرادی پسند، گلناز؛ بشیریه، تهمورث؛ غلامی، حسین (۱۴۰۱)، «رسوخ کیفرگذاری به قلمرو کیفری و تاثیر آن بر سیاست‌های کیفرزدا»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۱۰، شماره ۲۰
- ۲۲) میر محمد صادقی، حسین (۱۳۹۷)، «جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی»، چاپ سی و ششم، تهران: نشر میزان
- ۲۳) میر محمد صادقی، حسین؛ قرقانی، علیرضا (۱۴۰۲)، «ناسیونالیسم مدنی از مسیر قانون‌گذاری‌های کیفری در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، دوره ۲۳، شماره ۵۸
- ۲۴) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۱)، «تقریرات درس جرم‌شناسی (از جرم‌شناسی انتقادی تا جرم‌شناسی امنیتی)»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق
- ۲۵) نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، «تقریرات جامعه‌شناسی جنایی»، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق
- ۲۶) هوساگ، داگلاس (۱۳۹۰)، «جرم‌انگاری افراطی»، ترجمه محمد تقی نوری، تهران: انتشارات مجد
- 27) Clarkson, C.M.V (1987), "Understanding criminal law". London: Fontana Press.
- 28) Summers, Sarah (2007), "Fair Trial". first edition. New York: Hart publishing.